



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



## زن و خانواده از دیدگاه امام خمینی (ره)

سید محمد مکی سعید هدایتی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زن و خانواده (از دیدگاه امام خمینی (ره))

نویسنده:

محمد مکتبی

ناشر چاپی:

دفتر عقل

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	زن و خانواده (از دیدگاه امام خمینی(ره))
۶	مشخصات کتاب
۶	دیباچه
۶	پیش‌گفتار
۷	فصل اول: نقش زنان در انقلاب
۲۱	فصل دوم: جایگاه اجتماعی زن
۲۹	فصل سوم: زن، خانواده و تربیت اسلامی
۳۷	فصل چهارم: سیره عملی امام خمینی رحمه‌الله در ارتباط با زنان
۴۴	کتاب‌نامه
۴۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## زن و خانواده (از دیدگاه امام خمینی(ره))

### مشخصات کتاب

سرشناسه: مکتبی، محمد عنوان و نام پدیدآور: زن و خانواده از دیدگاه امام خمینی / محمد مکتبی، سعید هدایتی. مشخصات نشر: قم: دفتر عقل ۱۳۸۷. مشخصات ظاهری: ۱۱۲ص. فروست: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما ۱۳۰۸. شابک: ۱۰۰۰۰ ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۷۱-۵ یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۱۲؛ همچنین به صورت زیرنویس. موضوع: خمینی، روح الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ -- نظریه درباره زن موضوع: خمینی روح الله رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ -- نظریه درباره خانواده موضوع: زنان در اسلام شناسه افزوده: هدایتی، سعید رده بندی کنگره: DSR۱۵۷۴ / ۹م ۱۳۸۷ رده بندی دیویی: ۸۴۳/۹۵۵ شماره کتابشناسی ملی: ۱۵۸۱۷۱۸

### دیباچه

نقش بانوان در انقلاب اسلامی، واقعیتی است که قابل انکار نبوده و در نوع خود کم‌نظیر یا بی‌نظیر است. حضرت امام رحمه‌الله در این باره می‌فرماید: «شما بانوان در این جا ثابت کردید که در پیشاپیش این نهضت قدم برداشته‌اید. شما سهم بزرگی در نهضت اسلامی ما دارید. شما در آتیه برای مملکت ما پشتوانه هستید». ۱. عنایت به این واقعیت تاریخی و تبیین هر چه بهتر این نقش می‌تواند آثار مثبت زیادی را در پی داشته باشد که برخی از آنها عبارتند از: - سپاس و قدرشناسی از زنان. - زنده نگه داشتن روحیه انقلاب در آنان و نیز حفظ و تحکیم ارزش‌های متعالی در نیمی از پیکره جامعه. - معرفی الگوی عملی و تجربه ارزشمند به زنان دیگر نقاط جهان. - یادآوری عملی استعداد و شایستگی زنان به نسل حاضر و نسل‌های آینده به ویژه مسئولان جامعه. - آموزش بیداری اسلامی به زنانی که اینک به جامعه قدم می‌گذارند. - بی‌اثر کردن تبلیغات منفی بیگانگان در باره نقش زن در جمهوری اسلامی. - یادآوری اهداف و آرمان‌های فراصنفی و فراجنسیتی زنان در نهضت. - یادآوری نقش سازنده و متقابل انقلاب در تحول و بیداری زنان و رهایی آنان از اسارت گذشته. به یقین، در بررسی نقش زنان در انقلاب اسلامی و ریشه‌یابی آن، بهترین، مهم‌ترین و مطمئن‌ترین منبع، نظرها و دیدگاه‌های روشن و شفاف حضرت امام خمینی رحمه‌الله است؛ زیرا ایشان افزون بر برخورداری از اطلاعات و تجربه‌هایی نزدیک به یک قرن از تاریخ معاصر ایران و جهان، رهبری نهضتی را بر عهده داشته که قرار است نقش زنان در همین نهضت، بررسی شود. بنابراین، بی‌تردید ایشان بیش از هر کسی بر جنبه‌های مختلف این موضوع اشراف داشته است و مطمئن‌تر از هر کسی می‌تواند درباره آن نظر دهد. با سپاس از پژوهشگران ارجمند، سید محمد مکتبی و سعید هدایتی شایسته است برنامه‌ریزان و برنامه‌سازان ارجمند، با نگرشی عمیق به افکار نورانی حضرت امام خمینی رحمه‌الله، در ترویج آموزه‌های آن، چون همیشه اهتمام لازم را داشته باشند. و من الله التوفیق اداره کل پژوهش مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

### پیش‌گفتار

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مسئله حضور زنان در عرصه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، بیش از پیش مطرح شد. گفتنی است نزد افکار عمومی و نیز افرادی که با آموزه‌های ناب اسلام بیگانه‌اند، زنان جایگاه ویژه و شایسته‌ای در عرصه‌های گوناگون جامعه ندارند. بدین ترتیب، براساس برخی افکار نارسا و برداشت‌های سطحی از فرهنگ دینی اسلام، نقش زنان به فعالیت‌های درون‌خانه محدود است و زنان نمی‌توانند از منزلت اجتماعی مطلوب برخوردار باشند. در این میان، بررسی دیدگاه‌های

ناب معمار کبیر انقلاب درباره نقش و جایگاه زنان اهمیت زیادی دارد. به گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد، پس از امامان معصوم علیهم‌السلام تاکنون در اندیشه و کلام هیچ یک از رهبران و مصلحان دینی و اجتماعی، بر شخصیت زن این مقدار که در اندیشه و کلام آن بزرگوار تکریم شده، تأکید نشده است. امام، زن را دارای توانایی‌ها و ویژگی‌های مثبت فراوانی می‌داند که اگر به خوبی شناسایی و به کار گرفته شود، تأثیر بسزایی در تحولات اجتماعی خواهد داشت. ایشان برای تبیین جایگاه ویژه زن از دیدگاه اسلام و آنچه انقلاب اسلامی در عصر حاضر برای وی به ارمغان آورده، بر شناخت پیشینه تاریخی وضعیت زنان تأکید داشت. امام، منادی نجات و رهایی زن از ستم‌هایی شد که به ناحق بر او روا می‌داشتند و توانست کرامت و شخصیت از دست‌رفته زن را به وی بازگرداند. پژوهش حاضر، در آمدی است بر تبیین دیدگاه‌های امام خمینی رحمه‌الله در زمینه جایگاه و نقش زنان در انقلاب اسلامی و عرصه‌های دیگر اجتماعی و همچنین، نگاهی است کوتاه به سیره رفتاری امام در زمینه خانواده. امید است توجه اصحاب رسانه ملی را به خود جلب کند.

## فصل اول: نقش زنان در انقلاب

امام خمینی رحمه‌الله نقش و سهم زنان را در نهضت و پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان یک اصل مسلم پذیرفته و بارها بر آن تأکید کرده است. این تأکید به صورت‌های مختلفی بیان شده است. ایشان در زمان انقلاب فرموده بود: «امروز، زن‌های شیردل، طفل خود را در آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک درخیمان می‌روند». ۱ «زنان همدوش مردان به پا خاستند و آزادی و استقلال خود را تقاضا کردند و شاه را محکوم نمودند و در جمعه سیاه آنچه مشهور است، ششصد نفر از زنان آزاده ما به دست عمال شاه کشته شدند». ۲ «ملتی که حتی بانوان محترمه‌اش با تظاهرات محجوبانه، بیزاری خود را از رژیم شاه اعلام می‌کنند، پیروز است». ۳ پس از پیروزی انقلاب نیز می‌فرمود: «ما همگی مرهون شجاعت‌های شما زنان شیردل هستیم». ۴ «از خواهران عزیز که در این جا اجتماع کرده‌اند و با تظاهر خودشان پشتیبانی از نهضت می‌کنند، متشکرم. خداوند شما را حفظ کند و برای اسلام نگه دارد. شما سهم بزرگی در این نهضت دارید و داشته‌اید. این نهضت را شماها باید به ثمر برسانید و می‌رسانید». ۵ «ما همه در این نهضت سهیم هستیم و شما خانم‌ها سهم بزرگ دارید». ۶ قبل از بررسی دیدگاه حضرت امام رحمه‌الله درباره نقش زنان در انقلاب، مناسب است که نگاهی گذرا به دیدگاه ایشان درباره نقش زنان در جنبش‌های صد ساله اخیر بی‌افکنیم. ۱. اعلامیه حضرت امام رحمه‌الله به مناسبت چهلمین روز شهادت شهدای تهران. (صحیفه نور، ج ۲، ص ۲۰۰. ۲. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۷۶. ۳. صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۰۲. ۴. همان، ج ۵، ص ۱۵۳. ۵. همان، ج ۶، ص ۱۲۰. ۶. همان، ص ۱۱. نقش زنان در جنبش‌های صد ساله اخیر امام خمینی رحمه‌الله نه تنها حضور پرشور زنان در انقلاب اسلامی را بسیار ارزشمند می‌دانست، بلکه از نقش زنان در مبارزات صد ساله اخیر ملت ایران به نیکی یاد می‌کرد. ایشان در چند سخنرانی خود، به نقش زنان در جنبش تنباکو و جنبش مشروطه اشاره فرموده است. امام با یادآوری اینکه زنان ایرانی پیش از دوران پهلوی از روحیه آزادی‌خواهی و حق‌طلبی واقعی برخوردار بودند و این رژیم رضاخان و پسرش بود که به نام آزادی برای زنان، در واقع روحیه آزادی‌خواهی آنان را گرفته و آنان را به اسارت درآورده بود، می‌فرمود: «ما باید حساب این مطلب را بکنیم؛ آزادی که اینها (شاه سابق) و اشخاصی که الان هم در مسیر او هستند، می‌خواهند، چه است و زن‌ها در غیر زمان این آدم چه نقشی داشتند؟ و بعد از او چه نقشی و در زمان او چه؟ کسی که تاریخ این صد ساله را مطالعه کرده است، می‌داند در جنبش‌هایی که در ایران بوده است، جنبش‌های اصیلی که در ایران بوده است قبل از این دوره رژیم پهلوی، جنبش تنباکو، جنبش مشروطیت، زن‌ها (ها) همدوش با مردها فعالیت می‌کردند...». ۱۰ در همین راستا، ایشان در تحلیل دیگری درباره نقش اساسی زنان در جنبش‌های تاریخ معاصر (تنباکو و مشروطه) چنین می‌فرماید: «ابرجنایت کاران که ادامه حیات خویش را در اسارت ملت‌ها به ویژه ملت‌های اسلامی می‌دانند، در این سده‌های اخیر که راهشان به

کشورهای اسلامی نفت خیز و ثروتمند باز شد، دریافتند که تنها قشر مذهبی است که می‌تواند خار راهی در راه استعمار و استثمار آنها باشد و دیدند که حکم نیم سطر یک مرجع مذهبی مورد علاقه مردم، دارای چنان قدرتی است که دولت انگلستان و دربار قدرتمند قاجار را به زانو درآورد و نیز دریافتند که زنان در آن نهضت نقش اساسی داشتند و متوجه شدند که در مشروطه و پس از آن نیز زنان به ویژه قشر متوسط محروم، آنان هستند که می‌توانند با قیام، مردان را به میدان بکشند و احساس کردند تا این عوامل به قوت خود باقی هستند، نقشه‌های آنان نقش بر آب است.<sup>۲</sup> امام خمینی رحمه‌الله نه تنها نقش زنان را پیش از دوره پهلوی و در مشروطه و جنبش تنباکو مورد تأکید و ستایش قرار می‌دهد، بلکه به پیش قدمی زنان در تمامی رخدادها و مسائل عمومی کشور اعتقاد داشت. ایشان این مسئله را نه برای خوشایند زنان، بلکه از روی اعتقاد عمیق و باور قطعی نسبت به شایستگی‌ها و تلاش زنان در همه صحنه‌ها ابراز می‌داشت. برای نمونه، ایشان در سخنان خود به مناسبت ولادت باسعادت حضرت زهرا علیهاالسلام که در تاریخ ۱۱/۱۲/۱۳۶۴ در دیدار با گروهی از زنان بیان داشت، می‌فرماید: «بحمدالله زنها در این جمهوری اسلامی چنانچه در همه مسائلی که عمومی پیش آمده است برای ایران پیش قدم بوده‌اند؛ در مسئله تنباکو پیش قدم بوده‌اند، در مسئله مشروطیت پیش قدم بوده‌اند، در مسائلی هم که ما الان مبتلا به آن هستیم، حظ وافر دارند، بلکه باید بگوییم که دو چندان حظ دارند.»<sup>۳</sup> «شما همان گونه که در نهضت‌ها نقش اساسی داشته‌اید و سهم بوده‌اید، اکنون هم باز باید در پیروزی سهم باشید.»<sup>۴</sup> ۱. همان، ج ۹، ص ۲۳۰. ۲. همان، ج ۱۶، ص ۱۲۵. ۳. همان، ج ۱۹، ص ۲۸۰. ۴. همان، ج ۵، ص ۱۵۳. انقلاب اسلامی و تحول روحی زنان در بررسی دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله در مورد انقلاب اسلامی و عوامل شکل‌گیری و پیروزی آن، شاید مسئله‌ای که بیش از هر عامل دیگر مورد توجه و تأکید قرار گرفته است، مسئله تحول روحی مردم است که همین تحول روحی، خود عاملی در جهت پیروزی انقلاب اسلامی بود. امام بارها از این تحول روحی در بین مردم یاد کرده است: «تحول در ایران پیدا شده است. تحول روحی که این تحول روحی، از غلبه‌ای که بر طاغوت بود و او را عقب زد، مهم‌تر (است) و تمام دنیا متحیر شدند از (این) تحول روحی که در ملت پیدا شد. ملتی که از یک پاسبان می‌ترسید، ریخت در خیابان‌ها؛ بچه و بزرگ گفتند که ما شاه نمی‌خواهیم.»<sup>۱</sup> حضرت امام نه تنها این تحول را بسیار مهم و تعیین‌کننده می‌دانست، بلکه معتقد بود که آن، امری بی‌نظیر و منحصر به فرد برای ملت ایران است: «... اما یک وقت تحول پیدا شده و مثل حالا شده. حالا یک نمونه است؛ یعنی شما در طول تاریخ، در هر جا نگاه کنید، نمونه‌ای مثل «تحول کنونی» ایران پیدا نمی‌کنید. در تاریخ ایران که نیست، در تاریخ‌های دیگر هم معلوم نیست پیدا کنید که یک مملکتی ملتش یک جور بودند، در یک مدت کوتاهی شدند یک جور دیگری و اصلاً عکس آن شدند.»<sup>۲</sup> از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه‌الله، این تحول پدیده‌ای عمومی بود که در ملت ایران به ویژه زنان ایرانی به وجود آمد. در نظر ایشان، سهم زنان در این تحول چشم‌گیر از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود: «این جانب به زنان پرافتخار ایران مباهات می‌کنیم که تحولی آنچنان در آنان پیدا شد که نقشه شیطانی بیش از پنجاه سال کوشش نقاشان خارجی و وابستگان بی‌شرافت آنان، از شعرای هرزه گرفته تا نویسندگان دستگاه‌های تبلیغاتی مزدور را نقش بر آب نمودند و اثبات کردند که زنان ارزشمند مسلمان دچار گمراهی نشده و با این توطئه‌های شوم غرب و غرب‌زدگان آسیب نخواهند پذیرفت.»<sup>۳</sup> «نهضت اسلامی به برکت اسلام چنان تحولی در نفوس زن و مرد جامعه به وجود آورده که ره صد ساله را یک شبه طی نموده است و شما ملت شریف دیدید که زن‌های محترم متعهد ایران پیشاپیش مردان به میدان رفته و سد عظیم شاهنشاهی را درهم شکستند و ما همه مرهون قیام و اقدام آنان هستیم.»<sup>۴</sup> «در طایفه نسوان، شما ملاحظه کنید آن وقت چه خیر بوده، حالا چه خیر است؛ زن‌های ما حالا مکتبی شده‌اند.»<sup>۵</sup> این تحول در نظر حضرت امام خمینی رحمه‌الله، چنان مهم بود که آن را از هر دستاورد دیگر انقلاب بااهمیت‌تر می‌دانست: «آنچه که در ایران بزرگ‌تر از هر چیز بود، تحولی است که در بانوان ایران حاصل شد.»<sup>۶</sup> یا در جای دیگر می‌فرماید: «اگر این نهضت و انقلاب اسلامی هیچ نداشت جز این تحولی که در بانوان و جوانان ما پیدا شد، این یک امری بود که کافی بود برای کشور ما.»<sup>۷</sup> ایشان برای اینکه این حقیقت به



گونه‌ای ملموس مورد پذیرش قرار گیرد، بارها از ویژگی‌های مردم به ویژه زنان در قبل و بعد از تحول یاد کرده است و با مقایسه این دو وضعیت، ادعای خود را به اثبات می‌رساند. برای بیان روشن‌تر این واقعیت، با استفاده از سخنان حضرت امام رحمه‌الله به تبیین و مقایسه این دو وضعیت می‌پردازیم. ۱. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر نهم ملت، امت، ص ۲۲۴. (سخنرانی حضرت امام در جمع هیئت قائمیه تهران) ۲. همان، ص ۲۲۰. ۳. تبیان، دفتر هشتم، (جایگاه زن در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، ص ۱۶۵. ۴. همان، ص ۱۶۵. ۵. همان، ص ۱۶۶. ۶. همان، ص ۱۶۵. ۷. همان، ص ۱۶۵. ۱. ویژگی‌های زنان قبل از تحول «خانم‌هایی که در قبل وضعیتشان یک نحو دیگری بود و رژیم آنها را به یک مسائل دیگری مشغول کرده بود، متحول شدند به کسانی که در مقابل رژیم ایستادند و با برادرها و همدوش، بلکه مقدم، در این نهضت شرکت کردند». ۱. از دیدگاه امام خمینی رحمه‌الله در مورد بررسی وضعیت زنان در قبل از انقلاب، نکته‌هایی به چشم می‌خورد که عبارتند از: ۱. همان، ص ۱۶۱. الف) کنار بودن از مسائل سیاسی و اجتماعی «این از برکات نهضت است که شما بانوان ساحل را و سایر بانوان محترم ایران را در مسائل روز و در مسائل سیاسی وارد کرده است. دست‌های جنایت‌کار که مظهرش دست محمدرضا و پدر او بود، همه قشرهای ملت را از امور اجتماعی و سیاسی کنار گذاشته بود. مسائل سیاسی در پیش بانوان اصلاً مطرح نبود یا اگر بعضی مطرح می‌کردند، روی همان جریان سیاست چپاول‌گری بود». ۱. همان، ص ۱۸۸. ب) بی‌تفاوتی نسبت به مسائل کشور «چه وقت در ایران شماها و ما یادمان هست که این‌طور انسجام باشد بین گروه‌های مختلف ملت و این‌طور در امور کشوری و سیاسی همه حضور داشته باشند؟ اگر یک وقتی یک قضیه‌ای هم در کشور واقع می‌شد، حتی مردها هم در یک محله تهران اصلاً مطلع از این چیزها نمی‌شدند، خانم‌ها هم بی‌تفاوت بودند، مردم هم بی‌تفاوت بودند. آنها هم که مطلع می‌شدند، بی‌تفاوت بودند. ۱. ... همین جوان‌ها، همان زن‌هایی که آن وقت که هیچ بی‌تفاوت بودند راجع به کشور خودشان، راجع به همه چیز، همین‌ها هم وارد شدند در میدان و...» ۲. ۱. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، زن، ص ۹۱. ۲. تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۶۳. ج) خودباختگی و غرب‌گرایی؛ پیروی از مد تبلیغات کردند که شما خانم‌ها را از آن حیثیتی که دارید، بیندازند، از شما بگیرند حیثیت خودتان را، شما را غربی کنند، آرایش‌ها از غرب باید بیاید، مد‌ها از غرب باید وارد بشود، هر روز تغییر که بکنند، شما هم تغییرش بدهید. همه چیزهای شما از غرب وارد می‌شد، تبلیغات بود دیگر. همه هم عادت کرده بودند. اگر امروز یک چیزی می‌آمد و می‌گفتند در مثلاً انگلستان یک همچو چیزی شده است، فوراً آنجا همه این چیزها را باید کنار بگذارند، آن پیش بیاید، این مد پیش بیاید». ۱. «اینها تربیت انسانی را از ایران به کلی از بین بردند و تربیت‌های غربی، نه آن هم تربیت‌های صحیح غربی، تربیت‌های فاسد غربی در بین ما رواج دادند و در زمان این پسر، شاید بیشتر معنویات از بین رفت. در زمان او، ظلم شاید ظهورش، ظاهرش بیشتر بود. بانوان را بیشتر اذیت کردند. سایر مردم را بیشتر اذیت کردند». ۲. «یکی از امور دیگری هم که باز من گفته‌ام، این است که ما را جوری بار آورده بودند که یا باید فرنگی مآب باشیم یا هیچی. یک نفر جوان، یک نفر خانم اگر سر تا پایش فرنگی مآب است، این معلوم می‌شود خیلی عالی مقام است و اگر چنانچه مثل سایر مسلمان‌هاست، این خیلی عقب‌افتاده است». ۳. ۱. همان، ص ۲۲۵. ۲. همان، ص ۲۲۶. ۳. همان، ص ۲۲۷. د) حاکمیت ارزش‌های مادی و مصرف‌زدگی وقتی در قشر توده‌های مردم نگاه می‌کردی، در بین زن و مرد، هر دو طایفه، ارزش به لباس بود و به طرز پوشیدن لباس و دوختن لباس و آرایش؛ هر که بهتر لباس می‌پوشید و شیک‌تر بود در لباس، ارزشش پیش مردم بیشتر بود و هر زنی که آرایشش به طرز اروپایی بود و لباسش از آنجا الهام می‌گرفت، این، پیش زن‌ها هم ارزشش بیشتر بود. البته پیش اکثر، ارزش‌ها همه به امور مادی بود». ۱. «... عقب افتادگی و جلو رفتن را به این می‌دانستند که فرنگی مآب باشد؛ یعنی فرض کنید فرم لباسش چه جور باشد و فرم کفشش چه جور باشد یا مثلاً هر چه که از خارج می‌آید، صرف بکند. مصرفی بار آوردند ما را. برای همین جهت ما را مصرفی بار آوردند». ۲. «... وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان خصوصاً طبقه جوان به اقسام اجناس وارداتی از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازی‌های کودکانه و

به مسابقه کشاندن خانواده‌ها و مصرفی بار آوردن هرچه بیشتر که خود داستان‌های غم‌انگیز دارد و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوان‌ها که عضو فعال هستند...» ۱۳. همان، ص ۲۲۸. ۲. همان. ۳. همان، ص ۲۲۹. ۵. ایجاد انحراف و فساد در میان زنان «کسانی که آن زمان را به یاد دارند، می‌دانند این خائن تبهکار با دستیاری عمال بی‌وطنش، با اینان چه کردند و برای پیروزی هر چه سریع‌تر نقشه‌هایشان، چه راه‌هایی را برای انحراف و مصرفی نمودن و به فساد کشاندن بانوان مظلوم در پیش گرفتند. کافی است نسل حاضر که آن روزگار سیاه را درک نکرده‌اند، به کتاب‌ها، شعرها، نوشته‌ها، نمایش‌نامه‌ها، تصنیف‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها و مراکز فحشا و قمارخانه‌ها و شراب‌فروشی‌ها و سینماها که همه یادگار آن عصر بودند، بنگرند و یا از آنان که دیده‌اند، پرسند و نیز سؤال کنند که نسبت به زن، این قشر انسان‌پرور و آموزگار، چه ظلم‌ها و خیانت‌هایی در ظاهر فریبنده‌ای به اسم زن مرفقی روا داشتند». ۱. «... تمدن اینها این است. اینها از تمدن این را می‌خواهند. اینها از آزادی اینها را می‌خواهند؛ آزادی غربی می‌خواهند و آن این است (که) زن و مرد با هم لخت بشوند و بروند توی دریا، بروند توی - نمی‌دانم - جاهای دیگر شنا کنند. این تمدنی است که آقایان می‌خواهند. این تمدنی است که در رژیم سابق تحمیل بر مملکت ما شد که بعد از اینکه می‌رفتند زن و مرد در دریا، زن‌ها همان‌طور لخت می‌آمدند توی شهر، مردم هم جرئت نمی‌کردند حرف بزنند». ۲. «موقعی که مردم دریا می‌روند، یکی از اموری که آنها دامن به آن می‌زدند، همین اختلاطی بود که بین جوان‌ها و زن و مرد (بود) و این، نه از باب این بود که اینها می‌خواستند به جوان‌ها مثلاً یک خوشی بگذرد، بلکه از باب این بود که اینها را به تباهی بکشند». ۳. «رژیم شاه است که با غرق کردن آنها (زنان) در امور خلاف اخلاق می‌کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند و اسلام شدیداً معترض به این امر است... ما می‌خواهیم که زنان را از فسادی که آنها را تهدید می‌کند، آزاد سازیم». ۴. امام خمینی رحمه‌اللهدر تبیین هدف استعمار از ایجاد انحراف و فساد در میان زنان می‌فرمود: «... لازم دیدند برای دست یافتن به این کشورها و مخازن سرشار آنها، پایه‌های مذهب و رهبری مذهبی و قشرهای مذهبی سست شود و از همان زمان به فکر این نقشه و عملی نمودن آن افتادند و توفیق‌هایی هم به دست آوردند، تا آنکه رضاخان را برای این خدمت یافته و او را به قدرت رساندند و او با این سه عامل به پیکار سرسختانه پرداخت و کسانی که آن زمان را به یاد دارند، می‌دانند این خائن تبهکار با دستیاری عمال بی‌وطنش، با اینان چه کردند و برای پیروزی سریع‌تر نقشه‌هایشان، چه راه‌هایی را برای انحراف و مصرفی نمودن و به فساد کشیدن بانوان مظلوم در پیش گرفتند. کافی است نسل حاضر که آن روزگار سیاه را درک نکرده‌اند، به کتاب‌ها، شعرها، نوشته‌ها، نمایش‌نامه‌ها، تصنیف‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها و مراکز فحشا و قمارخانه‌ها و شراب‌فروشی‌ها و سینماها که همه یادگار آن عصر بودند، بنگرند و یا از آنان که دیده‌اند، پرسند». ۱. همان، ص ۲۲۸. ۲. همان، ص ۱۵۵. ۳. همان، ص ۲۵۶. ۴. همان، ص ۲۵۸. ۵. همان، ج ۱۶، ص ۱۲۵. ۵. ایجاد انحراف و فساد در میان زنان «کسانی که آن زمان را به یاد دارند، می‌دانند این خائن تبهکار با دستیاری عمال بی‌وطنش، با اینان چه کردند و برای پیروزی هر چه سریع‌تر نقشه‌هایشان، چه راه‌هایی را برای انحراف و مصرفی نمودن و به فساد کشاندن بانوان مظلوم در پیش گرفتند. کافی است نسل حاضر که آن روزگار سیاه را درک نکرده‌اند، به کتاب‌ها، شعرها، نوشته‌ها، نمایش‌نامه‌ها، تصنیف‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها و مراکز فحشا و قمارخانه‌ها و شراب‌فروشی‌ها و سینماها که همه یادگار آن عصر بودند، بنگرند و یا از آنان که دیده‌اند، پرسند و نیز سؤال کنند که نسبت به زن، این قشر انسان‌پرور و آموزگار، چه ظلم‌ها و خیانت‌هایی در ظاهر فریبنده‌ای به اسم زن مرفقی روا داشتند». ۱. «... تمدن اینها این است. اینها از تمدن این را می‌خواهند. اینها از آزادی اینها را می‌خواهند؛ آزادی غربی می‌خواهند و آن این است (که) زن و مرد با هم لخت بشوند و بروند توی دریا، بروند توی - نمی‌دانم - جاهای دیگر شنا کنند. این تمدنی است که آقایان می‌خواهند. این تمدنی است که در رژیم سابق تحمیل بر مملکت ما شد که بعد از اینکه می‌رفتند زن و مرد در دریا، زن‌ها همان‌طور لخت می‌آمدند توی شهر، مردم هم جرئت نمی‌کردند حرف بزنند». ۲. «موقعی که مردم دریا می‌روند، یکی از اموری که آنها دامن به آن می‌زدند، همین اختلاطی بود که بین جوان‌ها و زن و مرد (بود) و این، نه از باب این بود که اینها

می‌خواستند به جوان‌ها مثلاً یک خوشی بگذرد، بلکه از باب این بود که اینها را به تباهی بکشند.»<sup>۳</sup> «رژیم شاه است که با غرق کردن آنها (زنان) در امور خلاف اخلاق می‌کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند و اسلام شدیداً معترض به این امر است... ما می‌خواهیم که زنان را از فساد که آنها را تهدید می‌کند، آزاد سازیم.»<sup>۴</sup> امام خمینی رحمه‌اللهدر تبیین هدف استعمار از ایجاد انحراف و فساد در میان زنان می‌فرمود: «... لازم دیدند برای دست یافتن به این کشورها و مخازن سرشار آنها، پایه‌های مذهب و رهبری مذهبی و قشرهای مذهبی سست شود و از همان زمان به فکر این نقشه و عملی نمودن آن افتادند و توفیق‌هایی هم به دست آوردند، تا آنکه رضاخان را برای این خدمت یافته و او را به قدرت رساندند و او با این سه عامل به پیکار سرسختانه پرداخت و کسانی که آن زمان را به یاد دارند، می‌دانند این خائن تبهکار با دستگیری عمال بی‌وطنش، با اینان چه کردند و برای پیروزی سریع تر نقشه‌هایشان، چه راه‌هایی را برای انحراف و مصرفی نمودن و به فساد کشیدن بانوان مظلوم در پیش گرفتند. کافی است نسل حاضر که آن روزگار سیاه را درک نکرده‌اند، به کتاب‌ها، شعرها، نوشته‌ها، نمایش‌نامه‌ها، تصنیف‌ها، روزنامه‌ها، مجله‌ها و مراکز فحشا و قمارخانه‌ها و شراب‌فروشی‌ها و سینماها که همه یادگار آن عصر بودند، بنگرند و یا از آنان که دیده‌اند، بپرسند.»<sup>۵</sup> همان، ص ۲۲۸. ۲. همان، ص ۱۵۵. ۳. همان، ص ۲۵۶. ۴. همان، ص ۲۵۸. ۵. همان، ج ۱۶، ص ۱۲۵. (و نبود آزادی واقعی برای زنان...) این رژیم، آزادی زن را البته نظیر آزادی مرد از میان برده و پای مال ساخته است.»<sup>۱</sup> «در زمان رژیم که فریاد می‌کردند که «آزاد زنان و آزاد مردان»، چه فعالیتی زن‌ها داشتند؟ فعالیتی که ما از زن‌ها می‌دیدیم، این بود که چندتایشان جمع بشوند، بروند، با آن وضع فضیح بروند سر قبر رضاخان، آنجا تشکر کنند از اینکه ما را آزاد کردید. چه جور آزاد کرد؟ چه کرد؟... کدام زن توانست راجع به مسائل روز یک کلمه بگوید و کدام مرد توانست که راجع به گرفتاری‌هایی که ملت ما از دست اجانب و از دست داخلی‌ها داشتند، یک کلمه بنویسد... در این پنجاه سال که من شاهد قضایا بودم، آزادی واقعی مفید برای جامعه مسلوب بود. هیچ نداشتیم. یعنی زن‌ها آزاد نبودند که راجع به مسائل جامعه فعالیت بکنند یا حرف بزنند راجع به گرفتاری‌های ملت. راجع به گرفتاری‌های ملت به دست شرق و غرب هیچ آزادی نبود. راجع به گرفتاری‌های ملت از دست دولت‌های دست‌نشانده، یک کلمه آزاد نبودند که صحبت کنند.»<sup>۲</sup> مواردی که به آنها اشاره شد، ویژگی‌هایی بود که حضرت امام رحمه‌الله در ترسیم وضعیت زنان در قبل از انقلاب، به آنها اشاره داشته است و زنان ما را گرفتار چنین مشکلاتی می‌دانست. مشکلاتی که منشأ برخی از آنها را جنبه‌های روحی - اخلاقی و منشأ برخی دیگر را بعد فرهنگی و احیاناً سیاسی دانسته است که در مجموع، در خدمت تحکیم پایه‌های رژیم گذشته قرار می‌گرفته، ولی در جریان شکل‌گیری انقلاب و پس از پیروزی، این ویژگی‌ها دست‌خوش تحولی اساسی شد، به گونه‌ای که شخصیت فردی و نیز هویت جمعی جدیدی برای زنان جامعه ما به ارمغان آورده است. ۱. همان. ۲. همان، ص ۲۶۲. ۲. زنان بعد از تحول این تحول، بر اساس جنبه‌های گوناگونی قابل تبیین است که در اینجا با استناد به سخنان امام خمینی رحمه‌الله در دو بعد فردی و اجتماعی، به نشانه‌هایی از این تحول اشاره‌ای خواهیم کرد: الف - جنبه فردی یک - شجاعت و شهامت «این یک تحولی بود که بشر نمی‌توانست این تحول را درست کند؛ این تحول الهی بود؛ یعنی مقلب‌القلوب این کار را کرد؛ قلب‌ها را از آن وحشت بیرون آورد، از آن وحشتی که از این رژیم‌ها همه داشتند، از آن وحشت بیرون آورد و به جای آن، تصمیم و شجاعت به ایشان داد، به طوری که زن‌ها، بچه‌ها و مردها، همه به مبارزه برخاستند. کی سابقه داشت که زن در مبارزه بیاید، مقابل توپ و تانک بیاید، این یک تحول روحی بود که خدای تبارک و تعالی در این ملت تحول را ایجاد فرمود.»<sup>۱</sup> «خانم‌هایی که در قبل وضعشان یک وضع دیگری بود، رژیم آنها را به یک مسائل دیگری مشغول کرده بود، متحول شدند به کسانی که در مقابل رژیم ایستادند و با برادرها همدوش و بلکه مقدم، در این نهضت شرکت کردند. این تحول‌ها، تحول‌های اعجاز‌آمیز بود.»<sup>۲</sup> «این معجزه است که خانم‌ها در مقابل تانک و توپ و مسلسل‌ها ایستادگی کردند و از هیچ چیز نهراسیدند. این نور قرآن و اسلام است که در دل‌های شما، در قلوب همه ملت ایران جلوه کرده است. این نور ایمان است که شما خانم‌ها هم از شهادت نمی‌هراسید.»<sup>۳</sup> همان،

ص ۱۶۰. ۲. همان، ص ۱۶۲. ۳. در جست‌وجوی راه از کلام امام رحمه‌الله، دفتر چهارم، ص ۴۰. دو - روحیه شهادت‌طلبی از نظر امام خمینی رحمه‌الله، از دیگر ویژگی‌های آشکار مردم که در اثر این تحول به وجود آمد، روحیه شهادت‌طلبی بود. این روحیه تنها مربوط به مردان و جوانان نبود، بلکه، زنان نیز چنین روحیه‌ای پیدا کرده بودند: «مردم متحول شده‌اند، مثل مردمی که در صدر اسلام بود. اکنون هم زن‌ها به من می‌گویند اجازه بدهید ما هم در راه نهضت شهید بشویم. زن‌های زیادی آمده بودند پیش من و می‌خواستند در جنگ کردستان شرکت کنند و حتی بعضی از این زن‌ها می‌گفتند که با دادن چند شهید، باز هم حاضر هستند که شهید بدهند». ۱. «ملت ما شهادت را ترجیح می‌دهد و می‌گوید ما می‌خواهیم شهید بشویم. از اول نهضت تقریباً من نجف بودم. از آن وقت تا حالا زن و مرد و جوان‌ها می‌آیند از من استدعا می‌کنند که شما دعا کنید ما شهید بشویم. من دعا می‌کنم ثواب شهید پیدا بکنند. یک مجلس عقدی که ما چند وقت پیش در تهران داشتیم، آن زن و مردی که با هم ازدواج کردند، بعد آن زن یک کاغذی به من داد، خواندم، دیدم نوشته است شما دعا کنید من شهید بشوم...». ۲. «از آن وقتی که نهضت شروع می‌شد، مکرر هر چند روز یک مرتبه زنان و مردان می‌آمدند پیش من اصرار می‌کردند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم و من دعا می‌کنم که شما موفق بشوید و ثواب شهادت را داشته باشید». ۳. «می‌دانید که جوان‌های ما شهادت را می‌خواهند و از آنها گاهی وقت‌ها که با من ملاقات می‌کنند، گاهی بعضی‌شان قسم می‌دهند، بعضی از خانم‌ها قسم می‌دهند که شما دعا کنید که ما شهید بشویم و من دعا می‌کنم که آنها ثواب شهید را ببرند و پیروز بشوند». ۴. همان، دفتر نهم، ص ۲۲۹. ۲. همان، ص ۲۲۹. ۳. همان، دفتر چهارم، ص ۴۱. ۴. بیان، دفتر هشتم، ص ۲۱۱. سه - از خود گذشتگی در راه انقلاب حدیث ایثار و از خود گذشتگی زنان در انقلاب، حدیث زیبایی است که هر زمان روایت‌گر حماسه‌ای دیگر است. این حماسه‌ها آن‌قدر شگفت و زیباست که امام حماسه‌سازان را نیز به شگفتی وا می‌دارد. این، نمونه‌ای است از آن همه زیبایی: «مقاومت و فداکاری این زنان بزرگ در جنگ تحمیلی آن‌قدر اعجاب‌آمیز است که قلم و بیان از ذکر آن عاجز، بلکه شرمسار است». این جانب در طول جنگ، صحنه‌هایی از مادران و خواهران و همسران عزیز از دست داده دیده‌ام که گمان ندارم در غیر این انقلاب نظیری داشته باشد و آنچه برای من یک خاطره فراموش نشدنی است با اینکه تمام صحنه‌ها چنین است، ازدواج یک دختر جوان با یک پاسدار عزیز است که در جنگ هر دو دست خود را از دست داده و از هر دو چشم آسیب دیده بود. آن دختر شجاع با روحی بزرگ و سرشار از صفا و صمیمیت گفت: «حال که نتوانستم به جبهه بروم، بگذار با این ازدواج، دین خود را به انقلاب و به دینم ادا کرده باشم. عظمت روحانی این صحنه و ارزش انسانی و نغمه‌های الهی آنان را نویسندگان، شاعران، گویندگان، نقاشان، هنرپیشگان، عارفان، فیلسوفان، فقیهان و هر کس را که شماها فرض کنید، نمی‌توانند بیان و یا ترسیم کنند و فداکاری و خداجویی و معنویت این دختر بزرگ را هیچ کس نمی‌تواند با معیارهای رایج ارزیابی کند». ۱. یکی از بارزترین جلوه‌های ایثارگری زنان، شهادت فرزندانشان است. «ما هر روز شاهدیم که مادران شهدا، کسانی که حتی چند شهید داده‌اند، فریاد می‌زدند که اگر باز هم داشتیم، در راه خدا می‌دادیم و تأسف می‌خورند که دیگر فرزندی ندارند که در راه خدا بدهند». ۲. «زن‌هایی که جوان‌های خودشان را دادند، افتخار کردند که شهید داده‌ایم و آن کسی که یک پسر از او باقی مانده بود، باز می‌گفت این را هم اهدا می‌کنم». ۳. ۱. همان، دفتر هشتم، ص ۲۰۹. ۲. در جست‌وجوی راه از کلام امام رحمه‌الله، دفتر نهم، ص ۲۴۳. ۳. همان، دفتر چهارم، ص ۳۹. چهار - تحول ارزشی در بعد فرهنگی، بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب، تحول در ارزش‌ها بود که ریشه تحولات دیگر به شمار می‌آید. در این زمینه نیز زنان دچار تحولی شگرف شدند، به گونه‌ای که از ارزش‌های غربی و طاغوتی روی گرداندند و به ارزش‌های معنوی و الهی روی آوردند. امام رحمه‌الله نیز با بیان‌های مختلف، بارها به این تحول ارزشی اشاره کرده است. «جامعه ما از بعضی بانوان زمان محمدرضا و رضا برگشتند به یک بانوانی که زینب‌گونه شدند و تابع فاطمه. آن روز تابع آرایش اروپایی بودند - باید از اروپا طرح لباس بیاید - امروز تابع مکتب هستند و آنچه اسلام می‌پسندد، مقبول است و این، یک تحولی است که بالاترین تحولات است در جامعه ما». «آن ارزشی که امروز در کشورهای

اسلامی و خصوصا در کشور ایران پیدا شده است، این است که در رژیم سابق، شأن و مرتبت، عبارت از آرایش کذا و لباس‌های کذا و منزلگاه‌های کذا بود و امروز، ارزش، ارزش انسانی است، ارزش اخلاقی است، ارزش انسانی است که به واسطه همین تحول درقشر بانوان، دیگر آنهایی که با آرایش‌های فاسد (و) با لباس‌های فاخر می‌خواستند فخرفروشی کنند، در بین جامعه ما محکومند و خجالت‌زده‌اند. آن روز بانوان اسلامی ما خجالت می‌کشیدند که با لباس اسلامی و لباسی که در او مراعات شده باشد. طبقات ضعیف هم اگر این کار را می‌کردند، خجالت می‌کشیدند در بین قشرهای فاسد مرفه بودند. امروز، امر به عکس است و یکی از این اشخاصی که دارای آن‌طور کارهای فاسد و آرایش فاسد و خودنمایی‌های مفسد بودند، آنها احساس شرم می‌کنند در بین شما». حضرت امام خمینی رحمه‌الله تحولات مثبت در زنان ایران را آن‌قدر مهم و عمیق می‌داند که آنها را شایسته الگو شدن برای دیگر زنان مسلمان دانسته و از آنان خواسته است که ایشان را الگوی خویش قرار دهند: «من امیدوارم که خانم‌های مسلمین در هر جا هستند، اقتدا کنند به شما عزیزان که کوشش دارید برای اینکه ارزش زن را هر چه بیشتر بالا ببرید و آن ظلمی که در آن زمان شده، با کوشش خودتان از او جبران کنید». ۱ «امید است که زنان سایر کشورهای اسلامی از تحول معجزه‌آسایی که برای زنان ایران در اثر انقلاب اسلامی حاصل شد، عبرت گرفته و بکوشند جامعه خود را اصلاح نمایند و کشورهای خود را به آزادی و استقلال برسانند». ۲. همان، ص ۸۳. ۲. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۹۸. ب) جنبه اجتماعی از پی آمدهای اجتماعی تحول در زنان، حضور مؤثر در اجتماع و مشارکت گسترده اجتماعی در زمینه‌های گوناگون بود که به برخی از این زمینه‌ها اشاره می‌شود: یک - مشارکت اجتماعی زنان «... همان زن‌هایی که آن وقت که هیچ بی‌تفاوت بودند راجع به کشور خودشان، راجع به همه چیز، همین‌ها وارد شدند در میدان و دیدیم که خوب هم می‌توانند انجام وظیفه بکنند». ۱ «الان را مقایسه کنید با آن وقت ایران الان تقریبا یک مدرسه شده است و هر جای ایران که انسان نگاه می‌کند، بانوان آنجا مشغول فعالیت اسلامی، دینی و حتی فعالیت سیاسی هستند با حفظ عفافشان، با حفظ شرفشان». ۲. ۱. ۲. تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۶۳. ۲. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۴۶. دو - مشارکت سیاسی و احساس مسئولیت نسبت به سرنوشت کشور «شما امروز آزاد هستید. همه برادران و خواهران امروز آزادند و آزادانه از دولت انتقاد می‌کنند. از هر چیزی که بر خلاف مسیر ملت و اسلام باشد، انتقاد می‌کنند. مسائل اساسی را از دولت تقاضا می‌کنند. این نهضت، شما را آزاد کرد و از آن بندهایی که بر ملت بود، نجات داد. الان آزادانه در اینجا جمع هستید و آزادانه مسائل سیاسی و اجتماعی محل احتیاج ملت را مطرح می‌کنید. شما بانوان چند سال پیش از این نیستید. شما امروز خودتان در سرنوشت خودتان دخالت می‌کنید، خودتان مسائل سیاسی را طرح می‌کنید و از دولت می‌خواهید؛ این معنای آزادی است». ۱ «این حضوری که الان تمام قشرهای ملت دارند، این حضور هیچ وقت نبوده است. همه افراد ملت الان در مسائل سیاسی و مسائل اجتماعی حاضرند و خودشان را موظف می‌دانند. اگر یک مطلبی واقع بشود که برخلاف موازین باشد، این طور نیست که بی‌تفاوت باشند، مردم کار نداشته باشند، خانم‌ها هم مشغول کار دیگری باشند، خیر، این جور نیست. حالا شما خانم‌ها که خداوند تأییدتان کند و شما پاسدارها که خداوند همه‌تان را تأیید کند، با هم حاضرید در صحنه». ۲ «خواهرهای ما که اشتغال به مسائل دیگر داشتند، الان همدوش با برادرها و مقدم بر آنها، به سرنوشت ملت و به سرنوشت کشور خودشان فکر می‌کنند، طرح می‌دهند، فکر می‌کنند، انتقاد می‌کنند. این تحول، تحولی است که خدای تبارک و تعالی که مقلب القلوب است، این تحول را ایجاد کرد». ۳ «امروز است که همه قشرها در مسائل خودشان و در مسائل کشورشان و در مسائل سیاسی دولت دخالت می‌کنند. امروز است که تمام ملت، چه بانوان محترم و چه برادران، در سرنوشت خودشان دخالت می‌کنند». ۴. ۱. ۴. تبیان، دفتر هشتم، ص ۸۹. ۲. همان، ص ۱۸۲. ۳. همان، ص ۱۶۱. ۴. همان، ص ۷۰. سه - نصیحت به رهبران جامعه حضرت امام خمینی رحمه‌الله رشد سیاسی زنان را آن‌قدر مهم و چشمگیر می‌داند که آنان را شایسته نصیحت کردن به رهبران جامعه معرفی می‌کند: «درود بر شما بانوان معظم که با نصیحت‌های خودتان می‌خواهید ما را به راه راست و دارید». ۱ افزون بر این، امام حتی زنان را در حد رهبران جامعه می‌داند و خود را پیرو آنها



معرفی می‌کند: «شما رهبران نهضت هستید. بانوان، رهبر نهضت ما هستند. ما دنباله آنها هستیم. من شما را به رهبری قبول دارم و خدمت‌گزار شمایم». ۲. «زن‌ها را شما ببینید چه فریاد می‌زنند، مردها چه فریاد می‌زنند. اینها پشتوانه شما هستند. «شَكَرَ اللَّهُ سَعْيَهُمْ». اگر اینها نبودند، ما هیچ قدمی بر نمی‌داشتیم. اینها هستند که من را وادار می‌کنند به قدم برداشتن». ۳. ۱. تبیان، ص ۶۸. ۲. همان، ص ۱۶۹. ۳. همان، ص ۱۷۷. چهار - یافتن حس تعاون «... از آن طرف تحول دیگری که پیدا شد، امروز یک دسته از جوان‌ها، زن و مرد، از اروپا آمدند پیش من و آنها گفتند ما آمدیم برای اینکه در روستاها برویم و به مردم خدمت بکنیم. جوان‌هایی که سابق در مسائل دیگر فکر می‌کردند، امروز در این جور مسائل فکر می‌کنند. می‌آیند، از اروپا می‌آیند، از خارج می‌آیند، زن و مردشان می‌آید برای اینکه در روستاها بروند کمک کنند به روستایی‌ها، چنانچه از داخل، از دانشگاه، طیب، مهندس، خانم‌ها، همه می‌روند در این روستاها و کمک می‌کنند. این حس تعاون یک حسی است که، یک تحولی است که اعجاز‌آمیز است و آنچه که هست، خداوند تبارک و تعالی انجام داده است». ۱. «من دل خوشم به اینکه یک همچو تحولی در ایران، در همه قشرها شده است. الان همین قضیه جهاد سازندگی، خوب، انسان می‌بیند که از همه جا اشخاصی که تحصیل کرده‌اند خصوصا خانم‌ها، اینها همین امروز هم در مصاحبه‌ای که بود، من گوش کردم، دیدم که می‌گویند ما از اول آفتاب می‌رویم سراغ کار تا غروب. این یک مسئله‌ای است که یک تحولی است پیدا شده است؛ یعنی با اشتیاق و احساس اینکه باید برای مردم کار بکنیم، مشغولند...». ۲. ۱. همان، ص ۱۶۲. ۲. همان، ص ۱۶۳. حفظ تحول روحی، رمز بقای انقلاب نسبت تحول به وجود آمده با انقلاب، نسبتی دو سویه و متقابل است. این نسبت به قدری نزدیک و آمیخته به یکدیگر است که نمی‌توان تقدم یکی را بر دیگری مشخص کرد؛ چرا که از سویی انقلاب سبب بروز این تحول شد و از دیگر سو، انقلاب در بستر این تحول به وجود آمد و به پیش رفت. از این رو، حضرت امام رحمه‌الله حفظ این روحیه جدید و متحول شده را عامل و رمز بقای انقلاب معرفی کرده است و بازگشت از آن را سبب سستی و گه‌گاه شکست انقلاب می‌داند: «این تحول روحی و فکری که در ملت (در) همه طبقاتش پیدا شد، همه هم یک مطلب را پیدا کردند و آن جمهوری اسلامی، این، باعث پیروزی شد برای اینکه حق بود و حق پیروز است. این را باید حفظ کنید». ۱. «من امیدوارم که این تحول باقی بماند و شما بانوان و شما برادران و سایر برادران و خواهران ما جدیت کنند و این تحول روحی را حفظ کنید». ۲. ۱. همان، ص ۲۱۱. ۲. همان، ص ۱۶۰. شیوه‌های حضور زنان در انقلاب اسلامی در بررسی شیوه‌های حضور زنان در انقلاب اسلامی یا به تعبیر بهتر، نمودهای مختلف حضور زنان در انقلاب اسلامی از دیدگاه حضرت امام رحمه‌الله، به دو دسته از شیوه و یا نمود برمی‌خوریم. نخست، حضور مستقیم و دیگری، حضور غیرمستقیم که در ادامه با بیان نمونه‌هایی، به تبیین هر دو شکل می‌پردازیم: ۱. حضور مستقیم در بررسی اشکال و نمودهای حضور مستقیم زنان در انقلاب، به موارد گوناگونی در سخنان امام بر می‌خوریم، از جمله: الف) حضور زنان در تظاهرات و راهپیمایی‌های خیابانی «شما سر نیزه‌ها را گذاشتید طرف مردم، ولی مردم آمده‌اند سینه‌هایشان را سپر کرده‌اند در مقابل سر نیزه‌های شما. بچه‌ها هم آمدند، زن‌ها هم آمدند، زن‌ها این بچه‌های کوچکشان را بغل کردند آمدند در صف مردم». ۱. «ما دیدیم که عضو فعالی که کار از او می‌آید، آن که در این نهضت خدمت کرد، شماها بودید. شما بودید که با همین وضعی که الان اینجا حضور دارید، ۲ با همین وضع در خیابان‌ها ریختند و به نهضت ما کمک کردید». ۳. «در تظاهرات خیابانی ما، زنان ما بچه‌های خردسال خود را به سینه فشرده، بدون ترس از تانک و توپ و مسلسل به میدان مبارزه آمده‌اند». ۴. ۱. همان، ص ۱۷۷. ۲. اشاره به خانم‌های محجبه‌ای دارد که به ملاقات حضرت امام رحمه‌الله آمده بودند. ۳. تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۹. ۴. همان، ص ۱۷۶. ب) برپایی و حضور در جلسات سیاسی ضد رژیم «جلسات سیاسی که زنان در شهرهای مختلف ایران به پا می‌کنند، کم نیست. آنان نقش بسیار ارزنده‌ای را در مبارزات ما ایفا کرده‌اند». ۱. «هم اکنون زنان مسلمان ایران در مبارزات سیاسی و تظاهرات بر ضد شاه شرکت دارند. به من اطلاع دادند که در شهرهای ایران، زنان جلسات سیاسی دارند». ۲. ۱. همان، ص ۱۷۷. ۲. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۷۶. ج) کمک‌های مالی به نهضت از دیگر

نموده‌های حضور و همراهی زنان در انقلاب، کمک‌های مالی آنان در زمان انقلاب و پس از پیروزی بود: «زنان ایران، هم مجاهدات انسانی عظیم کرده‌اند و هم مجاهدات مالی. این طبقه محترم زن‌ها که در جنوب تهران و در شهر قم و در سایر شهرها هستند، همین خانم‌های محجبه، همین‌ها که مظهر عفاف هستند، در نهضت پیش قدم بودند و در ایثار مال هم پیش قدم. ایثار کردند جواهرات و طلاهایی که گراند؛ برای مستضعفین دادند. عمده در این امور، آن قصد پاک است.» ۱. ۱. تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۸۴.

(د) اسارت در زندان‌های رژیم و شهادت در خیابان‌ها زنان در همراهی با انقلاب چنان استوار و ثابت قدم بودند که تا پای جان در برابر حبس و شکنجه و شهادت چه در زندان‌ها چه در خیابان‌ها چه در برابر گلوله‌های مزدوران شاه ایستادند که خود، زیباترین و مهم‌ترین جلوه حضور آنان در نهضت اسلامی بود. امام رحمه‌الله با اشاره به زندانی شدن زنان می‌فرماید: «زندان‌های شاه از زنان شیردل و شجاع مملو است.» ۱. «زنان مانند مردان زندان‌های ایران را پر کرده‌اند و در اینجاست که آزادی آنها در معرض تهدید و خطر قرار گرفته است.» ۲. «آزادی زن در منطق شاه؛ یعنی پر کردن زندان‌ها از زنان ایرانی که حاضر نیستند به پستی‌های اخلاقی شاهانه تن بدهند.» ۳. و در تجلیل شهدای زن که در انقلاب اسلامی خون پاکشان بر زمین ریخت می‌فرماید: «زنان هم‌دوش مردان به پا خاستند و آزادی و استقلال خود را تقاضا کردند و شاه را محکوم نمودند و در جمعه سیاه آنچه مشهور است، ششصد نفر از زنان آزاده ما به دست عمال شاه کشته شدند.» ۴. «شما دیدید، ما دیدیم که زن در این نهضت چه کرد... و آنها که قیام کرده‌اند، همین زن‌های محجوبه جنوب شهر، قم و سایر بلاد اسلامی بودند... اینهایی (زنان) که تربیت اسلامی داشتند، خون دادند، کشته دادند، به خیابان‌ها ریختند و نهضت را پیروز کردند.» ۵. «بانوان هم در همین معنا شریکند که در وقتی که همه خطرناک بود، هم شما در خیابان‌ها رفتید، هم آن بانوان محترمه و هیچ کس هم شما را الزام نکرده بود که بیاید بریزید در خیابان و بروید پشت بام‌ها «الله اکبر» بگویید و مورد اصابت گلوله - مثلاً بعد - واقع شوید.» ۶. ۱. همان، ص ۱۷۶. ۲. همان، ص ۲۵۸. ۳. همان، ص ۲۵۹. ۴. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۷۵. ۵. تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۹. ۶. همان، ص ۱۸۱. ۲. حضور و نقش غیرمستقیم از خلال سخنان امام رحمه‌الله در مورد حضور زنان در نهضت، می‌توان به روشنی دریافت که ایشان افزون بر حضور و نقش مستقیم زنان در انقلاب، به نقشی غیرمستقیم، ولی به مراتب مهم‌تر از نقش اول اشاره دارد. نقشی که بارها به بیان‌های گوناگون بر آن تأکید ورزیده است و این نقش، همان شورآفرینی حضور زنان در انقلاب بود که سبب تحریک مردان برای حضور هر چه گسترده‌تر ایشان در صحنه‌های انقلاب می‌شد که امام با تعبیرهایی چون «زنان، تشجیع‌کننده مردان»، «الهام‌گرفتن مردان از زنان»، «تعلیم‌گرفتن مردان ایران از زنان»، «عبرت‌گرفتن مردان از زنان»، «زنان، مشوق مردان»، «بانوان، اسباب جرئت و شجاعت مردان» و... از آن حضور مؤثر و بی‌نظیر یاد می‌کرد: «بانوان عزیز ما اسباب این شدند که مردها هم جرئت و شجاعت پیدا کنند.» ۱. «ما نهضت خود را مدیون زن‌ها می‌دانیم. مردها به تبع زن‌ها در خیابان‌ها می‌ریختند. تشویق می‌کردند زن‌ها مردان را.» ۲. «بانوان در ایران بسیار حظ وافر داشتند؛ یعنی بانوان که بیرون می‌آمدند، مردم تهییج می‌شدند دو مقابل. چند مقابل می‌شد قدرت مردم در عین حالی که هیچ نداشتند الا قوه ایمان.» ۳. «باید تشکر کنیم از خانم‌ها که در این نهضت یک قدم راسخی داشتید و یک کمک بزرگی به ملت کردند و این خانم‌ها بودند وقتی که به خیابان‌ها و کوچه‌ها ریختند و فریاد زدند، تشجیع کردند مردها را و قدرت‌های آنها را چند مقابل کردند. لهذا علاوه بر اینکه خودتان قدرتمندی کردید، دیگران را هم قدرتمند کردید.» ۴. بر اساس این دیدگاه که حضرت امام رحمه‌الله زنان را مشوق حضور مردان در صحنه‌های انقلاب می‌داند، ایشان زن‌ها را مقدم بر مردها و پیش‌گامان اصلی نهضت دانسته است و در نتیجه، خود، ملت و نهضت را رهین منت زنان و مدیون آنان قلمداد می‌کند: «شما بانوان اثبات کردید که در صف جلو هستید. شما اثبات کردید که مقدم بر مردها هستید. مردها از شما الهام گرفتند. مردهای ایران از مخدرات ایران، از بانوان ایران عبرت گرفتند و تعلیم گرفتند.» ۵. «خداوند نگاه‌دار همه شما باشد. این پیروزی را ما از بانوان داریم قبل از اینکه از مردها داشته باشیم. بانوان محترم ما در صف جلو واقع بودند.» ۶. «ما رهین منت بانوان، بیشتر از جوان‌های مردشان

هستیم...» ۷. «ما نهضت خود را مدیون زن‌ها می‌دانیم. مردها به تبع زن‌ها در خیابان‌ها می‌ریختند. تشویق می‌کردند زن‌ها مردان را...» ۸. «خدمت مردها هم بسیارش مرهون خدمت زن‌هاست.» ۹. حضرت امام رحمه‌الله بدون هیچ‌گونه ظاهرسازی، به پیش‌گامی زنان در نهضت معتقد بود و این اعتقاد که از باوری محکم و استوار سرچشمه گرفته بود، تا آنجا پیش رفت که ایشان حتی در چندین مورد، زن‌ها را به عنوان رهبر نهضت مورد خطاب قرار داد و خود را دنباله‌رو آنها معرفی فرمود. این اعتقاد راسخ و این خطاب شجاعانه، افزون بر اینکه از روح بلند و متواضع امام حکایت دارد، درسی است برای افراد کوتاه فکری که با نگاه سطحی و ضعیف خود نسبت به زن، شایستگی‌ها و توان‌مندی‌های بالای آنها را باور ندارند و نیز جواب محکمی است به بوق‌های تبلیغی دشمنانی که همواره چهره‌ای مخدوش از اسلام و انقلاب را در ارتباط با زنان به نمایش می‌گذارند. همان کسانی که برای زنان ما اشک تمساح می‌ریزند و پیوسته چنین وانمود می‌کنند که در تفکر اسلامی، زن موجودی ضعیف، کم‌ارزش و درجه دو به شمار می‌آید: «بانوان قم و بانوان چهارمردان، پیشرو این نهضت اسلامی بودند. رشد سیاسی خودشان را اثبات کردند. نهضت را راهنمایی کردند. شما رهبران نهضت هستید. بانوان رهبر نهضت ما هستید. ما دنباله آنها هستیم. من شما را به رهبری قبول دارم و خدمت‌گزار شمایم.» ۱۰. «این فریادی که اینها می‌زنند، زن‌ها را شما ببینید چه فریاد می‌زنند، مردها چه فریاد می‌زنند. اینها پشتوانه شما هستند. «شکر الله سعیم.» اگر اینها نبودند، ما هیچ قدمی بر نمی‌داشتیم. اینها ایند که من را وادار می‌کنند به قدم برداشتن.» ۱۱. «شما خواهران در این نهضت سهم بسزایی داشتید و در همه جا کمک کردید و پیشوا بودید نسبت به مردها...» ۱۲. ۱. همان، ص ۱۶۸. ۲. همان، ص ۱۶۹. ۳. همان، ص ۱۷۰. ۴. همان، ص ۱۷۱. ۵. همان، ص ۱۶۷. ۶. همان، ص ۱۶۸. ۷. همان، ص ۱۷۰. ۸. همان، ص ۱۶۹. ۹. همان، ص ۱۷۲. ۱۰. همان، ص ۱۶۹. ۱۱. همان، ص ۱۷۷. ۱۲. همان، ص ۱۷۱. تحلیل نقش غیر مستقیم زنان در نهضت حضرت امام خمینی رحمه‌الله نسبت به نقش غیر مستقیم زنان در نهضت که همان نیرودهندگی و الهام‌بخشی به مردان است، توجه خاصی داشت که پیش از این، نمونه‌هایی از آن بیان شد. اکنون برای روشن‌تر شدن این پدیده، آن را تجزیه و تحلیل می‌کنیم. رهبر فرزانه انقلاب در سخنی به شرح این مسئله می‌پردازد: «اگر چنانچه یک عده از زن وارد بشوند در فرض کنید یک محلی که جنگ است، علاوه بر اینکه خودشان جنگ می‌کنند، مردها را که یک احساسی دارند نسبت به زن‌ها، حساسیت دارند نسبت به زن‌ها، مردها را قوه‌شان را چند برابر می‌کنند. این طور نیست که اینها اگر فرض کنید بروند دفاع کنند، فقط خودشان دفاع کرده‌اند، خیر، خودشان دفاع کرده‌اند و دیگران (را) هم به دفاع وارد کرده‌اند. مرد حساس است نسبت به زن. مرد اگر صد نفر مرد را ببیند که می‌کشند، ممکن است خیلی چیز نشوند، اما یک زن را ببیند که بی‌احترامی می‌کنند، حساسیت دارند ولو اجنبی باشند (و) آن زن، هیچ کار هم به او نداشته باشد. این، یک حساسیتی است که مردها دارند. بنابراین، پیش‌قدم شدن شما در همه مسائل دفاع، مسائل جهاد، مسائل کمک کردن به جبهه‌ها، مسائل وارد شدن در هر طریقه‌ای، این، اسباب این می‌شود که مردها هم بیشتر شوند، مردها هم قوی‌تر بشوند.» ۱. امام در جایی دیگر با نگاهی گذرا به این مسئله می‌فرماید: «خدمت مردها بسیارش مرهون خدمت زن‌هاست. در مردها یک حسی است که اگر ببینید زن‌ها بیرون آمده از خانه‌ها برای یک مقصدی، اگر قوه‌شان یکی باشد، ده تا می‌شود و در مملکت ما این طور شد...» ۲. استاد شهید مرتضی مطهری رحمه‌الله نیز در کتاب پیرامون جمهوری اسلامی در فصلی با عنوان «زنان و انقلاب اسلامی»، به تحلیل علمی این قضیه می‌پردازد که برای تکمیل این بحث آورده می‌شود. ایشان در اثبات نقش غیر مستقیم زنان در انقلاب می‌نویسد: «زنان در طول تاریخ تنها مولد و زاینده مردان و پرورش‌دهنده جسم آنها نبوده‌اند، بلکه الهام‌بخش و نیرودهنده و مکمل مردانگی آنها بوده‌اند. زنان از پشت صحنه و از پشت جبهه جنگ همواره به مردان، مردانگی می‌بخشیده‌اند. ما در بسیاری از اشعار حماسی عربی و فارسی می‌بینیم که دلیران و دلاوران در حماسه‌های خود، زنان را مخاطب قرار داده و از مردانگی و شجاعت و دلاوری خود داد سخن داده‌اند. گویی مرد آگاهانه و یا ناآگاهانه از همه دلیری‌ها و دلاوری‌های خود، رضایت و تحسین و جلب رضایت زن را منظور می‌داشته است... اینکه می‌گوید زن آفریننده عشق است و عشق آفریننده مرد و مرد



آفریننده تاریخ، ناظر به نقش غیرمستقیم زن در سازندگی تاریخ است. زن نقش سازندگی غیرمستقیم تاریخی خود را مدیون اخلاق ویژه جنسی خویش؛ یعنی حیا و عفاف و تقوا و دورباش زنانه خویش است. آنجا که زن دورباش حیا و عفاف خود را حفظ نکرده و خود را به استقلال کشانده، این نقش تاریخی را از دست داده است... از این رو، گویی نوعی تضاد و تعارض میان این دو نقش وجود دارد: یا نقش غیرمستقیم و از صحنه بیرون بودن و یا نقش مستقیم و پشت جبهه را رها کردن و نقش غیرمستقیم نداشتن. اما در حقیقت تضاد و تعارض غیر قابل جمعی در کار نیست. یک راه باریک و ظریف وجود دارد که زن اگر از آن راه برود، هر دو نقش را در آن واحد می‌تواند ایفا کند. آن راه باریک و ظریف همان است که بانوان ما در ده سال اخیر طی کرده‌اند. ویژگی دخالت زن در انقلاب اسلامی ایران در این است که زن مسلمان ایرانی، در عین اینکه در صحنه تاریخ ظاهر شد و مستقیم در کار سازندگی تاریخ با مرد شرکت کرد، پشت جبهه را رها نکرد، حیا و عفاف و پوشش لازم را از کف نداد، دورباش خویش و کرامت و عزت زنانه خویش را محفوظ داشت و خویشتن را مانند زن غربی و زن مدل پهلوی به ابتذال نکشاند. ۳. به یقین، نقش غیرمستقیم زنان در نهضت، تنها به روحیه گرفتن مردان از مشاهده حضور زنان در صحنه مبارزه محدود نمی‌شود، بلکه این نقش در رفتارهای دیگری از زنان نیز نمود پیدا کرده است و آثار غیرمستقیم دیگری در پیشبرد انقلاب از خود به جای گذاشته است، از جمله: ۱. همان، ص ۱۷۴. ۲. همان، ص ۱۷۲. ۳. مرتضی مطهری، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدر، ۱۳۶۴، ص ۴۵. الف) جلوگیری نکردن از حضور مردان در صحنه‌های پرخطر اگر زن‌ها مانع حضور مردان خویش در صحنه‌های پرخطر انقلاب که هر آن امکان از دست رفتن و یا مجروح شدن عزیزی از آنها بود، می‌شدند، شاید مردان کمی جرئت و روحیه مبارزه را پیدا می‌کردند. این همکاری و جلوگیری نکردن، هم در سال‌های قبل از انقلاب؛ یعنی در زمان مبارزه مخفی، در خانواده‌های مبارزان سیاسی وجود داشت و هم در زمان مبارزات علنی در ایام انقلاب، به دیگر زنان کشور سرایت کرد و کمتر شاهد ممانعت زنی از حضور عزیزش در میدان مبارزه هستیم. ب) تشویق شوهر و فرزندان به مبارزه آنهایی که آن سال‌ها را به یاد دارند، به درستی به خاطر می‌آورند که در آن دوران و همچنین در سال‌های جنگ نه تنها زنان مانع حضور مردانشان در صحنه نبودند، بلکه بیشتر آنها را به حضور در صحنه‌های مختلف انقلاب تشویق می‌کردند و خود را آماده پذیرش آسیب‌ها و پی آمدهای این حضور ساخته بودند. ج) صبر و بردباری هنگام مصیبت و بلا- شاید بزرگ‌ترین و زیباترین نمود همراهی غیرمستقیم زنان در انقلاب اسلامی، تحمل و صبر غرورآفرین آنها هنگام رویارویی با مصیبت‌ها و استقامت در برابر ناملازمات حاصل از انقلاب و جنگ بود. ملت ما نمونه‌های بسیاری را به یاد دارد که مادران و همسران شهدا هنگام روبه‌رو شدن با خبر شهادت عزیزانشان یا در زمان مشاهده پیکر غرق به خون فرزندان، شوهران و برادرانشان، چگونه با استواری نه تنها خم به ابرو نیاوردند، بلکه دیگران را نیز از گریه منع می‌کردند و خواهان تبریک و تهنیت می‌شدند. که امام بارها با بیان نمونه‌هایی از این حقایق باشکوه، همگان را به این امر یادآور شده است: «زن‌هایی که جوان‌های خودشان را دادند، افتخار بر این کردند که شهید دادیم و آن که یک پسر از او باقی مانده بود، باز می‌گفت این را هم اهدا می‌کنم». ۱. «من گمان ندارم که در غیر محیط اسلامی، یک همچو مسائلی تحقق داشته باشد که پیرزن جوان مرده اظهار بکند که من جوانان دیگری دارم که آن را هم تقدیم اسلام می‌کنم». ۲. «من از شما بانوان محترم، بازماندگان شهدای نیروی هوایی و اقربای معلولین نیروی هوایی تشکر می‌کنم که با روی گشاده و با روحیه قوی با من مواجه هستید و به مخالفین نهضت، با شجاعت و استقامت نمایش می‌دهید که شما شیرزنان مثل متعلقین شما شیرمردان، در راه اسلام و در راه کشور اسلامی برای فداکاری و مجاهدت حاضرید...». ۳. ۱. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۷۳. ۲. همان، دفتر چهارم، ص ۶۲. ۳. همان، دفتر سوم، ص ۱۵. انگیزه زنان از حضور در نهضت در بررسی انگیزه زنان از حضور در مبارزه و انقلاب، امام رحمه‌اللهبا نفی هرگونه انگیزه‌های صنفی و مادی، تنها انگیزه‌های معنوی و الهی و انسانی را در این باره بیان می‌دارد: ۱. اسلام و قرآن، نه مقام و منصب «خانم‌ها برای اینکه یک چیزی مثلاً دستشان بیاید، یک یا فرض کنید که صاحب منصب بشوند، نمی‌آیند بیرون (تا

(خودشان و بچه‌هایشان را به کشتن بدهند. این اسلام و قرآن است که خانم‌ها را آورده است بیرون و همدوش مردها، بل جلوتر از مردها وارد در صحنه سیاست کرد). ۱. همان، ص ۱۷۳. ۲. عدل الهی و جمهوری اسلامی «این همه زحمت که کشیدید شماها، خداوند همه‌تان را حفظ کند و این همه زن و مرد کشور و خصوصاً این خانم‌ها که در صف اول در این نهضت و آنقدر زحمت کشیدند برای اینکه اسلام تحقق پیدا کند. همه نظرشان این بود که یک جمهوری اسلامی، یک عدل الهی پیدا بشود». ۱. همان، ص ۱۷۶. ۳. زنده کردن اسلام «شما زحمت کشیدید. زن و مرد زحمت کشید. به خیابان‌ها ریخت، جورها کشید، خون‌ها داد که اسلام را زنده کند. برای اسلام خون داد. برای شهادت داوطلب شد. آن که می‌خواست ملت ما، آن که به او رأی داد ملت ما، جمهوری اسلامی بود. اسلام مورد نظر بود». ۱. همان، ص ۱۸۰. ۴. قیام برای خدا «شما بانوان محترم برای خدا قیام کرده‌اید و برای خدا در این قیام پایدار هستید و آسیب نخواهید دید». ۱. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۹۲. ویژگی‌های زنان حاضر در انقلاب امام در هنگام بیان و یادآوری حضور زنان در انقلاب، معمولاً از این زنان، با ویژگی‌ها و صفات خاصی یاد می‌کند که در عین حکایت از توجه و عنایت خاص ایشان به این ویژگی‌های ارزشی، می‌تواند تأمل‌برانگیز و آموزنده نیز باشد. برخی از این ویژگی‌ها عبارت است از: ۱. حجاب زنان انقلاب «ملتی که حتی بانوان محترمش با تظاهرات محجوبانه، بیزاری خود را از رژیم شاه اعلام می‌کنند، پیروز است». ۱. «همین خانم‌های محجبه، همین‌ها که مظهر عفاف هستند، در نهضت پیش‌قدم بودند...». ۲. حجاب به ویژه چادر، که در مجموعه نمادهای اسلامی، یک نماد فرهنگی محسوب می‌شود، در زمان رژیم سابق به ویژه در ایام مبارزات، به عنوان یک نماد سیاسی منفی علیه رژیم شاه استفاده می‌شد. شاید تأکید حضرت امام رحمه‌الله بر این امر و نسبت دادن زنان انقلابی به این صفت نیز از همین امر سرچشمه گرفته باشد. چه بسا امام با پررنگ کردن مسئله حجاب زنان مسلمان در انقلاب - هرچند که حضور زنان غیرمحجبه را نیز در صحنه‌های مبارزه انکار نمی‌کرده - خواستار تفهیم این مهم باشد که تنها حضور آن دسته از زنان در عرصه‌های اجتماعی، از جمله عرصه‌های سیاسی و مبارزه، برای ایشان پذیرفته است که آراسته به زیور حجاب و آمیخته با حیا و عفت اسلامی باشد. به یقین، مسئله حضور زن مسلمان در حساس‌ترین صحنه‌های اجتماع آن هم با حجاب کامل اسلامی، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فرهنگی و سیاسی انقلاب بود. همان‌جایی که تا قبل از آن به عنوان عامل بدبختی و رکود و عقب‌افتادگی زن معرفی می‌شد و امام با انقلاب خود و کشاندن زنان مسلمان باحجاب به عرصه‌های اجتماعی، باطل بودن آن را ثابت کرد. ۱. تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۷۶. ۲. در جست‌وجوی راه از کلام امام، دفتر سوم، ص ۸۴. ۲. زنان طبقه محروم از دیگر ویژگی‌های مورد تأکید امام در معرفی زنان حاضر در انقلاب، محرومیت و مرفه نبودن آنان است. امام با آوردن تعبیرهایی چون «زنان جنوب شهر» و «زنان طبقه محروم»، از این زنان یاد می‌کند. به طور کلی، امام انقلاب را متعلق به طبقه محروم و قشر پابره‌نه می‌داند و آن را برای مردم و مسئولان نوعی ارزش می‌شمرد. بر اساس تفکر امام رحمه‌الله، ثروتمندان و به تعبیر ایشان مرفهین بی‌درد، در انقلاب یا نقشی نداشتند و یا از کمترین سهم برخوردار بودند، بلکه برعکس، بیشترین نفرت صف مخالفان و دشمنان انقلاب را همین مرفهان بی‌درد تشکیل می‌دهند. امام با تأکید بر صفت محروم بودن زنان و مردان حاضر در انقلاب، ضمن معرفی طبقات محروم به عنوان صاحبان اصلی انقلاب، در عمل با رواج تفکر رفاه‌طلبی مقابله کرد و با هرگونه ارزش‌گذاری مادی مخالف می‌کرد: «اینهایی که در خیابان‌ها ریختند و با صدای «الله اکبر» و با مشت فشردند و با ایمان، اعتنا به قدرت‌های شیطانی نکردند، همین زن‌های محترم بودند که از طبقه محروم در آن رژیم بودند. اینها بودند که توانستند این قدرت شیطانی را بشکنند و این سد را خرد کنند و اینها هستند که از این به بعد باز تکلیف دارند. یعنی همه تکلیف داریم». ۱. «... بانوان را در این نهضت پیش‌قدم می‌دانم و کرار گفته‌ام که بانوان حق بیشتری بر اسلام دارند به خصوص بانوان جنوب شهر تهران انگیزه قیام اسلامی هستند و راهنمای سایر اقشار...». ۲. «تاریخ دور است. ما خود دیدیم که چه زن‌هایی تربیت کرده است اسلام، چه زن‌هایی در این عصر اخیر قیام کردند و آنها که قیام کردند، همین زن‌های محجوبه جنوب شهر، قم و سایر بلاد اسلامی بودند». ۱. تبیان،

دفتر هشتم، ص ۱۸۰. ۲. همان، ص ۱۷۵. ۳. همان، ص ۱۷۹. ۳. زنان بچه به بغل از نکته‌های جالبی که امام رحمه‌الله همیشه در توصیف زنان انقلابی بدان اشاره می‌کرد، حضور این زنان به همراه بچه‌هایشان در تظاهرات و مبارزات سیاسی بود. حضرت امام خمینی رحمه‌الله‌ها بر فراوانی این مسئله تأکید کرده است که این، حکایت از عنایت ویژه ایشان به روحیه مادری و حفظ این روحیه در زنان، حتی در ایام مبارزات دارد. امام به عنوان رهبر انقلاب، هیچ‌گاه حاضر نبود که ارزشی فدای ارزش دیگر شود. از این رو، نمی‌خواست که ارزش انقلابی بودن و حضور در صحنه، ارزش مادری زنان را فدا کند یا تحت الشعاع قرار دهد. مسئله‌ای انحرافی که گریبان‌گیر بسیاری از جریان‌های سیاسی و انقلابی معاصر است، این است که یا زنان به دلیل سمت مادری، کمتر در صحنه‌های سیاسی و انقلابی وارد می‌شوند یا زنانی که در این عرصه‌ها وارد می‌شوند، مسئولیت مادری را کنار می‌گذارند و با آن وداع می‌کنند. پدیده‌ای که در سال‌های اخیر در سازمان مجاهدین خلق به شکلی افراطی و زننده به چشم می‌خورد. سرکردگان این گروهک به بهانه فعالیت هرچه بیشتر زنان در سازمان، نه تنها تشکیل و تداوم زندگی خانوادگی را امری ضد ارزشی معرفی کردند، بلکه با اجرای پروژه‌ای با عنوان «طلاق ایدئولوژیک و انقلابی»، برای نابودی خانواده و تعطیل عواطف انسانی و مادری، گام‌های عملی ویرانگری برداشته‌اند. این پدیده‌ای است که نمود دیگر آن را در غرب و کشورهای غربی شاهد هستیم؛ یعنی همان که در آنجا به بهانه کشاندن زنان به اجتماع، تیر خلاص را به بنیان خانواده و عواطف مادری زده‌اند. حضرت امام رحمه‌الله‌ها وجود تأکید بر حضور زنان در انقلاب و عرصه‌های اجتماع، نه تنها هیچ‌گاه مسئولیت مادری آنها را از یاد نبرد، بلکه همواره می‌کوشید این مهم به فراموشی سپرده نشود. از این رو، می‌بینیم که ایشان با لطافت و عنایتی خاص به بعد مادری زنان حاضر در صحنه‌های انقلاب اشاره می‌کند و با تعبیرهای زیبایی همچون «مادران بچه به بغل»، به توصیف این ویژگی و ارزش والا می‌پردازد: «زن‌ها هم بچه‌هایشان را بغل می‌کردند می‌آمدند بیرون». ۱. «شما در چه تاریخی چنین دیده‌اید؟ امروز زن‌های شیردل طفل خود را (به) آغوش کشیده و به میدان مسلسل و تانک دژخیمان رژیم می‌روند، در کدام تاریخ چنین مردانگی و فداکاری از زنان ثبت شده است». ۲. «زن‌ها هم بچه‌های کوچکشان را به آغوش و اگر دو تا بود، یکی‌اش هم دستش را می‌گرفتند و وارد می‌شدند و تظاهرات و در مقابل این توپ و تانک و امثال اینها». ۳. ۱. همان، ص ۱۸۰. ۲. همان، ص ۱۷۶. ۳. همان، ص ۱۸۲. نقش بانوان در دفاع مقدس گرچه در بحث‌های گذشته به بخشی از فعالیت زنان مسلمان در دفاع مقدس اشاره شده است ولی به جهت اهمیت این موضوع، در اینجا به‌طور مستقل بررسی می‌کنیم. به یقین، جنگ تحمیلی یکی از مهم‌ترین رویدادها پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌آید. زمان نسبتاً طولانی و ابعاد گسترده دفاع هشت ساله ملت در برابر تجاوز بعثیان، زمینه‌ساز درگیر شدن تمام ملت و کشور با مسئله جنگ شد و شرایط مساعدی برای محک خوردن اقشار مختلف مردم در رویارویی با مسائل اجتماعی را فراهم آورد. با توجه به این ویژگی و همچنین سخنان فراوان حضرت امام رحمه‌الله در مورد این واقعه مهم پس از انقلاب، بررسی دیدگاه ایشان درباره نقش زنان در جنگ تحمیلی، یکی از راه‌های مناسب و اطمینان‌بخش برای تبیین نگرش امام رحمه‌الله نسبت به زنان و موقعیت اجتماعی به شمار می‌آید. واقعیت این است که زنان قهرمان ایران در طول این هشت سال، در هر زمینه از فعالیت‌های مورد نیاز جبهه حضور چشم‌گیر و دلاورانه‌ای داشتند و افزون بر نقش بسزایی که در امور پشت جبهه ایفا کردند، برای آنکه بتوانند در مواقع ضروری به حمایت از اسلام بپردازند، آموزش‌های نظامی را نیز آموختند. حضرت امام رحمه‌الله بر آن نکته صحه گذاشته است و آن را سبب مباهات و افتخار ملت معرفی می‌کند: «ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی، حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند و آنان که توان جنگ دارند، در آموزش نظامی که برای دفاع از اسلام و کشور اسلامی از واجبات مهم است، شرکت و از محرومیت‌هایی که توطئه دشمنان و ناآشنایی دوستان از احکام اسلام و قرآن بر آنهاست که بر اسلام و مسلمانان تحمیل نمودند، شجاعانه و متعهدانه خود را رهنده و از قید خرافاتی که دشمنان برای منافع خود به وجود آورده بودند، خارج نموده‌اند و آنان که توان جنگ ندارند،

در خدمت پشت جبهه به نحو ارزشمندی که دل ملت را از شوق و شعف به لرزه درمی آورد و دل دشمنان و جاهلان بدتر از دشمنان را از خشم و غضب می لرزاند، اشتغال دارند و ما مکرر دیدیم که زنان بزرگواری زینب گونه فریاد می زنند که فرزندان خود را از دست داده و در راه خدای تعالی و اسلام عزیز از همه چیز خود گذشته و مفتخرند به این امر. می دانند آنچه به دست آورده اند، بالاتر از جنّات نعیم است چه رسد به متاع ناچیز دنیا». ۱. در این میان، روحیه شهادت طلبی، صبر بر مصیبت عزیزان و تشویق فرزندان، همسران و برادران به حضور در جبهه، بیشترین تأثیر را در روحیه رزمندگان می گذاشت. همین مسائل سبب شد صحنه‌هایی بی همتا و استثنایی از یک ملت در حال دفاع به تصویر کشیده شود و آنان را جاودانه سازد. حضرت امام رحمه‌اللهدر یکی از سخنرانی‌های خود می فرماید: «یک مجلس عقدی که ما چند وقت پیش در تهران داشتیم، آن زن و مردی که با هم ازدواج کردند، بعد آن زن یک کاغذی به من داد، خواندم. دیدم نوشته است دعا کنید من شهید بشوم. زنی که تازه عروسی و شوهر کرده است، حاضر شده است تا شهید بشود. یک ملتی که شهادت را می طلبند و دعا می خوانند برای شهادت، آیا اینها از دخالت نظامی می ترسند؟ اینها از حصر اقتصادی می ترسند؟» ۲. «و در کجا در لابلای تاریخ همچون مادران و پدران و همسران و خواهران و برادران و سایر بستگان اینان را سراغ دارید که پس از چند قربانی، باز برای قربانی دیگر فرزندان خود پیش قدم می شوند». ۳. «ما خاکیان، ناتوان از عهده تعظیم و تقدیر مادران بزرگواری که در دامن خود این جوانان متعهد را پرورانده‌اند و پدران سلحشوری که در پناه خویش آنان را به جوانی رسانده‌اند و همسران غمخواری که در کنار آنها به سر برده‌اند و اکنون با روی گشاده به میدان نبرد و دفاع از حق می فرستند، می باشیم». ۴. افزون بر اینها، زنان نقش بسیار مؤثری در تدارک و تجهیز جبهه‌ها و رزمندگان داشتند: «من وقتی که در تلویزیون می بینم که یک گروه‌هایی، زن‌های یک بلدی نشستند و برای این جوان‌هایی که در جبهه مشغول هستند، با کمال جدیت دارند بسته‌بندی می کنند، دارند نان می پزند، دارند بسته‌ها را درست می کنند، من خجالت می کشم که ما چه هستیم و اینها چه هستند. شما در تاریخ نگاه کنید، از صدر تاریخ تا آخر، اگر پیدا کردید یک جایی را که زن‌ها و زن‌های جوانی که حالا باید فرض کنید که بروند سراغ جوانی‌شان و پیرمردش، پیرزنش این طور کوشش می کند در اینکه پشتیبانی از ارتش بکند، پشتیبانی از پاسدارهایش بکند، شما کجا سراغ دارید؟ بگویید ما هم بفهمیم». ۵. «الان شما می بینید سرتاسر مملکت ما در حال جنگ‌اند. دخترها توی خانه‌هایشان هم در حال جنگ‌اند. برای جنگی‌ها دارند کار می کنند». ۶. «شما بانوان در پشت جبهه آن فعالیت را می کنید که آن سلحشوران در جبهه‌ها و همان طوری که آنها مشغول هستند، شما مشغول فعالیت هستید». ۷. کمک‌های مالی زنان نیز از جمله مواردی بود که همواره امام نسبت آن توجه داشت. ایشان مراتب قدردانی خود را از کوشش‌های مالی زنان همیشه اعلام می کرد و سهم این کمک‌ها را در تجهیز جبهه‌ها و تقویت روحیه رزمندگان بسیار مؤثر می دانست: «زنان در عصر ما ثابت کردند که در مجاهده، همدوش مردان، بلکه مقدم بر آنانند. زنان ایران، هم مجاهدات انسانی عظیم کردند و هم مجاهدات مالی». ۸. «مبلغ بسیار ارزنده از خانم‌های معظم عراقی که خداوند به آنها هرچه بیشتر توفیق خدمت به اسلام و رزمندگان عزیزی که برای رفع شر قدرت‌ها و وابستگان پست آنها جان‌فشانی می کنند، واصل شد. از خداوند تعالی سلامت و سعادت همه را خواهانم». ۹. به عنوان حسن ختام، فرازهای دیگری از سخنان حضرت امام رحمه‌الله را بیان می داریم که نشان‌دهنده صبر و استقامت زنان مسلمان در سختی‌های دوران جنگ و همچنین نقش اساسی ایشان در تداوم حرکت انقلاب اسلامی است: «زنان و مردان و کودکان نمونه‌ای که در زیر بمباران‌ها و از بستر بیمارستان‌ها سرود شهادت سر می دهند و با دست و پای قطع شده، بازگشت به جبهه‌های انسان‌ساز را آرزو می کنند، فوق آنچه ما تصور می کنیم و فلاسفه و عرفا به رشته تحریر درمی آورند و هنرمندان و نقاشان عرضه می کنند، می باشند». ۱۰. «من از شما بانوان محترم، بازماندگان شهدای نیروی هوایی و اقربای معلولین هوایی تشکر می کنم که با روی گشاده و با روحیه قوی با این مواجه هستید و به مخالفین نهضت با شجاعت و استقامت نمایش می دهید که شما بیشتر زنان مثل متعلقین شما شیرمردان، در راه اسلام و در راه کشور اسلامی برای فداکاری و مجاهدت حاضرید... من از شما بانوان محترم و

بازماندگان شهدا، بازماندگان شهدای نیروی هوایی و همه بازماندگان شهدا در هر کجا هستند، تشکر می‌کنم که چنین روحیه قوی‌ای دارید که باز در مقابل همه توطئه‌ها ایستاده‌اید و سخن می‌گویید و مقاله می‌خوانید (و مردم را دعوت به حیات می‌کنید). ۱۱ «خداوندا! اگر هیچ کس نداند، تو خود می‌دانی که ما برای برپایی پرچم دین تو قیام کرده‌ایم و برای برپایی عدل و داد در پیروی از رسول تو، در مقابل شرق و غرب ایستاده‌ایم و در پیمودن این راه، لحظه‌ای درنگ نمی‌کنیم. خداوندا! تو می‌دانی که فرزندان این سرزمین در کنار پدران و مادران خود برای عزت دین تو به شهادت می‌رسند و با لبی خندان و دلی پر از شوق و امید به جوار رحمت بی‌انتهای تو بال و پر می‌کشند». ۱۲ «و مبارک باد بر خانواده‌های عزیز شهدا، مفقودین و اسرا و جانبازان و بر ملت ایران که با استقامت و پایداری و پایداری خویش به بنیانی مرصوص مبدل گشته‌اند که نه تهدید ابرقدرت‌ها آنان را به هراس می‌افکند و نه از محاصره‌ها و کمبودها به فغان می‌آیند و نه از خیانت و وحشی‌گری صدام دیوانه و افسار گسیخته رو به زوال، در زدن شهرها و ویران کردن خانه‌ها و مساجد و بیمارستان‌ها و مدارس خم به ابرو می‌آورند و چون گذشته به راه خود که همان راه اسلام عزیز و عزت و شرف و انسانیت است، ادامه می‌دهند و زندگی باعزت را در خیمه مقاومت (و صبر بر حضور در کاخ‌های ذلت و نوکری ابرقدرت‌ها و سازش و صلح تحمیلی ترجیح می‌دهند و من افتخار می‌کنم که در میان شما و در کنار شما هستم و در غم و مصیبت‌های شما که مصیبت اسلام و مسلمین است، شریک می‌باشم». ۱۳. ۱. همان، ج ۲۱، ص ۱۷۲. ۲. همان، ج ۱۲، ص ۱۳۸. ۳. همان، ج ۱۸، ص ۲۳۰. ۴. همان، ج ۱۸، ص ۱۲۳. ۵. همان، ج ۱۳، ص ۱۳۴. ۶. همان، ج ۱۳، ص ۱۴۵. ۷. همان، ج ۱۷، ص ۲۱۰. ۸. همان، ج ۶، ص ۱۳۷. ۹. همان، ج ۲۰، ص ۱۶۶. ۱۰. همان، ج ۱۸، ص ۱۱۹. ۱۱. همان، ج ۱۳، ص ۲۳۹. ۱۲. همان، ج ۲۰، ص ۱۳۳. ۱۳. همان، ج ۲۰، ص ۵۹ و ۶۰.

## فصل دوم: جایگاه اجتماعی زن

ارزیابی دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه‌الله درباره زنان و تحول بنیادی و گسترده‌ای که در این زمینه به وجود آورد، مسئله بسیار مهمی است که با وجود کارهای انجام گرفته، باز هم نیازمند کار بیشتر و عمیق‌تر است. در واقع، حضرت امام رحمه‌الله با بهره گرفتن از سرچشمه زلال معارف اسلامی و تفقه و تأمل ژرف در منابع اصیل اسلامی، هویت واقعی زن را آشکار ساخت و زمینه آزادی و رهایی او را در عصر حاضر فراهم آورد. باید توجه داشت که حضرت امام رحمه‌الله در روزگاری به یاری و حمایت از زن برخاست که زنان یا در اسارت جاهلیت قدیم و در قید و بند تحجر و خرافات گرفتار بودند یا در اسارت جاهلیت جدید که غرب برای آنها ساخته و پرداخته کرده بود، دست و پا می‌زدند. به جرئت می‌توان ادعا کرد که پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه اطهار علیه‌السلام، تاکنون در اندیشه و کلام هیچ یک از مصلحان اجتماعی یا رهبران سیاسی و مذهبی بر شخصیت زن این مقدار که در اندیشه و کلام امام رحمه‌الله مورد تکریم و احترام واقع شده، تأکید نشده است. اگر اسلام راستین در پی ظهور خود، به اکرام و ارزش نهادن به منزلت و شخصیت زن در جاهلیت قدیم پرداخت، در عصر حاضر نیز امام رحمه‌الله به عنوان احیاگر دین، با اقتدا به اندیشه مترقی اسلام، بار دیگر در جاهلیت جدید، ارزش‌های والای زن را زنده و جایگاه واقعی او را تبیین کرد. امام خمینی رحمه‌الله زن را صاحب توانایی‌ها و ویژگی‌های مثبت فراوانی می‌داند که اگر به خوبی شناسایی و به کار گرفته شود، تأثیر بسزایی در تحولات اجتماعی از خود بر جای خواهد گذاشت. تلاش امام رحمه‌الله در تمام دوران مبارزه، انقلاب، جنگ و سازندگی بر این اساس استوار بود که زنان را با توانایی‌ها و شایستگی‌های خدادادی‌شان آشنا سازد تا با برگرداندن نگاه‌ها به توانایی‌های زن، از یک سو اعتماد به نفس لازم را در جامعه زنان زنده کند. از دیگر سو، با اصلاح برداشت جامعه از زن و استعدادهای او، جایگاه لازم را برای حضور سازنده بانوان در صحنه‌های مختلف اجتماعی فراهم آورد. پیشینه تاریخی وضعیت زنان امام رحمه‌الله در توصیف و تحلیل وضعیت زن امروز، تصویری نقادانه از زن در جهان امروز و پیش از انقلاب اسلامی و نیز تصویری از زن در



نهضت اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ارائه داد. در واقع، امام رحمه‌الله برای تبیین جایگاه و ممتاز زن از دیدگاه اسلام و آنچه انقلاب اسلامی در عصر حاضر برای زن به ارمغان آورده است، به طور مشخص و مؤکد، بر شناخت پیشینه تاریخی وضعیت زنان اصرار می‌ورزید. ایشان با بیان وضعیت سیاسی زنان پیش از انقلاب اسلامی می‌فرماید: «مع‌الاسف زن در دو مرحله مظلوم بوده است: یکی در جاهلیت مظلوم بود و اسلام منت گذاشت بر انسان و زن را از آن مظلومیتی که در جاهلیت داشت، بیرون کشید و مرحله جاهلیت، مرحله‌ای بود که زن را مثل حیوانات، بلکه پایین‌تر از او (می‌دانستند). اسلام زن را از آن لجنزار جاهلیت بیرون کشید. در یک موقع دیگر در ایران زن مظلوم شد و آن دوره شاه سابق و شاه لاحق بود. به اسم اینکه زن را می‌خواهند آزاد کنند، ظلم‌ها کردند به زن. زن را از مقام شرافت و عزت که داشت، پایین کشیدند. ۱. پنجاه سال جنایت آن هم با فریاد عدالت اجتماعی، پنجاه سال اختناق آن هم با فریاد آزادی زنان و آزادی مردان». ۲. امام رحمه‌الله با تأکید بر بعد فرهنگی حضور زن در جامعه، در تحلیل وضعیت زنان در جهان امروز و پیش از انقلاب، به مظلومیتی که از این ناحیه بر زنان وارد آمده بود، اشاره می‌کند. ایشان دلیل این امر را دوری زنان از فرهنگ ناب اسلامی به دلیل حضور غالب فرهنگ غربی و نیز برنامه‌ها و اقدامات رژیم شاه می‌داند و می‌فرماید: «زن را از آن مقام شرافت و عزت که داشت، پایین کشیدند. زن را از آن مقام معنویت که داشت، تهی کردند. زن‌ها و جوانان ما را فاسدالاخلاق کردند. شاه برای زن این خاصیت را قائل بود که می‌گفت زن باید فریبا باشد. البته با آن نظر حیوانی که او داشت، با آن نظر جسمانی، مادی، حیوانی پست که او داشت زن را نظر می‌کرد، باید فریبا باشد! از مقام انسانیت زن را فرو کشید به مرتبه یک حیوان. به اسم اینکه برای زن می‌خواهد مقام درست کند، زن را از مقام خودش پایین‌تر آورد. زن را مثل یک عروسک درست کرد». ۳. انحطاط فرهنگی زنان در رژیم سابق، از دید امام رحمه‌الله تا جایی بود که ایشان آن را با مظلومیت زن در عصر جاهلیت مقایسه کرده است، بلکه جاهلیت جدید را بدتر و دردناک‌تر از آن می‌دانست: «زن در زمان محمدرضا و رضا پهلوی عنصر مظلومی بود و خودش نمی‌داند. آنقدر که ظلم در این دو زمان شد، در زمان جاهلیت معلوم نیست شده باشد. آنقدر که انحطاط برای زن‌ها در این قرن شد، معلوم نیست که در قرن جاهلیت شده باشد». ۴. همان‌گونه که از فرازهای بیان شده و نیز دیگر سخنان حضرت امام خمینی رحمه‌الله برمی‌آید، ایشان وضعیت زنان در جهان امروز و پیش از انقلاب اسلامی را بسیار دردناک و مظلومانه یافته بود و تنها راه نجات زن از این منجلاب را روی آوردن به اسلام و احیای دوباره فرهنگ ناب اسلامی می‌دانست. از این رو، پس از اشاره به وضعیت زن در قرن جاهلیت و عصر جدید، می‌فرماید: «در هر دو قرن (قرن جاهلیت و قرن حاضر)، مظلوم بوده‌اند زن‌ها. آن وقت اسلام آنها را از اسارت بیرون آورد و در این زمان هم امیدوارم که اسلام باز دست آنها را بگیرد و از غرقاب ذلت‌ها و مظلومیت‌ها نجات بدهد». سپس بانوان را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید: «ای زن‌های محترم! بیدار شوید، توجه کنید، بازی نخورید... به اسلام پناه بیاورید. اسلام برای شما سعادت ایجاد می‌کند». ۵. ۱. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۸۵. ۲. همان، ج ۵، ص ۹۰. ۳. همان، ج ۶، ص ۱۸۶. ۴. همان. ۵. همان. توجه ویژه اسلام به زن حضرت امام خمینی رحمه‌الله با درک عمیق این نکته که بخش بزرگی از مظلومیت زن و دور ماندن او از هویت انسانی خویش ناشی از پنهان ماندن حقیقت آموزه‌های دین درباره زنان است، بخش بسیاری از سخنان خود را به تبیین شخصیت و موقعیت زن از نظر اسلام اختصاص می‌دهد. اهمیت روشنگری حضرت امام رحمه‌الله در این باره، زمانی روشن می‌شود که در نظر داشته باشیم افزون بر تبلیغات منفی رژیم سابق در مورد اسلام و دیدگاه آن نسبت به زنان، بخش قابل توجهی از جامعه دین‌داران، به خاطر برداشت‌های نادرست و متأثر از باورهای غلط فرهنگی، موقعیتی ضعیف و فرودست را برای زنان در نظر می‌گرفتند. در هر حال، حضرت امام رحمه‌الله بار دیگر منادی نجات و رهایی زن از ستم‌هایی شد که به ناحق بر او روا می‌داشتند و ایشان به حق توانست کرامت و شخصیت از دست رفته زن را به وی بازگرداند و بدین ترتیب، نگرش عمیق و انسانی اسلام نسبت به زن را به چشم و گوش جهانیان برساند. در این بخش، فرازهایی از سخنان ایشان را در این باره از نظر می‌گذرانیم. «اسلام نظر خاص به شما بانوان دارد. اسلام در وقتی که ظهور کرد در جزیره العرب، بانوان

حیثیت خودشان را پیش مردان از دست داده بودند. اسلام آنها را سربلند و سرافراز کرد. اسلام آنها را با مردان مساوی کرد. عنایتی که اسلام به بانوان دارد، بیشتر از عنایتی است که بر مردان دارد... مقام زن مقام والا است. عالی‌رتبه هستند. بانوان در اسلام بلند پایه هستند. ۱. به سبب نحوه نگرش ایشان نسبت به مقام زن است که دستور آزادی زنان به اسارت درآمده در لانه جاسوسی را صادر می‌کند و در پاسخ خبرنگاری که از ایشان پرسید در قبال آزادی زنان و سیاه‌پوستان، چه انتظاری از دولت امریکا دارید، می‌فرمود: «ما آزادی زن‌ها را ... برای این قائل شدیم که زن‌ها در اسلام یک احترام ویژه دارند». ۲. بدین ترتیب، امام رحمه‌الله نشان می‌دهد که زن از دیدگاه اسلام در تمام شئون انسانی با مرد برابر و حتی از عزت و احترام ویژه‌ای برخوردار است تا جایی که زن را مظهر تحقق آمال بشر معرفی می‌کند: «زن انسان است، آن هم یک انسان بزرگ. زن مربی جامعه است. از دامن زن انسان‌ها پیدا می‌شوند. مرحله اول مرد و زن صحیح، از دامن زن است. مربی انسان‌ها زن است. سعادت و شقاوت کشورها بسته به وجود زن است...» ۳. «زن مظهر تحقق آمال بشر است... از دامن زن، مرد به معراج می‌رود». ۴. آن رهبر فرزانه رحمه‌الله برای شخصیت زن جایگاه ویژه‌ای قائل می‌شد و نمونه انسان کامل را در وجود مبارک حضرت زهرا علیهاالسلام می‌دید: «تمام ابعادی که برای زن متصور است و برای یک انسان متصور است، در فاطمه زهرا علیهاالسلام جلوه کرده و بوده است. یک زن معمولی نبوده است. یک زن روحانی، یک زن ملکوتی، یک انسان به تمام معنا انسان، تمام نسخه انانیت، تمام حقیقت زن... او موجود ملکوتی است که در عالم به صورت انسان ظاهر شده است، بلکه موجود الهی جبروتی در صورت یک زن ظاهر شده است. زنی که تمام خاصه‌های انبیا در اوست. زنی که اگر مرد بود، نبی بود. زنی که اگر مرد بود، به جای رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود». ۵. حضرت امام رحمه‌الله شخصیت فردی زن را به عنوان موجودی ثانوی قلمداد نمی‌کند و در مقایسه با مرد هیچ‌گاه شأنی پایین‌تر برای او قائل نمی‌شود. ایشان معتقد بود شخصیت زن اگر بالاتر از مرد نباشد، دست کم برابر است و مردان هیچ برتری و منزلتی بر زنان ندارند. اگر هم تفاوتی در احکام وجود دارد، به دلیل نقش متفاوتی است که در نظام خلقت بر عهده هر یک گذاشته شده است و این تفاوت، دلیل برتری یکی بر دیگری نیست: «تاریخ اسلام گواه احترامات بی‌حد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به این مولود شریف (حضرت زهرا علیهاالسلام) است تا نشان دهد که زن، بزرگی ویژه‌ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست». ۶. «یک احکام خاص به مرد است که مناسب با مرد است، یک احکام خاص به زن است، مناسب با زن است. این، نه این است که اسلام نسبت به زن و مرد فرقی گذاشته است. زن و مرد همه آزادند در اینکه دانشگاه بروند، آزادند در اینکه - عرض می‌کنم - رأی بدهند، رأی بگیرند. اینکه مخالفند، این است که این طوری که اینها زن را می‌خواهند بار بیاورند که یک ملعبه‌ای در دست مردها باشد و به قول شاه، «زن خوب است فریبا باشد!» ما می‌خواهیم این کلام را بگیریم. این غلط را بگیریم. ما می‌خواهیم زن آدم باشد، مثل سایر آدم‌ها. انسان باشد مثل سایر انسان‌ها. آزاد باشد مثل سایر آزاده‌ها». ۷. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، امام رحمه‌الله با وجود اینکه زن را در شئون انسانی و حقوق اجتماعی با مرد برابر می‌داند، ولی تفاوت‌های جنسی او با مرد را نیز تأیید می‌کند و تفاوت احکام و دستورهای اسلام درباره زن و مرد - در برخی موارد - را به سبب ویژگی‌های آنها و متناسب با شرایط هر کدام می‌داند. ۱. همان، ج ۱۱، ص ۲۵۳. ۲. همان، ج ۱۰، ص ۲۰۶. ۳. همان، ج ۶، ص ۱۸۶. ۴. همان، ص ۱۹۴. ۵. همان، ص ۱۸۵. ۶. همان، ج ۱۴، ص ۲۰۱. ۷. همان، ج ۴، ص ۶۰. نقش اجتماعی زن از نظر اسلام نوع نگرشی که حضرت امام رحمه‌الله بر اساس دست‌مایه خویش از فرهنگ اسلام ناب به زن و جایگاه انسانی او دارد، سبب می‌شود زن را در منزلت اجتماعی و مشارکت و حضور در صحنه جامعه، هم‌پا و هم‌رتبه مرد معرفی کند و در تمام ابعاد فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، خواستار نقش‌آفرینی شایسته و درخور بانوان محترم باشد: «این حرف‌ها و این شعرها و این چیزهایی که در خارج درست کردند، اینها خوف این است که یک وقت خدای نخواستہ بعضی جوان‌های ما هم به اشتباه بیفتند که مبدا یک همچین چیزی بشود. مبدا یک وقتی اسلام بیاید، در خانه را روی زن‌ها ببندد، قفلش کند که دیگر بیرون نیایند از خانه. زن‌ها در صدر اسلام توی میدان‌ها می‌رفتند. در همین جنگ‌های اسلامی

توی میدان‌ها می‌رفتند برای پرستاری (این چیزها)، اینهایی که کشته می‌شدند آنجا. زن‌ها در محفظه بمانند! چه کسی چنین چیزی به شما گفته است که باید این طور باشد؟ آنها آزادند مثل مردها...» ۱. «در خصوص زنان، اسلام هیچ‌گاه مخالف آزادی آنها نبوده است، بلکه به عکس اسلام با مفهوم زن شیئی شده و به عنوان شیء مخالفت کرده است و شرافت و حیثیت وی را به وی باز داده است. زن مساوی مرد است. زن مانند مرد آزاد است که سرنوشت و فعالیت‌های خود را انتخاب کند، اما رژیم شاه است که با غرق کردن آنها در امور خلاف اخلاق می‌کوشد تا مانع آن شود که زنان آزاد باشند و اسلام شدیداً معترض به این امر است.» ۲. حضرت امام رحمه‌الله در موارد بسیاری به اهمیت و ضرورت مشارکت زنان در صحنه‌های گوناگون اجتماع نیز اشاره داشته است، ولی از آنجا که بخش بسیاری از تبلیغات منفی دشمنان بر ضد انقلاب اسلامی بر روی همین مسئله متمرکز بوده است، در اینجا به چند مورد از سخنانی که امام رحمه‌الله در پاسخ به پرسش خبرنگاران خارجی ایراد فرموده است، بسنده می‌کنیم: پرسش: تشیع در نظر کشورهای غربی به عنوان عنصری محافظه‌کار در پیشرفت قلمداد شده است. همچنین ما خواست‌های شیعیان را مبنی بر کناره‌گیری زنان از صحنه زندگی اجتماعی و نیز بازگشت به قوانین شیعی که می‌خواهد سنت مذهبی، مبنای قوانین حکومتی قرار بگیرد، همان‌طوری که در قانون اساسی که به طور غیرقانونی به صورت از بین رفته درآمده نیز ذکر شده است، شنیده‌ایم. ما همچنین شنیده‌ایم که تشیع، سبک زندگی غربی را برای اینکه با سنت‌های مذهبی توافق ندارد، رد می‌کند. آیا ممکن است شما نظر خود را درباره این مسئله بر اساس مذهب تشیع بیان کنید؟ پاسخ: تشیع که مکتبی است انقلابی و ادامه اسلام راستین پیامبر است، همچون خود شیعیان همیشه مورد حملات ناجوان‌مردانه مستبدین و استعمارگران بوده است. تشیع نه تنها زنان را از صحنه زندگی اجتماعی طرد نمی‌کند، بلکه آنان را در جامعه در جایگاه رفیع انسانی خود قرار می‌دهد. ما پیشرفت‌های دنیای غرب را می‌پذیریم، ولی فساد غرب را که خود آنها از آن ناله می‌کنند، نه! ۳. پرسش: در مورد مسائل اجتماعی، حضرت آیت‌الله حضور زنان را در دانشگاه و یا کار کردن آنان را در جامعه چگونه می‌بینید؟ و آیا برای آنها محدودیت‌هایی قائل می‌شوند که الان در جامعه کنونی وجود ندارد؟ نظر حضرت عالی در مورد کنترل موالید و یا تحصیل زنان و مردان در دانشگاه به صورت مخلوط چیست؟ پاسخ: زنان جامعه اسلامی آزادند و از رفتن به دانشگاه و ادارات و مجلسین به هیچ وجه جلوگیری نمی‌شود. از آن چیزی که جلوگیری می‌شود، فساد اخلاقی است که زن و مرد نسبت به آن مساوی هستند و برای هر دو حرام است. راجع به موالید، تابع آن است که حکومت چه تصمیمی بگیرد.» ۴. پرسش: موقعیت زنان در دولت آینده شما چگونه خواهد بود؟ پاسخ: موقعیت یک انسان صحیح و یک شخصیت آزاد، به خلاف این زمانی که بر ما گذشت که نه زن‌های ما آزاد بودند و نه مردهای ما. ملتی که زن و مرد آن آزاد نبود و در خفقان بود، از زیر بار بیرون آمد و از این به بعد زن‌ها و مردها آمدند، ولی اگر چنانچه بخواهند کارهای خلاف عفت بکنند یا خلاف مصلحت مملکت بکنند، البته جلوگیری خواهد شد.» ۵. پرسش: زنان، توده عظیمی از مسلمانان را تشکیل می‌دهند. چه نقشی و چه حقی شما برای زن در نظام اسلامی قائل هستید؟ پاسخ: هم اکنون زنان مسلمان ایران در مبارزات سیاسی و تظاهرات بر ضد شاه شرکت دارند. به من اطلاع داده‌اند که در شهرهای ایران، زنان جلسات سیاسی دارند. در نظام اسلامی، زن همان حقوقی را دارد که مرد دارد؛ حق تحصیل، حق کار، حق مالکیت، حق رأی دادن، حق رأی گرفتن. در تمام جهاتی که مرد حق دارد، زن هم حق دارد، لیکن هم در مواردی است که چیزهایی به دلیل پیدایش مفاسد بر او حرام است و هم در زن مواردی هست که به دلیل اینکه مفسده می‌آفریند، حرام است. اسلام خواسته است که زن و مرد حیثیت انسانی‌شان محفوظ باشد. اسلام خواسته است که زن ملعبه دست مرد نباشد. اینکه در خارج منعکس کرده‌اند که در اسلام با زن‌ها با خشونت رفتار می‌شود، امر غیر صحیحی است و تبلیغات باطلی است که از مغرضین حاصل شده و الاً مرد و زن هر دوشان در اسلام اختیارات دارند. اگر اختلافاتی هست، برای هر دو هست و آن، مربوط به طبیعت آنان است.» ۶. بر اساس آنچه تاکنون از حضرت امام رحمه‌الله بیان کردیم، جای هیچ شکلی باقی نمی‌ماند که حضرت امام رحمه‌الله بر مبنای دریافت و فهم عمیق خویش از اسلام، هویتی انسانی و جایگاهی رفیع و بلند را برای زن



ترسیم کرد. اینک دیدگاه‌های ایشان را درباره پایگاه و نقش مطلوب اجتماعی زن مسلمان در سه بخش فرهنگی، سیاسی و اقتصادی مرور می‌کنیم و در پایان، تبیین و توصیفی را که ایشان از نقش بانوان در انقلاب و جنگ تحمیلی داشته‌اند، بررسی می‌کنیم. ۱. همان، ج ۳، ص ۸۱. ۲. همان، ج ۲، ص ۴۴. ۳. همان، ج ۳، ص ۱۵۸. ۴. همان، ج ۴، ص ۳۹. ۵. همان، ج ۴، ص ۲۴. ۶. همان، ج ۴، ص ۳۳. ۱. نقش فرهنگی زن مسلمان نقش فرهنگی زن از نظر امام رحمه‌الله در دو سطح «جامعه کلان» و «خانواده» قابل بررسی است. با اشاره به این نکته که منظور از نقش فرهنگی زن؛ عبارت است از ورود او در عرصه علم و دانش و آموزش و تحصیل در رشته‌های مختلف علمی و نیز انجام وظیفه تربیت و پرورش و التزام به مقولات اخلاقی و همچنین حفظ جایگاه مادری و همسری. با توجه به این مقوله به بیان فرازهایی از سخنان حضرت امام رحمه‌الله در دو سطح می‌پردازیم. الف) نقش فرهنگی زنان در سطح جامعه یک - حضور زن مسلمان در عرصه دانش و اندیشه امام رحمه‌الله در سخنان خویش خطاب به بانوان، بر ضرورت پرداختن به امر تعلیم و تربیت در سطوح مختلف و نیز تحصیل و تعلم زنان در زمینه‌های مختلف، مانند علوم تجربی، صنعت، فرهنگ و ادب، عرفان، فلسفه، فقه، علوم قرآنی و به طور کلی تمامی حوزه‌های علوم انسانی بشری تأکید ورزیده است. در مورد بر مسئولیت زن مسلمان در زمینه کسب دانش و اندیشه در همه سطوح نیز توصیف‌ها و سفارش‌های فراوانی دارد: ۱ «شما خانم‌ها همان طور که آقایان مشغول هستند، همان طوری که مردها در جبهه علمی و فرهنگی مشغول هستند، شما هم باید مشغول باشید و من امیدوارم که خداوند به همه شما توفیق عنایت کند و در این سنگر هم پیشروی کنید». ۲ «و بحمدالله امروز آن بندهایی که به عقاید ما بسته شده بود، رها شد. امروز تمام قشرهای ملت مشغول تربیت و تعلیم هستند. الان بانوان جزو طلاب علوم دینی در قم و در جای دیگر هستند و خودشان در هر جا هستند، مشغول تربیت و تعلیم هستند و این، یک امری است که در این انقلاب تحقق پیدا کرد. آن وقت همچو محصور کرده بودند که برای بانوان هیچ حق قائل نبودند که حتی در یک مجمع ده نفری وارد بشوند و رساله علمی بگویند و مسئله عقیدتی بگویند. امروز اینها می‌توانند با همه حفظ جهات اسلام، در همه جای کشور تبلیغات بکنند، بلکه در خارج از کشور هم». ۳ «در طایفه نسوان، شما ملاحظه کنید، آن وقت چه خبر بود، حالا - چه خبر است. زن‌های ما حالا - مکتبی شده‌اند. سرتاسر کشور ما جوری هستند که همان طور که جوان‌ها در جبهه دارند خدمت می‌کنند، اینها پشت جبهه‌شان محکم است و دارند خدمت می‌کنند. علاوه بر اینکه مجالس درس دارند، مجالس قرائت دارند، مجالس تدریس دارند، حتی تدریس خارج من شنیدم بعضی از زن‌ها در جایی می‌گویند». ۴ توجهی که حضرت امام رحمه‌الله به حضور زن مسلمان در عرصه دانش و اندیشه دارد، بدین سبب است که در اندیشه ایشان، تحصیل دانش، افزون بر اینکه به مردان اختصاص ندارد، به عنوان عامل تحرک‌زا و سازنده در رشد فکری و حضور مؤثر زنان در جامعه، نقش مؤثری ایفا می‌کند. این اندیشه، آشکارا در یکی از احکامی که برای انتخاب هیئت مؤسس مؤسسه آموزش علوم اسلامی برای بانوان در قم صادر فرموده است، ثبت و ضبط شده است: «بسم الله الرحمن الرحيم. از آنجا که علوم مطلقاً، خصوصاً علوم اسلامی، اختصاص به قشری دون قشری ندارد و بانوان محترم ایران در طول انقلاب ثابت نمودند که همدوش مردان می‌توانند حتی در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی خدمات‌های ارزشمندی به اسلام و مسلمانان نمایند و در تربیت و تعلیم جامعه بزرگوار بانوان پیشتاز باشند و اکنون بحمدالله تعالی مؤسسه‌ای در شهر مقدس قم، شهر علم و جهاد، برای تعلیم و تربیت بانوان محترم در دست ساختمان است و امید است با کوشش علمای اعلام و مدرسین حوزه علمیه قم - دامت برکاتهم - این مقصد اسلامی جامه عمل پوشد و در رشد فکری و شکوفا شدن دانش اسلامی بانوان قدم مؤثری باشد... امید است با تأیید خداوند متعال و دعای حضرت بقیه‌الله - ارواحنا لمقدمه الفداء - این مؤسسه بتواند خدمت ارزنده‌ای به جامعه بانوان مسلمان و انقلابی ایران بنماید». ۵. همان، ج ۳، ص ۱۴۴ و ج ۹، ص ۴۶ و ج ۱۴، ص ۲۰۱. ۲. همان، ج ۱۹، ص ۲۸۱. ۳. همان، ج ۱۸، ص ۹۹. ۴. همان، ج ۱۹، ص ۲۰۹. ۵. همان، ص ۳۲. دو - نقش اخلاقی و معنوی زن مسلمان امام رحمه‌الله با تبیین نقش علمی و اندیشه‌ای زن مسلمان در جامعه اسلامی، همواره بر نقش اخلاقی و تهذیب نفس زن مسلمان در عرصه مناسبات

اجتماعی جامعه اسلامی تأکید داشت. امام رحمه‌الله‌اخلاق و تهذیب نفس را جزو جدایی‌ناپذیر سلوک و حیات انسان - اعم از زن و مرد - در هر دو قلمرو علم و عمل در جهت تحقق آرمان‌ها و اهداف فردی و اجتماعی اسلامی، دانست. ایشان بر آن بود که در راستای این نقش فرهنگی عظیم، زن مسلمان باید به مرتبه‌ای از آراستگی اخلاقی و روحی برسد که توان تربیت و سازندگی افراد جامعه اسلامی را داشته باشد: «من از خدای تبارک و تعالی توفیق شما بانوان و خواهران را می‌خواهم که هم در علم کوشا باشید و هم در عمل و هم در تهذیب اخلاق»<sup>۱</sup>. «و خود شما مشغول آموزش باشید و مشغول پرورش دخترها و پسرها باشید و مشغول هستید... مسئولید که این بچه‌ها را تربیت بکنید، این دختر بچه‌ها(را) تربیت، تربیت اسلامی، تربیت انسانی، روح‌های آنها را متحول کنید به یک روح انسانی و اسلامی تا برای مملکتان مفید باشد»<sup>۲</sup>. در واقع، مهم‌ترین شایستگی و ویژگی زن در نگاه امام رحمه‌الله، نقش اعجاب‌برانگیز و اعجاز‌گونه زن در شکوفا کردن استعدادهای نهفته بشری است. امام، زن را بهترین مربی روح و نفس آدمی می‌داند. اثرگذاری زن در رستگاری جوامع انسانی، مهم‌ترین ویژگی زنان شایسته‌ای است که این ویژگی را باور کرده‌اند. حضرت امام رحمه‌الله زن را در این مقام با قرآن مقایسه می‌کند: «قرآن کریم انسان‌ساز است و زن‌ها نیز انسان‌ساز. وظیفه زن‌ها انسان‌سازی است. اگر زن‌های انسان‌ساز از ملت‌ها گرفته بشود، ملت‌ها به شکست و انحطاط مبدل خواهند شد. شکست خواهند خورد. منحل خواهند شد. زن‌ها هستند که ملت‌ها را تقویت می‌کنند، شجاع می‌کنند»<sup>۳</sup>. همان، ج ۱۸، ص ۲۶۵. همان، ج ۹، ص ۱۳۸. همان، ج ۱۱، ص ۲۵۳. ب) نقش فرهنگی زن مسلمان در خانواده زن افزون بر وجهه انسانی خویش و نقش اجتماعی‌اش در سطح جامعه کلان، در سطح خانواده نیز دارای نقش و مسئولیت‌های چندی است که تربیت شایسته فرزند و پاسداری از کیان انسانی و دینی خانواده، مهم‌ترین وظیفه او به عنوان مادر و همسر است. امام رحمه‌الله در این زمینه نیز اندیشه‌های ارجمندی را به ویژه درباره نقش اساسی مادر در شکل‌دهی به ساختار شخصیت کودک و تربیت صحیح فرزندان در جهت تأمین سعادت و رشد جامعه، سخن‌ها ارائه کرده است. امام رحمه‌اللهدر سخنانش، به این نکته اشاره دارد که نقش مادری و همسری زن مسلمان با نقش اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی او در سطح جامعه منافاتی ندارد و اساساً نباید منافاتی داشته باشد. از این روست که با توجه به اهمیت کانون خانواده، شغل اول و اصیل زنان را تربیت فرزند می‌داند. تربیت درست فرزند یا انسان‌سازی، از کارکردهای اساسی خانواده است و این مهم، بیشتر از مادر ساخته است. این نقش برای زنان نقشی غریزی است و بی‌اهمیت شمردن و سرکوب کردن آن، پی‌آمدهای ناهنجار روانی و رفتاری برای کودک، مادر و جامعه به همراه دارد. به نظر حضرت امام رحمه‌الله، ایفای این نقش والای انسانی و الهی از طرف زنان، از سویی در گرو همراه ساختن تعلیم و تربیت فرزندان در ابعاد علمی و ایمانی با تهذیب نفس و اصلاح اخلاق خانواده است و از سوی دیگر، در گرو مسئولیت‌های اساسی زن مسلمان در برابر مسائل و مقتضیات اجتماعی جامعه اسلامی است. بر این اساس، ایشان زنان را قشری معرفی می‌کند که باید جامعه را بسازند. زمینه اصلی چنین تعریفی، از اعتقاد امام به وجود شایستگی‌های بسیار در زن سرچشمه می‌گیرد. قدرت شگرفی که در وجود زن به ودیعه نهاده شده است، هم خود او را در دستیابی به مقام مطلوب قادر و توانا می‌سازد و هم به دیگران این امکان را می‌بخشد که در دامن تربیت زن و نقش مادری او، به آنچه شایسته است، دست یابند. محورهای اصلی اندیشه حضرت امام رحمه‌الله در تبیین نقش فرهنگی زن مسلمان در خانواده از جنبه مسئولیت مادری و همسری عبارتند از: «دامن مادر، اولین و بهترین زمینه تربیت کودک»، «انسان‌سازی، شغل مادر، همانند شغل انبیا و انحطاط جوامع در گرو تربیت نادرست فرزندان به دست مادران»، «شرایط تربیت انسان و نقش زن از پیش از ازدواج تا آخرین مراحل زندگی»، «نقش اساسی زن مسلمان در پاسداری از کیان خانواده» و... اینک فرازهایی از سخنان حضرت امام رحمه‌الله در این زمینه را بیان می‌کنیم: «شما خانم‌ها شرف مادری دارید که در این شرف از مردها جلو هستید و مسئولیت تربیت بچه در دامن خودتان دارید. اول مدرسه‌ای که بچه دارد، دامن مادر است. مادر خوب، بچه خوب تربیت می‌کند و خدای نخواستہ اگر مادر منحرف باشد، بچه از همان دامن مادر منحرف بیرون می‌آید؛ چون بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند،

به هیچ کس ندارند و در دامن مادر که هستند، تمام چیزهایی که آرزو دارند، آرزوهایی که دارند، خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در مادر می‌بینند. حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر، در بچه‌ها اثر دارد. لامحاله یک بچه در دامن مادر که اول کلاس است، این دامن اگر دامن طاهر پاکیزه مهذب باشد، بچه از همین اول که دارد رشد می‌کند، با آن اخلاق صحیح و با آن تهذیب نفس و با آن عمل خوب رشد می‌کند. بچه وقتی در دامن مادرش هست، می‌بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، آن بچه‌ها از همان جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریق‌ها مؤثرتر است، تربیت می‌شود. ۱. «یک فرزند خوب شما اگر به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از عالم. اگر یک انسان شما تربیت کنید، برای شما به قدری شرافت دارد که من نمی‌توانم بیان کنم... دامن مادرها، دامنی است که انسان از آن باید درست بشود؛ یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر؛ برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علائق هست و هیچ علاقه‌ای بالاتر از علاقه مادری و فرزند نیست. بچه‌ها از مادر بهتر چیز اخذ می‌کنند. آن قدری که تحت تأثیر مادر هستند، تحت تأثیر پدر نیستند.» ۲. «بانوان محترم! مسئولید همه، مسئولیم همه، شما مسئول تربیت اولاد هستید. شما مسئولید که در دامن‌های خودتان اولادهای متقی بار بیاورید، به جامعه تحویل بدهید. همه مسئول هستیم که اولاد(ها) را تربیت کنیم، لکن در دامن شما بهتر تربیت می‌شوند. دامن مادر بهترین مکتبی است از برای اولاد(ها). مسئولیت دارید نسبت به فرزندان خود، مسئولیت دارید نسبت به کشور خودتان و شما می‌توانید بچه‌هایی تربیت کنید که یک کشور را آباد کنند. شما می‌توانید بچه‌هایی را تربیت کنید که حفاظت از انبیا بکنند، حفاظت از آمال انبیا بکنند. شما هم خود حافظ باید باشید و هم نگهبان درست کنید. نگهبان اولاد(های) شما هستند. آنها را تربیت کنید... مادرها بیشتر مسئول هستند و مادرها اشرف هستند. شرافت مادری از شرافت پدری بیشتر است. تأثیر مادر هم در روحیه اطفال از تأثیر پدر بیشتر است.» ۳. «شما این مسئولیت بزرگ را دارید که باید بچه‌های خودتان را که نوزاد هستند و نفوسشان زود چیز قبول می‌کند، تربیت را زود قبول می‌کند، خوب و بد را زود قبول می‌کند، شما در اول که این بچه‌ها در دامن شما بزرگ می‌شوند، مسئول افعال و اعمال آنها هم شما هستید، همان طوری که اگر یک بچه خوب تربیت کنید، ممکن است که سعادت یک ملت را همان یک بچه تأمین کند، اگر یک بچه بد هم خدای نخواست تربیت کنید، ممکن است که یک فساد در جامعه پیدا شود. گمان نکنید که یک بچه است. یک بچه گاهی وقت‌ها در جامعه وقتی که وارد شد، در رأس جامعه واقع می‌شود و محتمل است که جامعه را به فساد بکشید.» ۴. «اسلام از شما این معنا را می‌خواهد که بچه‌های خودتان را در دامن‌های خودتان مهذب کنید و دامن خودتان را مؤثر کنید به نور این بچه‌های اسلامی که اینها فرزندان اسلامند و بعد از این، مقدرات اسلام و مملکت خودتان به دست آنهاست.» ۵. «پس یک شغل، شغل تربیت اولاد است که مع‌الاسف در آن حکومت طاغوتی (که) این شغل را می‌خواستند از این مادرها بگیرند، تبلیغ کردند به اینکه زن چرا بچه‌داری کند. این شغل شریف را منحطش کردند در نظر مادرها، برای اینکه می‌خواستند که مادرها از بچه‌ها جدا بشوند. بچه‌ها را ببرند در پرورشگاه‌ها بزرگ کنند. مادرها هم علی‌حده بروند یک کارهایی که آنها دلشان می‌خواهد، بکنند.» ۶. «شما بانوان که در این نهضت شرکت داشتید و خداوند شما را حفظ کند، از این به بعد هم در این نهضت شرکت کنید و این نهضت را به پیش ببرید و مهم برای شما این است که اولاد(ها) را خوب تربیت کنید. بانوان را آن‌طور که اینها می‌خواستند باشند که بچه‌هایشان از آن جدا باشد، بانوان را بکشند به ادارات نه برای اینکه اداره درست بشود، برای اینکه ادارات را فاسد بکنند، یکی اینکه بچه‌ها را از دامن مادر جدا بکنند و بچه‌ها از اول که در دامن مادر نباشند، عقده پیدا می‌کنند و اکثر مفاسد از این عقده‌هایی است که بچه‌ها پیدا می‌کنند. شما بچه‌های خودتان را خوب حفظ کنید، بچه‌های خودتان را خوب تربیت کنید. این بچه‌ها هستند که کشوری را نجات می‌دهند. در دامن شما اینها اسلامی بار بیایند، در دامن شما اینها با فضیلت بار بیایند، با ایمان بار بیایند تا در این مملکت بتوانند خدمت بکنند. خداوند همه شما را ان شاءالله سعادت‌مند کند و همه شما را برای مملکت خودتان مفید قرار بدهد.» ۱۷. همان، ج ۶، ص ۱۵۷. ۲. همان، ج ۷، ص ۷۶. ۳.

همان، ج ۶، ص ۲۸۲. ۴. همان، ج ۶، ص ۱۵۷. ۵. همان، ج ۶، ص ۱۳۷. ۶. همان، ج ۷، ص ۷۶. ۷. همان، ج ۷، ص ۲۴۹. ۲. نقش سیاسی زن مسلمان قبل از اینکه به شرح دیدگاه حضرت امام رحمه‌الله در مورد نقش سیاسی زنان پردازیم، باید بدانیم که نقش سیاسی به معنای وظیفه‌ای است که فرد در قبال نظام اسلامی به عهده دارد و نیز رفتاری که در موقعیت‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی از خود نشان می‌دهد. حضرت امام رحمه‌الله با توضیح نقش مؤثر و سازنده‌ای که زنان در مبارزات و شکل‌گیری نهضت اسلامی ایران به عهده داشتند، به بهترین شکل به تبیین موقعیت و نقش سیاسی زنان در جامعه اسلامی پرداخته است. ایشان به سبب هویت انسانی زن، دخالت وی را در شئون سیاسی جامعه حقی اساسی و ساقط نشدنی می‌دانند. برخی از محورهای اندیشه حضرت امام رحمه‌الله درباره نقش سیاسی زن به شرح زیر است: الف) هم‌دوشی با مردها در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی «همان طوری که مردها باید در امور سیاسی دخالت کنند و جامعه خودشان را حفظ کنند، زن‌ها هم باید دخالت کنند و جامعه را حفظ کنند. زن‌ها هم باید در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی هم‌دوش مردها باشند، البته با حفظ آن چیزی که اسلام فرموده است که بحمدالله امروز در ایران جاری است». ۱. همان، ج ۱۸، ص ۲۶۴. ب) دخالت در مقدرات اساسی کشور «قوانین اسلام همه به صلاح زن و مرد است. زن باید در مقدرات اساسی مملکت دخالت کند. شما همان گونه که در نهضت‌ها نقش اساسی داشته‌اید و سهم بوده‌اید، اکنون هم باز باید در پیروزی سهم باشید و فراموش نکنید که هر موقع که اقتضا کند، نهضت کنید و قیام کنید. مملکت از خود شماست. ان شاءالله شما باید مملکت را بسازید». ۱. همان، ج ۵، ص ۱۵۳. ج) دخالت در سیاست؛ تکلیف الهی زن مسلمان «سیاست یک اثری نیست که مال دولت باشد یا مال مجلس باشد یا مال افراد خاصی باشد. سیاست معنایش همین وضع آن چیزهایی (است) که در یک کشوری می‌گذرد از حیث اداره آن کشور. همه اهالی این کشور در این معنا حق دارند. خانم‌ها حق دارند در سیاست دخالت بکنند؛ تکلیفشان این است». ۱. همان، ج ۹، ص ۱۳۶. د) خدمت به کشور «امیدوارم که همان طوری که شما خانم‌ها در همه اموری که مربوط به پیشرفت اسلام در قبل از این انقلاب و در زمان انقلاب و بعد از انقلاب داشتید، به همین نحو خداوند توفیق بدهد به شما که با تعهد باقی باشید و خدمت کنید به این کشوری که در زیر ستم ستم‌کاران پای‌مال شده بود». ۱. همان، ج ۱۹، ص ۱۳۰. ه) شرکت در انتخابات شما باید در همه صحنه‌ها و میدان‌ها آن قدری که اسلام اجازه داد، وارد باشید، مثل انتخابات که امروز عملی است که باید انجام بگیرد و صحبت روز است در ایران. خانم‌ها همان طوری که مردها فعالیت می‌کنند برای انتخابات، خانم‌ها هم باید فعالیت بکنند؛ برای اینکه فرقی بین شما و دیگران در سرنوشتان نیست. سرنوشت ایران، سرنوشت همه است؛ یعنی آن قدری که اسلام خدمت به شما کرد، به مردها آن قدر خدمت نکرد. اسلام شما را حفظ کرد و شما متقابلاً اسلام را حفظ کنید. ۱. «آنچه لازم است تذکر دهم، شرکت زنان مبارز و شجاع سراسر ایران در فراندوم (جمهوری اسلامی) است. زنانی که در کنار مردان، بلکه جلوتر از آنان در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اساسی داشته‌اند. توجه داشته باشید که با شرکت فعالانه خود، پیروزی ملت ایران را هرچه بیشتر تضمین کنند. شرکت در این امر برای مرد و زن از وظایف ملی و اسلامی است». ۲. همان، ج ۱۸، ص ۲۶۳. ۲. همان، ج ۵، ص ۲۰۷. و) نقش‌آفرینی در مسئولیت‌های حرکت اسلامی پرسش: از نظر اسلامی، زنان تا چه حد مجازند در ساختن بنای حکومت اسلامی شرکت نمایند؟ پاسخ: زنان از نظر اسلام، نقش حساسی در بنای جامعه اسلامی دارند و اسلام زن را تا حدی ارتقاء می‌دهد که او بتواند مقام انسانی خود را در جامعه باز یابد و از حد شیء بودن بیرون بیاید و متناسب با چنین رشدی می‌تواند در ساختمان حکومت اسلامی مسئولیت‌هایی به عهده بگیرد. ۱. در نظام اسلامی، زن به عنوان یک انسان می‌تواند مشارکت فعال با مردان در بنای جامعه اسلامی داشته باشد، ولی نه به صورت یک شیء. نه، او حق ندارد خود را به چنین حدی تنزل دهد و نه مردان حق دارند که به او چنین بیندیشند. ۲. زنان همچون مردها در ساختن جامعه اسلامی فردا شرکت دارند. آنان از حق رأی دادن و رأی گرفتن برخوردارند. در مبارزات اخیر ایران، زنان ایران نیز سهمی چون مردان دارند. ما همه گونه آزادی را به زن خواهیم داد، البته جلوی فساد را می‌گیریم و در این مورد، دیگر بین زن و مرد فرق نیست. ۳. همان، ج

۳، ص ۱۰۰. ۲. همان، ج ۲، ص ۹۲. ۳. همان، ج ۴، ص ۲۵۹. (ز حضور و نظارت سیاسی «باید همه زن‌ها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولتی ناظر باشند، اظهار نظر بکنند».) ۱. همان، ج ۱۳، ص ۶۹. ۳. نقش اقتصادی زن مسلمان بر اساس اندیشه امام خمینی رحمه‌الله در این زمینه، زنان مسلمان در حوزه‌های گوناگون تولید، توزیع، مصرف و تجارت، دارای حق انتخاب کار هستند و در فعالیت‌های اقتصادی خویش آزادند. نقش اقتصادی زنان، پیرو نقش اجتماعی و فرهنگی و سیاسی آنان در جامعه و نظام اسلامی است. اگر چه هدف از فعالیت‌های اقتصادی زنان، اگرچه به عنوان هدفی جزئی و مرحله‌ای می‌تواند عامل افزایش سطح بهره‌وری مادی و اقتصادی باشد، ولی همین انگیزه و هدف اقتصادی باید در راستای اهداف سیاسی - فرهنگی جامعه و نظام اسلامی در مقوله‌هایی مانند گسترش عدالت اجتماعی، رشد و بالندگی، تأمین رفاه عمومی، گسترش فرهنگ و دانش انسانی، توسعه اخلاق و معنویت انسانی و مواردی از این قبیل باشد. حضرت امام خمینی رحمه‌الله در زمینه نقش اقتصادی زن مسلمان در جامعه اسلامی معتقد است: «و ما مفتخریم که بانوان و زنان پیر و جوان و خرد و کلان در صحنه‌های فرهنگی و اقتصادی و نظامی حاضر و همدوش مردان یا بهتر از آنان در راه تعالی اسلام و مقاصد قرآن کریم فعالیت دارند.» ۱. «امروز زنان در جمهوری اسلامی، همدوش مردان در تلاش سازندگی خود و کشور هستند و این است معنای آزادی زنان و آزادی مردان ... این جانب به زنان توصیه می‌کنم که رفتار زمان طاغوت را فراموش کنند و ایران عزیز را که از خودشان و فرزندانشان است، به‌طور شایسته بسازند که با همت همه قشرها از وابستگی‌ها به تمام ابعادش نجات یابیم.» ۲. «بانوان ایران در همه جا فعالیت کردند چه فعالیت‌های فرهنگی و چه فعالیت‌های اقتصادی که قشر کثیری از آنها در کشاورزی دخالت دارند و قشر کثیری از آنها در صنعت دخالت دارند و قشر کثیری در فرهنگ و ادب و علم و هنر و همه اینها پیش خدای تبارک و تعالی مشهور است و شماها مورد عنایت حق تعالی ان شاء الله هستید و مادامی که به این تعهد باقی باشد، خدای تبارک و تعالی شما را نصرت می‌کند.» ۳. «اینها اگر وارد بشوند در شغل‌های مثلاً دیگر شغل‌های غیراساسی، نمی‌توانند به طور اصالت رفتار کنند، البته شغل برای زن، با شغل صحیح برای زن هیچ مانعی ندارد، لکن نه آن طوری که آنها می‌خواستند. آنها نظرشان به این نبود که زن یک اشتغالی پیدا بکند، نظرشان به این بود که زن را مثل مردها، هم زن‌ها و مردها را از آن مقامی که دارند، منحط کنند. نگذارند یک رشد طبیعی از برای قشر زن پیدا بشود.» ۴.

## فصل سوم: زن، خانواده و تربیت اسلامی

۱. جایگاه و اهمیت تربیت اگر بخواهیم جایگاه و اهمیت تربیت را از دیدگاه حضرت امام خمینی رحمه‌الله بیان کنیم، آسان‌ترین راه، مراجعه به سخنان ایشان در این زمینه است تا با بررسی و مقایسه آنها با دیگر مقوله‌ها، به درستی به اهمیت این موضوع دست یابیم. نگاهی اجمالی به نظر حضرت امام رحمه‌الله در این زمینه، کافی است تا به اهمیت والای تربیت در اندیشه ایشان پی ببریم. امام رحمه‌الله بارها چه قبل چه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به صورتی تفصیلی یا گذرا به اهمیت این موضوع اشاره داشته و جنبه‌ها و زوایای مختلف آن را بررسی قرار کرده است. امام رحمه‌الله تا آنجا به این مسئله اهمیت می‌دهد که اساس عالم و نیز هدف اصلی پیامبران را در همین موضوع خلاصه می‌کند: «اساس عالم در تربیت انسان است. انسان عصاره همه موجودات است و فشرده تمام عالم است و انبیا آمده‌اند برای اینکه این عصاره بالقوه را بالفعل کنند.» ۱. «غایت بعثت این تزکیه است. غایت آمدن انبیا این تزکیه است و دنبالش آن تعلیم.» ۲. «تمام نکته آمدن انبیا این است که تربیت کنند این بشر را که قابل از برای این است که تربیت بشود.» ۳. «انبیایی که از طرف خدای تبارک و تعالی آمده‌اند، برای همین تربیت بشر، برای انسان‌سازی آمده‌اند. تمام کتب انبیا خصوصاً کتاب مقدس قرآن کریم کوشش دارند به اینکه انسان را تربیت کنند؛ برای اینکه با تربیت انسان، عالم اصلاح می‌شود.» ۴. از سوی دیگر، امام خطر نبود تربیت را بسیار مهم و بزرگ می‌دانست تا جایی که می‌فرمود: «خطر نبود آن، از خطر



مغول هم بالاتر است». ۵. یا در مورد خطر انسان تربیت نشده می‌فرمود: «آن قدر که انسان غیر تربیت شده برای جوامع مضراست، هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن قدر نیست». ۶. امام رحمه‌الله اهمیت و رتبه تربیت و تهذیب را بیش از تعلیم و فراگیری آن را پیش از تعلیم می‌دانست و بارها بر این مهم تأکید می‌کرد: «تزکیه، قبل از تعلیم و تعلم است». ۷. «مسئله تربیت، بالاتر از تعلیم است». ۸. «کوشش کنید که تربیت بشوید و تزکیه بشوید قبل از اینکه تعلیم و تعلم باشد. کوشش کنید که همه درس، با درس خواندن و تعلیم و تربیت باشد که آن مقدم است به حسب رتبه بر تعلیم و بر تلاوت آیات و بر تعلیم کتاب و حکمت» ۹. آن رهبر فرزانه تا جایی بر این امر اصرار می‌ورزید که علم و عالم بدون تربیت را خطرناک می‌شمرد و خطر آن را از خطر مغول بیشتر می‌دانست: «گرفتاری همه ما برای این است که ما تزکیه نشده‌ایم. تربیت نشده‌ایم. عالم شده‌اند، تربیت نشده‌اند. دانشمند شده‌اند، تربیت نشده‌اند. تفکراتشان عمیق است، لیکن تربیت نشده‌اند و آن خطری که از عالمی که تربیت نشده است و تزکیه نشده است بر بشر وارد می‌شود، آن خطر، از خطر مغول بالاتر است». ۱۰. و بالاتر از این، امام در جایی با فرض اینکه بشر بین انتخاب علم یا تربیت مختار باشد، هرچند که نبود علم را زیان آور می‌داند، ولی زیان نبود تربیت را بیشتر از نبود علم می‌داند: «اگر چنانچه ما فرض کردیم که بشر مهذب بود و عالم نبود، دنیا با آرامش خاطر زندگی می‌کرد. البته از اینکه علم ندارد، عقب مانده است و دچار نقیصه بزرگ، ولی روی هم رفته اگر امر دایر بین این دو باشد؛ یعنی اگر یکی آمد، دیگری نباشد؛ اگر علم آمد، تهذیب نباشد و اگر تهذیب هم آمد، علم نباشد. اگر این بشر مهذب باشد، آزار به کسی نمی‌رساند. مردم را برادر خود می‌داند. اگر همچو معنایی به همه شئونی که تهذیب نفس داشت، بود، علم هم هیچ نبود، مردم در آسایش بودند». ۱۱. ۱. در جست‌وجوی راه از کلام امام رحمه‌الله، دفتر ۲۲، ص ۸۰. ۲. صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۲۵۴. ۳. همان، ج ۲، ص ۲۸۸. ۴. همان، ج ۱۴، ص ۱۰۳. ۵. همان، ص ۲۵۴. ۶. همان، ص ۱۰۳. ۷. در جست‌وجوی راه از کلام امام رحمه‌الله، دفتر ۲۲، ص ۳۱۶. ۸. همان، ص ۳۲۴. ۹. همان، ص ۳۲۶. ۱۰. همان، ص ۳۳۶. ۱۱. محمدرضا مصطفی پور، مقاله «مبانی و اصول تعلیم و تربیت در آثار امام»، مجموعه مقالات کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی امام، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۷۴، ص ۳۸. ۲. مکتب تربیتی مطلوب همان گونه که امام خمینی رحمه‌الله بیشترین تأکید را درباره پرورش انسان‌ها دارد، به همان نسبت بیشترین توجه و حساسیت را در زمینه الگو و سرمشق تربیتی انسان‌ها نشان می‌دهد. همان گونه که می‌دانیم، تقریباً تمامی مکتب‌ها و نظام‌های بشری به نوعی به تربیت و مسائل تربیتی انسان‌ها توجه داشته‌اند و بنا به تعریف خود از انسان و جهان، برای تربیت او نظریه‌ها و آداب و دستورهای ارائه می‌دهند که بر اساس آن، سالانه انبوهی از کتاب‌ها و مقاله‌های تربیتی در اختیار مخاطبان آن قرار می‌گیرد. مسئله تربیت، ارتباط مستقیمی با سعادت یا بدبختی و شقاوت آدمی دارد و این دو نقطه انتهایی، مهم‌ترین و جدی‌ترین موضوع حیات بشری به شمار می‌روند. به همان اندازه که سعادت و شقاوت انسان از درجه اهمیت ممتاز برخوردار است، انتخاب نوع مکتب تربیتی و الگوگیری از آن نیز در بالاترین درجه اهمیت قرار می‌گیرد. از این روست که امام خمینی رحمه‌الله به عنوان بزرگ مریب عصر حاضر، به این مسئله توجه خاصی داشته است. ایشان با حساسیت هر چه تمام‌تر، بارها در حد فهم مخاطبان، در کنار مقایسه مکتب‌ها و نظام‌های موجود، اسلام را مهم‌ترین مکتب تربیتی معرفی می‌کند. امام رحمه‌الله در یک مقایسه کلی میان مکتب‌های توحیدی و دیگر مکتب‌ها، این گونه بیان می‌دارد: «از امتیازات مکتب توحید نسبت به تمام مکتب‌هایی که در عالم هست، این است که مکتب‌های توحید، مردم را تربیت می‌کنند و آنها را از ظلمات خارج می‌کنند و به جانب نور هدایت می‌کنند. تمام مکتب‌های غیر توحیدی، مکتب‌هایی که مادی هستند یا مردم را از عالم نور برمی‌گردانند به سوی عالم ظلمت و به مادی‌گری و ماده دعوت می‌کنند و از عالم نور منصرف و منحرفشان می‌کنند و یا آنها را همان دعوت به ماده می‌کنند و دیگر آن طرفش را کار ندارند، نسبت به عالم نور و ارجاع مردم به عالم نور بی‌طرف هستند و به هر حال هر دو مکتب چه آن مکتب‌های ضد توحیدی و چه آن مکتب‌هایی که نسبت به توحید کاری ندارند و نسبت به توحید بی‌طرفند، اینها کارهایی که می‌کنند، تعلیم و تعلیم‌هایی که دارند، تعلیم و تعلیم‌هایی است که مربوط به

ماده است و مردم را در مادیات و ظلمات منغمس می‌کند و از توحید و نور بازشان می‌دارد، لکن مکتب‌های توحیدی که در رأس آنها مکتب اسلام است، در عین حال که با مادیات سرو کار دارند، لکن مقصد این است که مردم را طوری تربیت کنند که مادیات، حجاب آنها برای معنویات نباشد. مادیات را در خدمت معنویات می‌آورند و در عین حال که نسبت به مادیات زندگی دنیا نظر دارند، در همان حال مردم را به معنویات متوجه می‌کنند و از ظلمت ماده نجات می‌دهند. ۱. امام خمینی رحمه‌الله در چندین مورد دیگر نیز ضمن مقایسه اسلام با دیگر مکتب‌ها، افزون بر تأکید بر جامع و کامل بودن دستورهای تربیتی اسلام که یکی از دلایل برتری این مکتب نسبت به دیگر مکتب‌های غیرالهی است، با امر به فراگیری اسلام، آن را به عنوان بهترین و برترین مکتب تربیتی معرفی می‌کند: «قوانین اسلام از آن قبل از اینکه شما ازدواج کنید، برای ازدواجتان ترتیب درست کرده است. برای اینکه این ازدواج طریق به این است که آدم درست بشود، از آنجا شروع کرده است. شما حالا می‌خواهید ازدواج کنید. هیچ، هیچ قانونی در عالم کار به این ندارد که شما می‌خواهید ازدواج کنید، چه جوری بکنید، شما ثبت کنید، در اداره‌ای که باید ازدواج را ثبت کنید، بکنید. باقی آن به خودتان مربوط است.» ۲. با چنین اعتقاد محکمی نسبت به یگانه بودن مکتب تربیتی اسلام، امام رحمه‌الله در موارد بسیاری، متناسب با شخصیت تربیتی مخاطبان، اسلام را بهترین الگو و مکتب تربیتی معرفی می‌کند: «اسلام یک رژیم است. یک رژیم سیاسی است. منتها سایر رژیم‌ها از بسیاری از امور غافل بودند و اسلام از هیچ چیز غافل نیست؛ یعنی اسلام انسان را تربیت می‌کند به همه ابعادی که انسان دارد. بعد مادی دارد، راجع به بعد مادی تصوراتی دارد. بعد معنوی دارد، راجع به معنویات صحبت دارد؛ بالاتر از آن دارد. بالاتر از آن صحبت دارد؛ یعنی از آن وقتی که ازدواج حاصل نشده است بین پدر و مادر، اسلام برای ساختن انسان دستور دارد که چه زنی را انتخاب کند، چه مردی را آن زن انتخاب کند. وضع اخلاقی‌اش چطور باشد، وضع دیانتش چطور باشد. یک نفر زارع وقتی می‌خواهد زراعتی بکند و یک تخمی را در یک زمین کشت بکند، این زمین را باید ملاحظه بکند، آن چیزهایی را که موجب تربیت این است باید ملاحظه بکند، این چیزهایی که وقتی ظهور پیدا کرد این مثلاً نبات، باید آنها را ملاحظه کند که چه چیز مفید با این است و چه چیزهایی مخالف با این است، از آن رد بکند، باید همین طور مواظبت بکند تا وقتی که رشد کرد و به ثمر رسید. اسلام همین معامله را با افراد انسان کرده است؛ یعنی معامله یک نفر زارع که می‌خواهد یک کشتی بکند و می‌خواهد از آن استفاده بکند. از قبل از آنکه کشت بشود، دستور دارد که پدر و مادر چه جور باید باشند؛ یعنی ازدواج چه جور باید باشد. این، برای این است که ملاحظه عاقبت این امر را کرده است که اگر پدر و مادر یکی از آنها مثلاً اخلاقش فاسد باشد، اعمالش، اعمال غیر انسانی باشد، این بچه‌هایی که پیدا می‌شود، به واسطه وراثتی که هست در کار اینها، در او تأثیر دارد و لهذا مثل یک کشتکار بسیار دقیق بسیار دل‌سوز، اسلام به نوع انسان مراعات کرده است و از آن اول تا زمانی که ازدواج می‌شود، ازدواج که شد، چه تربیتی در ازدواج است، بعد در قضیه لقاح چه جور آداب، آداب بسیار در آنجا هست. بعد در زمان حمل، آداب بسیار در آنجا هست. بعد در زمان رضاع، عرض می‌کنم رضاع آداب بسیاری در آنجا هست. بعد در دامن مادر آدابی هست که بعد در ظل پدر آدابی هست. بعد در مدرسه آدابی هست. بعد در اجتماع آدابی هست. این بچه را از آن وقتی که باز به دنیا نیامده مراعات کرده تا برسد به مرتبه عالی و برای همه اینها دستور داد و سایر رژیم‌های عالم، سایر دولت‌هایی که در عالم هست، به اینها اصلش کاری ندارد... اسلام یک همچو چیزی است که وقتی که انسان بزرگ شد، معاشرت خودش با برادرش، معاشرت خودش با پدر و مادرش، معاشرت پدر و مادر با پسر، معاشرت این دو تا با همسایگان، معاشرت اینها با همسهری‌ها، معاشرت اینها با هم‌دینی‌ها، اینها با خارجی‌ها، همه اینها در اسلام هست و اسلام یک حکومتی است که یک جنبه‌اش حکومت سیاسی است و یک جنبه‌اش حکومت معنوی؛ یعنی دو طرف دارد انسان، دو وضع دارد انسان، دو رو دارد انسان: یک روی مادی، اسلام در این روی مادی در همه جهاتش احکام دارد، یک روی معنوی که اصلاً مطرح نیست در رژیم‌ها که انسان را تربیت‌های معنوی و تهذیبی بکند تا برسد به مرتبه‌ای که دیگر هیچ کس نمی‌داند الا الله تا آنجا اسلام همین طور کشیده دست

مردم را گرفته و برده است تا برساند به ملکوت اعلی. سایر رژیم‌ها این طور نیست». ۳ امام در کنار این مسئله، قرآن را هم به عنوان بهترین کتاب تربیت و انسان‌سازی معرفی می‌کند: «اگر انسان حیوانی بود مثل سایر حیوانات، لکن حیوانی که تدبیر دارد، حیوانی که اهل صنعت است، اگر این بود، احتیاج به آمدن انبیا نداشت... آمدن انبیا برای آن است که بشر نمی‌داند، آن حقایقی را که انسان نمی‌داند، به آنها تعلیم بفرماید. انبیا برای راهنمایی یک مقام بالاتر، یک مقام انسانی بالاتر آمده‌اند. قرآن کتاب آدم‌سازی است. برای آدم ساختن آمده‌اند. کتاب حیوان‌سازی نیست، کتاب تعمیر مادیت نیست،... مادیات را قبول دارد در کنار معنویات و مادیات را تبع معنویات قرار می‌دهد». ۴. ۱. ۴. در جست‌وجوی راه از کلام امام رحمه‌الله، دفتر ۲۲، ص ۶۶. ۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۶۹. ۳. همان، ج ۵، ص ۱۰۷. ۴. همان، ج ۷، ص ۱۶. ۳. نقش و جایگاه تربیتی خانواده از آنجا که در اندیشه امام خمینی رحمه‌الله، پرورش انسان‌ها به عنوان بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مسئله به شمار می‌آید، ایشان از هر امکان و موقعیتی برای پیشبرد این آرمان مقدس استفاده می‌کرد. از منظر امام رحمه‌الله، نه تنها نهادهای مشخص تربیتی در این زمینه نقش مهم و اساسی دارند، بلکه ایشان برای دیگر نهادهایی که تا قبل از انقلاب به ظاهر نقش و ارتباط چندانی با این مسئله نداشتند، نقش و کارکرد تربیتی قائل می‌شود. برای مثال، نهاد حکومت، نهاد صدا و سیما، مطبوعات و حتی نهاد زندان‌ها که امام رحمه‌الله برای هر کدام به تناسب کارشان، نقش و کارکردی تربیتی قائل بود. حال که امام رحمه‌الله به نهادهای عادی و به ظاهر غیر تربیتی نگاهی تربیتی داشته است و چنین کارکردی را از آنها انتظار دارد، برای نهادهایی تربیتی همچون خانواده و مدرسه که در این زمینه بالاترین اهمیت را دارا هستند، نقش بیشتری قائل بود و انتظارات بالاتری داشت. حضرت امام رحمه‌الله‌ها بر چنین نقشی تأکید می‌کرد و خانواده را اولین خاستگاه تربیتی کودک می‌دانست: «خانواده شما باید مدرسه باشد؛ تعلیم احکام اسلام، تهذیب اخلاق نونهالان. شما باید نونهالان مهذب تحویل معلمان بدهید و معلمان باید بیشتر آنها را تهذیب کنند». ۱. «دامن مادر بزرگ‌ترین مدرسه‌ای است که بچه در آنجا تربیت می‌شود». ۲. «شما مسئول هستید. مسئولیت بزرگ است. یک انسان درست ممکن است یک عالم را تربیت کند، یک انسان غیر سالم و یک انسان فاسد، عالم را به فساد می‌کشد. فساد و صلاح از دامن‌های شما و از تربیت‌های شما و از مدارسی که شما در آنجا اشتغال دارید، از آنجا شروع می‌شود». ۳. ۱. همان، ج ۶، ص ۱۴۰. ۲. تبیان، ج ۸، ص ۱۲۳. ۳. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۴۱. ۴. جایگاه و نقش ممتاز مادران در تربیت شایسته فرزندان در فرآیند تربیت کودک در خانواده، امام رحمه‌الله برای مادران جایگاهی ویژه و منحصر به فرد قائل بود. به تعبیر حضرت امام رحمه‌الله، کسی در این زمینه نظیر مادر نیست. حضرت امام در سخنان مختلف خویش با عنوان‌ها و تعبیرهای گوناگونی، نقش ممتاز مادران را گوشزد می‌کند و آنها را با موقعیت و مسئولیت خویش آشنا می‌سازد که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود: الف) نقش زن، بالاتر از نقش مرد «نقش زن در جامعه بالاتر از نقش مرد است. برای اینکه بانوان علاوه بر اینکه خودشان یک قشر فعال در همه ابعاد هستند، قشرهای فعال را در دامن خودشان تربیت می‌کنند». ۱. ۱. همان، ج ۱۴، ص ۱۳۰. ب) خدمت مادران، بالاتر از خدمت معلم و دیگران «خدمت مادر به جامعه از خدمت معلم بالاتر است و از خدمت همه کس بالاتر است و این امری است که انبیا می‌خواستند». ۱. ۱. همان، ص ۱۳۱. ج) بزرگ‌ترین مسئولیت و شریف‌ترین حرفه «این مادر که بچه در دامن او بزرگ می‌شود، بزرگ‌ترین مسئولیت را دارد و شریف‌ترین شغل را دارد؛ شغل بچه‌داری. شریف‌ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برای انبیا فرستاد. در طول تاریخ از آدم تا خاتم انبیا آمدند انسان درست کنند». ۱. ۱. همان، ج ۶، ص ۲۶۱. د) دامن‌های سرنوشت‌ساز «یک مادر ممکن است یک بچه را خوب تربیت کند و آن بچه یک امت را نجات بدهد و ممکن است بد تربیت کند و آن بچه موجب هلاکت یک امت بشود». ۱. ۱. همان، ج ۸، ص ۱۶۲. ه) انسان‌سازی قرآن و زن «قرآن کریم، انسان‌ساز است و زنان نیز انسان‌ساز». ۱. ۱. همان، ج ۵، ص ۱۵۳. و) زن، تربیت‌کننده مردان و زنان «مردها در دامن شما بزرگ شدند. شما تربیت‌کننده مردها هستید. قدر خودتان را بدانید. اسلام قدر شما را می‌داند». ۱. «از شماست که مردان و زنان بزرگ



تربیت می‌شود. در دامن شما مردان و بانوان بزرگ تربیت می‌شود.» ۲. «زن، پرورش‌ده زنان و مردان ارجمند است... دامن زن محل تربیت بزرگ زنان و بزرگ مردان است.» ۱. همان، ج ۵، ص ۱۷۸. ۲. همان، ج ۲۲، ص ۲۱۹. ۳. همان، ج ۶، ص ۱۹۴. (ز) تربیت، بالاترین حرفه زنان «شما خانم‌ها به طوری که حالا خودتان می‌گویید، معلم هستید. دو شغل شریف دارید. شما خانم‌ها دو تا شغل بسیار شریف دارید، یکی شغل تربیت فرزند که این از همه شغل‌ها بالاتر است. یک فرزند خوب اگر شما به جامعه تحویل بدهید، برای شما بهتر است از همه عالم.» ۱. همان، ج ۷، ص ۷۶. ویژگی‌ها و استعدادهای خاص مادر همان‌گونه که بیان شد، امام رحمه‌الله، در تربیت، بیشترین نقش و سهم را برای مادران قائل بود تا جایی که هیچ کس دیگر حتی پدر یا معلم چنین نقشی را در حد مادر نمی‌تواند ایفا کند. بی‌شک، چنین نگرشی نسبت به مادر، از ویژگی‌های خاص عاطفی و روحی مادران سرچشمه می‌گیرد. همان ویژگی‌هایی که امام رحمه‌الله از آنها آگاهی داشت و در برخی موارد به آنها اشاره کرده است: ۱. سرمایه عاطفی والا و منحصر به فرد مادران «حقوق بسیار مادرها را می‌توان شمرد و نمی‌توان به حق ادا کرد. یک شب مادر نسبت به فرزندش از سال‌ها عمر پدر متعهد ارزنده‌تر است. تجسم عطف و رحمت در دیدگان نورانی مادر، بارقه رحمت و عطف رب العالمین است. خداوند تبارک و تعالی قلب و جان مادران را با نور رحمت ربوبیت خود آمیخته، آن‌گونه که وصف آن را کس نتوان کرد و به شناخت کسی جز مادران در نیاید و این رحمت لایزال است که مادران را تحملی چون عرش در مقابل رنج‌ها و زحمت‌ها از حال استقرار نطفه در رحمت و طول حمل و وقت زاییدن و از نوزادی تا به آخر، رحمت فرموده. رنج‌هایی که پدران یک شب آن را تحمل نکنند و از آن عاجز هستند.» ۱. روح‌الله خمینی، جلوه‌های رحمانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۱، ص ۴۷؛ تبیان، دفتر هشتم، ص ۱۲۵. ۲. رابطه و علاقه خاص مادر و فرزند «دامن مادرها دامن است که انسان از آن باید درست بشود؛ یعنی اول مرتبه تربیت، تربیت بچه است در دامن مادر؛ برای اینکه علاقه بچه به مادر بیشتر از همه علائق هست و هیچ علاقه‌ای بالاتر از علاقه مادری و فرزند نیست. بچه‌ها از مادر بهتر چیز اخذ می‌کنند.» ۱. «علاقه‌ای که بچه به مادر دارد، به هیچ کس ندارد و آن چیزی که در بچگی از مادر می‌شنود، در قلبش نقش می‌بندد و تا آخر همه‌اش می‌ماند.» ۲. «... و چون بچه‌ها آن علاقه‌ای که به مادر دارند، به هیچ کس ندارند و در دامن مادر که هستند، تمام چیزهایی که دارند، آرزوهایی که دارند، خلاصه می‌شود در مادر و همه چیز را در مادر می‌بینند.» ۳. ۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۷۶. ۲. همان، ج ۸، ص ۱۶۲. ۳. همان، ج ۳، ص ۱۶۲. اثرگذاری خاص مادران بر فرزندان «حرف مادر، خلق مادر، عمل مادر در بچه اثر دارد... بچه وقتی در دامن مادرش هست، می‌بیند مادر اخلاق خوش دارد، اعمال صحیح دارد، گفتار خوش دارد، آن بچه از همان‌جا اعمالش و گفتارش به تقلید از مادر که از همه تقلیدها بالاتر است و به تزریق مادر که از همه تزریق‌ها مؤثرتر است، تربیت می‌شود.» ۱. «بچه از مادر بهتر چیز اخذ می‌کنند. آن قدری که تحت تأثیر مادرها هستند، تحت تأثیر پدر نیستند، تحت تأثیر معلم نیستند، تحت تأثیر استاد نیستند.» ۲. «در دامن مادر، بچه‌ها بهتر تربیت می‌شوند تا در پیش استادان... مادرها باید توجه به این کنند که بچه‌ها را خوب تربیت کنند، پاک تربیت کنند، دامن‌هایشان یک مدرسه علمی و ایمانی باشد و این، یک مطلب بسیار بزرگی است که از مادرها ساخته است و از دیگران ساخته نیست. آن قدری که بچه از مادر می‌شنود، از پدر نمی‌شنود. آن قدری که اخلاق مادر در بچه کوچک نوری تأثیر دارد و به او منتقل می‌شود، از دیگران عملی نیست.» ۳. ۱. همان، ج ۶، ص ۱۵۷. ۲. همان، ج ۷، ص ۷۶. ۳. همان، ج ۸، ص ۱۶۲. ۴. آرامش بخشی مادر نسبت به فرزندان «مادری که بچه‌اش گرفتاری دارد و می‌خواهد او را نجات بدهد، آن قدری که الطاف این مادر او را آرام می‌کند، مداوا آن قدر تأثیر در او ندارد. این الان احتیاج به او دارد که روحش آرام بشود، مادر روح این را آرام می‌دهد...» ۱. همان، ج ۶، ص ۲۸۰. دامن تربیتی مادران در دوران پهلوی، به سبب فرهنگ پست حاکم بر جامعه، متأسفانه زنان، دست کم زنان طاغوتی، با فرهنگ غربی، از مقام و منزلت واقعی و معنوی خویش کاستند و از اوج عفاف و لطافت معنوی به پست‌ترین نقطه مادیت و دنیاخواهی و تجمل‌پرستی سقوط کردند. بسیاری از آنها همچون عروسک‌هایی بدون روح، تنها در فکر

زیبایی ظاهری و ارضای امیال و هواهای نفسانی خویش بودند. با طلوع خورشید انقلاب اسلامی و با نگرش معنوی امام رحمه الله به زنان بار دیگر این قشر انسان‌ساز بر اثر آشنایی با آموزه‌های امام رحمه الله و انقلاب به خود آمدند و در پی اصلاح حیثیت انسانی خود، دوباره به سوی قله‌های رفیع انسانیت و معنویت گام برداشتند. به یقین در پیمودن این مسیر، حضرت امام رحمه الله بیشترین و مهم‌ترین نقش را ایفا نمود. ایشان که به روشنی از ستمی که در گذشته به اسم آزادی و آزادسازی زنان، بر بانوان این مرز و بوم رفته بود، آگاه بود و در هر فرصت و موقعیتی، زنان را از این ستم آگاه می‌کرد و همواره می‌کوشید تا زنان را با استعدادها و گوهر مقدس وجودی‌شان آشنا سازد. در این میان، افزون بر تشویق زنان به بازگشت به خود واقعی آنان و جایگاه ارجمند و حقیقتشان، در بیان‌های مختلف خویش - حتی در به‌کاربردن واژه‌ها و تعبیرها نیز - دقت، ابتکار و حکمت خاصی به خرج می‌داد و معمولاً هنگام خطاب قرار دادن زنان یا تعریف و توصیف آنان، واژه‌ها و تعبیرهایی را به کار می‌برد که بار ارزشی و معنوی خاصی داشت. از جمله این تعبیرها، «دامان مادران و زنان» بود که امام رحمه الله با توصیف‌های متعالی و گوناگونی به آن اشاره داشت که از اهتمام خاص امام به مقام و منزلت واقعی زنان و مادران خبر می‌دهد. در ادامه به برخی از این مطالب اشاره می‌کنیم: ۱. دامن عصمت، عفت و عظمت «دامن شما دامن عصمت و عفت و عظمت است» ۱. همان، ج ۵، ص ۲۶۱. ۲. دامن مدرسه «دامان شما یک مدرسه‌ای است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت شود» ۱. در جایی دیگر می‌فرماید: «اول مدرسه‌ای که بچه دارد، دامن مادر است» ۱. همان، ج ۲۲، ص ۲۱۹. ۲. همان، ج ۶، ص ۱۵۷. ۳. دامن، محل عروج «از دامن زن مرد، به معراج می‌رود» ۱. همان، ج ۶، ص ۱۹۴. ۴. محل کسب فضایل «شما فضایل تحصیل می‌کنید تا کودکان شما در دامن شما به فضیلت برسند» ۱. همان، ج ۲۲، ص ۲۱۹. ۵. بهترین مکتب «دامن مادر بهترین مکتبی است از برای اولاد(ها)» ۱. همان، ج ۶، ص ۲۸۳. ۶. محل پرورش فرزندان شایسته «دامن بانوان است که بچه‌های خوب را پرورش می‌دهد» ۱. همان، ج ۸، ص ۱۱۹. ۷. دامن پاک «رحمت واسعه خداوند بر آن پدران و مادرانی که شما شجاعان نبرد در میدان کارزار و مجاهدان با نفس در شب‌های نورانی را در دامن پاکشان تربیت نمودند» ۱. «رحمت خداوند بر این دامن‌های پاکی که پروراننده این جوانان شیردل می‌باشند» ۱. همان، ج ۱۰، ص ۲. همان، ج ۱۸، ص ۲۲۴. ۸. دامن‌های مطهر «چگونه سخن می‌توان گفت در اقدام شریف مادران بزرگواری که در دامن‌های مطهر خود چنین فرزندان را تربیت کرده‌اند. چه می‌توان نثار کرد» ۱. همان، ج ۱۹، ص ۴۰. ۹. دامن‌های انسان‌ساز «دامن‌های شما دامن‌هایی است که انسان درست می‌کند» ۱. همان، ج ۸، ص ۲۴۰. مسئولیت مادری و تربیت فرزند، حرفه‌ای شریف و اصیل حضرت امام رحمه الله بارها از مسئولیت مادری و تربیت فرزند به عنوان حرفه‌ای اصیل و شریف یاد می‌کرد که شاید این تعبیر، پاسخی بود به آن دسته از تبلیغات منفی که در گذشته بر ضد نقش مادری زنان صورت می‌گرفت. تبلیغات مسمومی که رژیم شاه به پیروی از فرهنگ غرب، برای به‌ابتدال کشاندن زنان این مرز و بوم بدان دامن می‌زد. رژیم گذشته به دلایل مختلف، در پایین آوردن مقام مادری و سبک جلوه دادن این مقام می‌کوشید تا جایی که به قیمت از هم پاشیدن خانواده، در بیرون آوردن زنان از حریم خانواده آن هم نه به جهت خدمت به جامعه، بلکه به منظور به خدمت در آوردن زنان در جهت منافع سیاسی و فرهنگی خود، از هیچ کوششی فروگذار نکرد، رژیم تبلیغات خود را در این زمینه تا اندازه‌ای پیش برد که بسیاری از زنان از اینکه تنها در خانه به وظیفه مادری و خدمت به خانواده پردازند، خود را در مقابل زنان شاغل، کوچک و حقیر احساس می‌کردند. از این رو، حضرت امام رحمه الله برای مقابله با این فرهنگ ویرانگر، با وجود تأیید حضور اجتماعی زنان و نیز اشتغال آنان - البته در چهارچوب موازین شرع و عرف - از هر فرصتی برای تقویت و تحکیم روحیه مادری و نیز بالا- بردن این تفکر در جامعه تلاش می‌کرد. به همین دلیل، همواره از مسئولیت مادری به عنوان شغلی شریف و اصیل که شاید هیچ شغلی به ارزش و مرتبه آن نباشد، یاد می‌کرد. در اینجا به سخنان امام رحمه الله درباره توطئه فرهنگی رژیم برای پایین آوردن مقام مادری و نیز به دیدگاه روشن و متعالی ایشان نسبت به شغل مادری می‌پردازیم: «البته شغل برای زن، شغل صحیح برای زن، هیچ مانعی ندارد، لکن نه آن طوری که آنان می‌خواستند. آنها

نظرشان به این نبود که زن یک اشتغالی پیدا بکند. نظرشان به این بود که زن را مثل مردها، هم زن‌ها را و مردها را از آن مقامی که دارند، منحنط کنند. نگذارند یک رشد طبیعی از برای قشر زن پیدا بشود یا یک رشد طبیعی از برای قشر مرد. نگذارند بچه‌های ما تربیت صحیح بشوند و لهذا از آن اول جلویش را گرفتند. دامن بانوان که مرکز تربیت اطفال است، محروم شد بسیاریش از این. بعد در دبستان‌ها بچه‌ها رفتند. آنجا هم با تبلیغات سویی، با کتاب‌های منحرفی، آنها را منحرف کردند. بعد در دانشگاه که رفتند، عمال آنها نگذاشتند رشد صحیح بکنند. نگذاشتند دانشمندان صحیح تربیت بشوند. اشخاص ملی صحیح، اشخاص اسلامی صحیح تربیت بشوند. ۱. «مع‌الاسف در آن حکومت طاغوتی این شغل را می‌خواستند از این مادرها بگیرند. تبلیغ کردند به اینکه زن چرا بچه‌داری بکند. این شغل شریف را منحنطش کردند در نظر مادرها؛ برای اینکه می‌خواستند که مادرها از بچه‌ها جدا بشوند. بچه‌ها را ببرند در پرورشگاه‌ها بزرگ کنند. مادرها هم علی‌حده بروند یک کارهایی که آنها دلشان می‌خواهد، بکنند.» ۲. «در طول این سلطنت، اینها کوشش کردند که مادران را از بچه‌ها جدا کنند. به مادرها تزریق کردند که بچه‌داری چیزی نیست؛ شما توی ادارات بیاید و اینها بچه‌های معصوم را جدا کردند از دامن مادران و بردند در پرورشگاه‌ها و جاهای دیگر و اشخاص اجنبی و غیر رحیم آنها را به تربیت فاسد تربیت می‌کردند.» ۳. «این مادر که بچه در دامن او بزرگ می‌شود، بزرگ‌ترین مسئولیت را دارد و شریف‌ترین شغل را دارد؛ شغل بچه‌داری. شریف‌ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برای انبیا فرستاد. در طول تاریخ از آدم تا خانم انبیا آمدند انسان درست کنند.» ۴. «این شغل که شغل انبیا هست و انبیا هم آمدند برای اینکه انسان درست کنند، این شغل اول شما هست؛ در اول تربیت بچه.» ۵. «انبیا آمده‌اند که انسان بسازند. انبیا مأمورند که افرادی که بشر هستند و با حیوانات فرقی دارند، اینها را انسان کنند، تزکیه کنند. شغل انبیا همین است. باید شغل مادرها هم همین باشد نسبت به بچه‌هایی که در دامنشان است و با اعمالشان آنها را تزکیه کنند.» ۶. ۱. همان، ج ۶، ص ۱۸۲. ۲. همان، ج ۷، ص ۷۶. ۳. همان، ج ۸، ص ۱۶۲. ۴. همان، ج ۶، ص ۲۶۱. ۵. همان، ج ۷، ص ۷۶۰. ۶. همان، ج ۸، ص ۱۶۲. ویژگی‌های مادر نمونه در نظام اسلامی، به ویژه در صفات اخلاقی و انسانی رهبری از هر جهت باید الگو و نمونه باشد؛ زیرا که وظیفه اصلی او، راهنمایی و رهبری مردم به سوی قله‌های رفیع اخلاق و انسانیت است که امام راحل رحمه‌الله، نمونه کامل این‌گونه از رهبران بود. امام رحمه‌الله نه تنها خود به تنهایی برای تمامی قشرها و طبقه‌ها به عنوان الگویی بی‌همتا مطرح بود، بلکه تلاش می‌کرد با تعیین و ترسیم معیارهایی برای هر قشر و گروه، نمونه‌ها و الگوهای مطلوبی را معرفی کند. قشر زنان به ویژه مادران، از جمله مهم‌ترین اقشار اجتماعی بودند که حضرت امام رحمه‌الله با بیان ویژگی‌های مادران مطلوب انقلاب اسلامی، می‌کوشید جهت و مسیر حرکت آنان را به سوی آن نمونه آرمانی تنظیم کند. با اندکی تلاش برای گردآوری مجموعه این اخبار و سخنان، می‌توان به تصویر روشنی از مادر مورد نظر و مطلوب حضرت امام رحمه‌الله و انقلاب دست یافت؛ الگوی ارزشمندی که سال‌ها ملاک حرکت مادران قهرمان این مرز و بوم قرار گرفت و آنان را در این آزمون، سربلند و پیروز ساخت. گردآوری مجموعه این ملاک‌ها می‌تواند به عنوان منشوری مقدس فراروی مادران حال و آینده جامعه ما قرار گیرد تا با توجه و پایبندی به آن، سعادت خود و فرزندان آینده این مرز و بوم را تأمین کنند. همان‌گونه که گفته شد، این ملاک‌ها برداشتی است از: الف) توصیف‌هایی که امام از مادران موفق - و احیانا ناموفق - داشته است. ب) از سفارش‌ها و بایدها و نبایدهایی که خطاب به مادران داشته است. مجموعه این بایدها و نبایدها را به عنوان ویژگی‌ها و مشخصات مادران نمونه و برتر از نگاه امام خمینی رحمه‌الله در عنوان‌های زیر می‌آوریم: ۱. انسان کامل آرمان‌نهایی انقلاب اسلامی در بعد فردی، تربیت و تحویل انسان‌های کامل به جامعه است. این مهم زمانی حاصل می‌شود که اینان از تربیت انسان‌های کامل برخوردار شوند. چون مادران، نقش اول را در تربیت ایفا می‌کنند. آنها باید به این درجه از کمال رسیده باشند. امام رحمه‌الله در این باره می‌فرماید: «اسلام می‌خواهد شما را یک انسان کامل تربیت کند که بر دامن شما انسان‌های کامل تربیت بشوند.» ۱. همان، ج ۵، ص ۱۷۷. ۲. اهل تهذیب و مراقبت و آراسته

شدن به اخلاق اسلامی «برنامه طویل‌المدت برای شما جوان‌ها، برای شما خانم‌ها، برای همه این است که اگر شماها یک انسان مهذب باشید، مقاصد اسلامی را پیش می‌برید. اگر این خانم‌ها بچه‌های مهذب بار بیاورند، بچه‌های اسلامی بار بیاورند، شما هم دیتان، هم دنیاتان محفوظ است.»<sup>۱</sup> «خانم‌های محترم! خودتان را تهذیب کنید و کودکان خودتان را تهذیب کنید. خودتان را اسلامی بار بیاورید که در اسلام همه چیز هست. خودتان در پناه اسلام و به اخلاق اسلامی متخلق شوید که همه چیز در اسلام هست.»<sup>۲</sup> ۱. همان، ج ۶، ص ۲۶. ۲. همان، ج ۷، ص ۱۷. ۳. حرفه مادری و مسئولیت تربیت، حرفه و مسئولیت اصلی زن «این مادر که بچه در دامن او بزرگ می‌شود، بزرگ‌ترین مسئولیت را دارد و شریف‌ترین شغل را دارد؛ شغل بچه‌داری. شریف‌ترین شغل در عالم، بزرگ کردن یک بچه است و تحویل دادن یک انسان است به جامعه. این همان بود که خدای تبارک و تعالی در طول تاریخ برای انبیا فرستاد. در طول تاریخ از آدم تا خاتم انبیا آمدند انسان درست کنند.»<sup>۱</sup> «شما گمان نکنید اینها که همیشه از مادر بودن و از اولاد داشتن و از تربیت اولاد داشتن، اینها تکذیب می‌کنند و مطلب را یک مطلب خیلی سستی می‌گیرند و مطلب را یک مطلب بسیار پایینی می‌گیرند، اینها غرض صحیحی دارند.»<sup>۲</sup> «مبدأ یک عقده بزرگ، این جدا کردن بچه از مادر است. محبت مادری لازم دارد بچه. بنابراین، این شغل که شغل انبیا هست و انبیا هم آمدند برای اینکه انسان درست کنند، این شغل اول شما هست در اول تربیت بچه.»<sup>۳</sup> ۱. همان، ج ۶، ص ۲۶۱. ۲. همان، ج ۸، ص ۲۴۰. ۳. همان، ج ۷، ص ۷۶. ۴. سرشار بودن از عطف، رحمت و مهربانی «مادری که بچه‌اش گرفتاری دارد و می‌خواهد او را نجات بدهد، آن قدری که الطاف این مادر او را آرام می‌کند، مداوا آن قدر تأثیری در او ندارد. این الان احتیاج به او دارد که روحش آرام بشود. مادر روح او را آرامش می‌دهد.»<sup>۱</sup> ۱. همان، ص ۱۲۹. ۵. تلاش برای علم‌آموزی «شماها در تحصیل کوشش کنید که برای فضایل اخلاقی، فضایل اعمال مجهز شوید. شما برای آتیه مملکت ما، جوانان نیرومند تربیت کنید. دامان شما یک مدرسه‌ای است که در آن باید جوانان بزرگ تربیت بشود. شما فضایل تحصیل می‌کنید تا کودکان شما در دامان شما به فضیلت برسند.»<sup>۱</sup> ۱. همان، ج ۲۲، ص ۲۱۹. ۶. همراهی با نهضت با تربیت فرزندان شایسته «شما بچه‌های خودتان را حفظ کنید. بچه‌های خودتان را خوب تربیت کنید. این بچه‌ها هستند که کشوری را نجات می‌دهند. در دامن شما اینها اسلامی بار می‌آیند، در دامن شما اینها با فضیلت بار بیایند، با ایمان بار بیایند تا در این مملکت بتوانند خدمت بکنند. خداوند همه شما را ان شاء الله سعادت‌مند کند و همه شما را برای مملکت خودتان مفید قرار دهد.»<sup>۱</sup> حضرت امام؛ در این کلام کوتاه خویش بر نقش استراتژیک زن به ویژه نقش مادری زن چه قبل و چه بعد از پیروزی انقلاب تأکید می‌کند. شالوده انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی بر ایمان، تقوا و کرامت‌های انسانی است. پس همان‌گونه که با تلاش جان‌های پاک و نفوس مهذب پا به عرصه وجود گذاشت، دوام و بقای آن نیز در محیطی پاک و نورانی و به وسیله انسان‌های صالح و سالم امکان‌پذیر است. همان‌گونه که گفته شد، به دلیل نقش مهم مادران در تربیت چنین افرادی، وجود عنصر «مادری» به‌عنوان بزرگ‌ترین پشتوانه نظام و انقلاب مطرح می‌شود به ویژه مادرانی که با انقلاب و اهداف مقدس آن آشنا و همراهند و به خوبی به نقش حساس و خطیر خود در این زمینه آگاهند. از این روست که می‌بینیم حضرت امام رحمه‌الله، جدای از نقش فردی زنان و مادران، به نقش و کارکرد اجتماعی و انقلابی آنان نیز بسیار اهمیت می‌داد و همواره با تأکید بر اصالت و استحکام خانواده، بر نقش و روحیه مقدس مادری نیز تأکید می‌کرد. ایشان در این زمینه، نقش زنان را در خدمت به انقلاب بیش از مردان دانسته است و می‌فرماید: «بانوان ایران در این نهضت و انقلاب سهم بیشتری نسبت به مردان دارند و امروز هم که در پشت جبهه‌ها مشغول فعالیت هستند، سهم آنها بیشتر از دیگران است و در تربیتی که اشتغال دارند، چه تربیت کودکانشان و چه تربیت خردسالانشان و چه تربیت‌هایی و جاهای دیگر مجالس دارند، باز سهم بزرگی در این انقلاب دارند.»<sup>۲</sup> یا در جایی دیگر بیان می‌دارد: «بانوان ایران، جانشان را، جوانشان را، وقتشان را وقف اسلام کردند و اسلام را به اینجا رساندند و امیدواریم که از این به بعد هم از این بالاتر بشود و مطمئن باشید که تا شماها در صحنه هستید و شماها متعهد به اسلام هستید و جوان می‌دهید و جوان تربیت می‌کنید، این

اسلام به پیش برود». ۳ آن رهبر بزرگوار با این تأیید و تأکید خود، ارزش جدیدی را برای زنان و مادران به تصویر می‌کشد که همان ارزش همراهی با انقلاب در تربیت فرزندان صالح و انقلابی است و با قدردانی از تلاش این‌گونه زنان و خانواده‌ها، آنان را به کسب و تقویت این ارزش تشویق می‌کند: «شما خانواده‌هایی بودید که در دامن شما این جوان‌های برومند تربیت شده‌اند که فداکاری کردند برای اسلام». ۴. لازمه کسب و حفظ این ارزش، داشتن بینش و آگاهی انقلابی به ویژه بصیرت، شناخت و مقاومت در برابر نقشه‌ها و توطئه‌های استکباری است که امام به یک نمونه آن، چنین اشاره می‌کند: «بانوان محترم ایران ثابت کردند که دست‌خوش این‌طور توطئه‌ها نشده‌اند و نمی‌شوند و ثابت کردند که در دژ محکم عفت و عصمت هستند و جوانان صحیح و نیرومند و دختران عقیق و متعهد به این کشور تسلیم خواهند کرد و هیچ‌گاه نخواهند در آن راه‌هایی که قدرت‌های بزرگ برای تباہ کردن کشور پیش پای آنان گذاشته بود، به آن راه‌ها نخواهند رفت». ۵. همان، ج ۷، ص ۲۴۹. ۲. همان، ج ۱۴، ص ۲۳۰. ۳. همان، ج ۱۹، ص ۱۲۱. ۴. همان، ج ۱۳، ص ۲۱۳. ۵. همان، ج ۱۴، ص ۲۳۱.

### فصل چهارم: سیره عملی امام خمینی رحمه‌الله در ارتباط با زنان

شخصیت امام رحمه‌الله را به کوهی یخی می‌توان تشبیه کرد که تنها بخش ناچیزی از قله آن را می‌توان مشاهده کرد، ولی بیشترین بخش آن را در زیر آب پوشیده و ناپیداست. در شخصیت امام رحمه‌الله نیز این قله آشکار، همان وجه سیاسی و اجتماعی ایشان است. وجه‌های که برای مردم بیشتر آشناست و با این ویژگی او را می‌شناسند، در حالی که جنبه‌های دیگر، بیشتر پوشیده و ناپیداست. رفتار و سلوک شخصی ایشان با مردم و اطرافیان به ویژه با زنان و دختران، از جمله این نیمه پنهان است. اگر قرار باشد آنچه را بنویسیم که در مدت عمر بلند و پر برکت امام رحمه‌الله در رابطه با رفتار ایشان با همسر، خانواده، دختران و زنان اطراف ایشان اتفاق افتاده است، هر سطر و هر جمله آن، برای جویندگان حقیقت اسلام ناب، درسی عملی است، ولی صد افسوس که آنچه از این عرصه به یادگار مانده است، چیزی نیست که بتوان حتی در یک کتاب کوچک گرد آورد که آن هم مجموعه‌ای اندک از خاطرات پراکنده اطرافیان حضرت امام رحمه‌الله است. در این نوشته تلاش شده است که نمونه‌های قابل استناد پس از گردآوری، تا آنجا که امکان دارد به صورتی منطقی دسته‌بندی شود و یک یا شماری از آنها به فراخور موضوع مربوط به آن، با عنوانی مشخص ارائه شود و از آنجا که نمونه‌های بیان شده، به خودی خود گویا و روشن‌گر است، کوشیده‌ایم از تحلیل و توضیح اضافی بپرهیزیم. رابطه با همسر ۱. انتخاب همسر انتخاب همسر و ازدواج در زندگی هر کسی جزو حساس‌ترین و مهم‌ترین مراحل زندگی به شمار می‌آید و این مسئله برای انسان‌های بزرگ که آرمان‌های بلند اجتماعی در سر دارند، از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چرا که شریک زندگی، نقش مهمی در دستیابی یا دست نیافتن انسان به اهداف و آرمان‌هایش دارد. بنابراین، هر دو باید از سنخیت لازمی در این زمینه برخوردار باشند. به یقین، برای حضرت امام رحمه‌الله نیز این مسئله از اهمیت بسزایی برخوردار بوده است. دست کم دین‌داری، اصالت و دارا بودن روحیه علمی برای کسی که می‌خواهد همسر یک عالم سخت‌کوش و هدفدار باشد، از ملاک‌ها و اولویت‌های اولیه سنخیت به شمار می‌آید و این، چیزی بود که امام رحمه‌الله بدان معتقد بود: حضرت امام رحمه‌الله بر آن بود که از یک خانواده دین‌دار و شناخته شده، همسر اختیار کنند. ایشان گفته بود: «من نمی‌خواهم از خمین همسر بگیرم؛ چون می‌خواهم کفو خودم باشم. اگر خودم درس می‌خوانم، می‌خواهم همسری بگیرم که همفکر من باشد. در نتیجه، باید از قم همسر بگیرم و از خانواده روحانی و هم‌شان خودم باشد». ۱. از این رو، وقتی که دختری با این ویژگی‌ها را یافتند، از اینکه برای به دست آوردن رضایت وی پافشاری کند و مدت ده ماه صبر پیشه کند، ابایی نداشت، هرچند که در آن زمان برای کسی مثل ایشان که از نظر علمی در حد اجتهاد بود، چنین چیزی مرسوم نباشد و بسیار نادر هم باشد: «قبول خواستگاری حدود ده ماه طول کشید. چون من حاضر نبودم به قم بروم... از طرف دیگر هم، آقای سید احمد لواسانی از جانب داماد (حضرت امام رحمه‌الله) هر شب می‌آمد



خواستگاری و می پرسید «چی شده؟» پدرم هم می گفت: «زن‌ها هنوز راضی نشده‌اند». ۲. ۱. امیرضا ستوده، پا به پای آفتاب، تهران، نشر پنجره، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۹۴. گفت‌وگو با خانم فریده مصطفوی ۲. مجله ندا، ش ۱۲. (مصاحبه با همسر گرامی حضرت امام رحمه‌الله) ۲. رعایت احترام به همسر امام رحمه‌الله برای همسر خویش احترام خاصی قائل بود، به گونه‌ای که این احترام زبانه‌ها همه کسانی بود که با ایشان ارتباط داشتند. همسر حضرت امام در این باره می گوید: «به من خیلی احترام می گذاشتند و خیلی اهمیت می دادند؛ یعنی یک حرف بد و یا زشت به من نمی زدند. همیشه در اتاق جای خوب را به من تعارف می کردند. همیشه تا من نمی آمدم سر سفره، غذا را شروع نمی کردند. به بچه‌ها می گفتند صبر کنید تا خانم بیاید». ۱. این گونه رفتار از سوی حضرت امام رحمه‌الله از چنان ارزشی برخوردار بود که احترام به همسر و مادر به صورت فرهنگی همگانی در خانواده ایشان حاکم شده بود. خانم فریده مصطفوی، فرزند حضرت امام رحمه‌الله در این باره می گوید: «این قدر ایشان (امام رحمه‌الله) در خانه نسبت به خانم محبت و احترام قائل بودند که ما فرزندان هم تحت تأثیر تقلید ایشان قرار گرفته بودیم. ما از اول که چشم باز کردیم، می دیدیم که ایشان تا زمانی که خانم سر سفره حاضر نشده و دست به غذا دراز نمی کردند، غیرممکن بود سر سفره بیایند و مشغول غذا خوردن بشوند و خواه ناخواه ما نیز صبر می کردیم تا مادرمان بیایند و مشغول غذا خوردن بشوند، بعد ما مشغول شویم». ۲. امام رحمه‌الله حتی در وصیت‌نامه‌ای که در سال ۱۳۵۶ به صورتی مختصر نوشته بود، همین مسئله را به فرزندان خود یادآور می شود: «فرزندان من عموما و احمد خصوصا، موظفند از مادر خود اطاعت کنند و با احترام با او رفتار کنند و رضای او را به دست آورند که خیر دنیا و آخرت آنان در آن است و ...». ۳. ایشان حتی در اوج مبارزه و در شرایطی که به ترکیه تبعید شده بود، از وضعیت همسر خویش غافل نشد و در هر پیغامی به فرزندان، به ایشان در مورد همسرشان نیز بسیار سفارش می کرد. ایشان در قسمت‌هایی از نامه خویش به فرزندش، شهید مصطفی خمینی در تاریخ ۱۹/۸/۴۳ می فرماید: «... لازم است در موضوع مادر، خواهرها و احمد و بستگان به شما تأکید کنم. رضای خداوند و رضای من در حسن سلوک با آنهاست. مادر خیلی احتیاج به خدمت دارد. باید از هر حیث مادی و معنوی رضایت او را به دست آورید. نگذارید نگرانی پیدا کند، راحتی او را فراهم کنید». «... به من در تهران گفتند اگر خانواده را بخواهید می فرستیم، لکن صلاح نیست. اینجا به ایشان بد خواهد گذشت. من هم از ناراحتی ایشان ناراحت خواهم شد». خانم فریده مصطفوی از اهتمام حضرت امام رحمه‌الله درباره همسرشان می گوید: «خانم اگر کاری در خانه انجام می دادند، حتی اگر استکانی را جابه‌جا می کردند و ما نشسته بودیم، امام با ناراحتی به ما می گفتند شما نشسته‌اید و خانم کار می کنند؟» ۴. ۱. مجله ندا، ش ۱۲، ص ۱۴. ۲. پیام زن، ش ۳، ص ۲۳. ۳. مجله حضور، ش ۲۱، ص ۱۵. ۴. پیام زن، ش ۳، ص ۲۶. ۳. برخورد قاطع به خاطر همسر «ویژگی امام رحمه‌الله در برخورد با مسائل خانواده، حرمت‌گذاری و درک شخصیت زنان بود؛ یعنی همسر را به عنوان خدمت‌کار یا عنصری که در خانه باید تدارکات و خدمات و خانه را عهده‌دار شود، نمی دانستند. همسر را به عنوان یک همراه، همراز و چه بسا یک همفکر می دانستند... در انتخاب اولیه‌شان دقت کرده بودند و می دانستند که این همسر، عنصر فهمیده‌ای است و نیازهای یک خانواده علمی و ادبی را می داند و دیگر لازم نیست به او تذکری داده شود؛ یعنی او هم به مثابه همسرش در ایجاد یک فضای مناسب آرام و متناسب با زیست یک مقام علمی و معنوی سهم دارد و تلاش خود را می کند. صحنه‌ای را شاهد بودم و می توانم شخصا شهادت بدهم، افسردگی و در عین حال تصمیم قاطع امام رحمه‌الله در برخورد با کسی (را) که نسبت به شخصیت خانواده‌شان بی‌حرمتی کرده است: در نجف کسی بود که ملازم حضرت امام رحمه‌الله بود. هرگاه امام رحمه‌الله منزل برای درس یا حرم و یا به مسجدی برای ادای نماز تشریف می بردند، همراهشان بود. هنگامی که مراجعانی در بین راه با امام رحمه‌الله مواجه می شدند، جسارت اینکه با امام صحبت کنند را نداشتند. به این فرد پیغام می دادند یا اگر امام رحمه‌الله ضرورت می دیدند، دستوری را صادر فرمایند و می خواستند به فوریت مطرح کنند، به همراهشان می گفتند که این تذکر را به کسی یا به خودشان یادآوری کند یا فلان اقدام را انجام دهد. این ملازم، آقای روحانی محترمی بود که هنوز هم حیات دارد. زمانی گویا حرکتی را انجام داده بود که

به نظر می‌رسید به شخصیت خانواده امام بی‌احترامی و بی‌توجهی نشان داده است. امام به دلیل احترامی که برای خانواده‌شان قائل بودند و به دلیل اهمیتی که به ضرورت احترام گذاشتن و درک شخصیت زن داشتند، به آن ملازمان یادآوری کردند که از این حرکت متأثرند و پس از آن مایل نیستند که او آنجا باشد. به این ترتیب، او را طرد کردند تا دیگر این بی‌احترامی‌ها تکرار نشود. البته بعداً همسر امام ظاهراً خواسته بودند که امتیاز موقعیت آن آقا از وی سلب نشود و در خدمت امام بماند که البته امام پذیرفتند. «... (امام) همیشه به دایی احمد سفارش می‌کردند: «خانم را تنها نگذارید.» ... ایشان به همسرشان علاقه وافری داشتند، به طوری که از نظر امام همسرشان در یک طرف قرار داشت و بچه‌هایشان در طرف دیگر و این دوست داشتن با احترام خاصی توأم بود.» ۱. ۲. یا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۴۹ و ۵۰. از خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین سید محمود دعایی ۲. همان، ج ۱، ص ۱۹۸. (از خاطرات خانم زهرا اشراقی نوه امام خمینی رحمه‌الله) ۴. ابراز علاقه به همسر ابراز علاقه نسبت به همسر، از دستورهایی است که در دین اسلام بر آن بسیار سفارش شده است. امام رحمه‌الله نیز نسبت به این مسئله توجه خاصی داشت. با این توضیح که شیوه ابراز علاقه، متناسب با شخصیت هر فرد است. خانم فریده مصطفوی می‌گوید: «امام قرار گذاشته بودند که سالی یک بار خانم به تهران بروند و سه ماه تابستان را در تهران بگذرانند. خودشان هم به خمین می‌رفتند. این برنامه همیشه بود. حتی تا بزرگ شدن ما نیز ادامه داشت. امام سختشان بود که خانم در زمستان به مسافرت بروند و از روزی که خانم به مسافرت می‌رفتند، اخم‌های امام درهم بود تا خانم برگردد. امام در موقع ورود خانم به منزل می‌خندیدند و این، یکی از راه‌های ابراز علاقه آقا به خانم بود.» ۱. آقای محتشمی نیز می‌گوید: «امام رحمه‌الله هیچ‌گاه در طول پانزده سالی که در نجف بودم، با کسی با تلفن صحبت نمی‌کردند. وقتی که به پاریس رفتیم، همان روز اول و دوم بود که فرمودند: تلفن نجف را بگیرید، من با خانم صحبت کنم. در مدتی که حضرت امام رحمه‌الله در پاریس بودند، این مسئله چندین بار اتفاق افتاد که با همسرشان چندین بار تلفنی صحبت کردند. به سبب همین نزدیکی و رابطه عاطفی که ایشان با خانواده‌شان داشتند، چندین بار از پاریس پیام دادند که هرچه زودتر کار گذرنامه و ویزای خانم را درست کنید تا ایشان هم به پاریس تشریف بیاورند و سرانجام نیز بعد از یکی دو هفته ایشان آمدند. وقتی خانواده امام وارد پاریس شدند، یک احساس طمأنینه و آرامشی را در امام احساس کردیم.» ۱. ۲. همان، ج ۱، ص ۹۴. ۲. پا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۱۵۹. ۵. پذیرش مدیریت خانه به وسیله همسر کارشناسان و صاحب‌نظران در مسائل خانواده و همسرمداری به این نتیجه رسیده‌اند که مدیریت امور داخل منزل بایست به عهده خانم خانه باشد و وی در این زمینه از آزادی عمل کامل برخوردار باشد. آنها بر این عقیده‌اند که رعایت این مسئله افزون بر تأثیرگذاری مثبت بر روی خانم خانه، در تربیت فرزندان نیز تأثیرات مثبتی به همراه خواهد داشت و این اصل تقسیم کار منزل و بیرون از منزل، همان اصلی است که پیامبر گرامی در ابتدای زندگی مشترک حضرت علی علیه‌السلام با دخت گرامی‌شان به آنها سفارش فرمود. سخنان فرزندان امام رحمه‌الله و نیز همسر گرامی ایشان در این باره، حکایت از حاکم بودن همین اصل در خانه دارد. خانم فریده مصطفوی می‌گوید: «کارهای داخلی منزل امام رحمه‌الله، همه به اختیار خانم و (امام) هیچ‌گونه دخالتی در امور داخلی منزل نداشتند. البته خانم هم خیلی مقید بودند که هیچ کاری بر خلاف میل و رضای آقا انجام ندهند و قدمی برندارند.» ۱. البته این مسئله بدان معنا نیست که امام بار کارهای منزل را بر دوش همسرشان می‌گذارد یا کاری به ایشان تحمیل می‌کرد، بلکه مدیریت و تصمیم‌گیری درباره امور مختلف داخل منزل به عهده همسر ایشان بود و تمامی اعضای خانواده حضرت امام نیز در مورد این سخن هم عقیده‌اند که امام به‌هیچ وجه از همسرشان انتظار کار در منزل نداشت. همسر گرامی حضرت امام رحمه‌الله می‌فرماید: «... حتی حاضر نبودند که من در خانه کار بکنم. همیشه به من می‌گفتند جارو نکن. اگر می‌خواستم لب حوض روسری بچه را بشورم، می‌آمدند و می‌گفتند: «تو نباید بشوری»... حتی یک سال که کسی که همیشه در منزلمان کار می‌کرد، نبود، آن موقع ما در امامزاده قاسم بودیم، همین اواخر بود که بچه‌ها بزرگ شده بودند و شوهر کرده بودند، وقتی ناهار تمام شد، من نشستم سر حوض تا ظرف‌ها را بشویم، ایشان همین که دیدند من دارم ظرف‌ها را می‌شویم، از بین دخترها فریده منزل

ما بود، گفتند: «فریده برو؛ خانم دارد ظرف می‌شوید.» فریده آمد ظرف‌ها را از من گرفت و شست و کنار گذاشت. ۲. «من تا به حال یاد ندارم امام رحمه‌الله در طول زندگی به خانم گفته باشند که یک جای برای من بیاور. اگر کسی نبود که جای برایشان بیاورد، به خانم می‌گفتند: «بگوئید برای من جای بیاورند.» ۳. ممانعت و سخت‌گیری حضرت امام رحمه‌الله درباره کار خانم در منزل به حدی بود که بنا به گفته خانم، ایشان در زمانی که حضرت امام رحمه‌الله در خانه حضور نداشت، کارها را انجام می‌داد: «من پشت او اتاق را جارو می‌کردم و وقتی او نبود، لباس بچه‌ها را می‌شستم.» ۴. خانم طباطبایی، عروس حضرت امام رحمه‌الله نیز در این باره می‌گوید: «... امام هرگز به خانم دستور انجام کاری را نمی‌دادند. خانم تعریف می‌کردند که وقتی دکمه‌ای از پیراهنشان می‌افتاد، می‌گفتند: «می‌شود این را بدهید بدوزند.» نمی‌گفتند: «خودت بدوز.» و احياناً اگر روز بعد دوخته نشده بود، نمی‌گفتند: «چرا ندوخته‌اید»، می‌گفتند: «کسی نبود بیاید بدوزد؟» تا آخر عمرشان هرگز به خانم نگفتند: «یک لیوان آب به من بده»، اما خودشان مکرراً این کار را برای خانمشان انجام می‌دادند. مثلاً می‌دانستند خانم فراموش می‌کنند قرصشان را بخورند و آن را به این ترتیب یادآوری می‌کردند. ۵. «روی هم رفته باید بگویم که حضرت امام رحمه‌الله جارو کردن و ظرف شستن و حتی شستن روسری بچه خودمان را هم وظیفه من نمی‌دانستند و اگر به جهت نیاز گاهی به این کارها دست می‌زدیم، ناراحت می‌شدند و آن را به حساب نوعی اجحاف نسبت به من می‌گذاشتند. حتی وقتی وارد اتاق می‌شدم، به من نمی‌گفتند: «در را پشت سرتان ببندید»، صبر می‌کردند تا بنشینم و بعد خودشان بلند می‌شدند و در را می‌بستند. ۶. امام نه تنها مخالف کار خانم در منزل بود، بلکه عملاً نیز در هر فرصتی به ایشان کمک می‌کرد. خانم فریده مصطفوی می‌گوید: «ایشان برای مراقبت از فرزندان، با همسرشان نهایت همکاری را می‌کردند و شب‌ها دو ساعت ایشان استراحت می‌کردند و مادرمان از ما نگهداری می‌کردند و دو ساعت مادرمان استراحت می‌کردند و امام از ما نگهداری می‌کردند.» ۷. حتی در زمان اوج انقلاب؛ یعنی زمانی که حضرت امام رحمه‌الله پاریس بودند، امام از همکاری در امور منزل غفلت نمی‌ورزید، خانم مرضیه دباغ در مورد آن روزها در خاطره‌ای زیبا می‌گوید: «... روزی نیز بر حسب اتفاق، تعداد میهمانان منزل امام زیاد شده بود. پس از صرف غذا، ظرف‌ها را جمع کردم و به آشپزخانه بردم. با زهرا، دختر آقای اشراقی، آماده شدیم که ظرف‌ها را بشوئیم، اما دیدم که خود امام هم بلافاصله به آشپزخانه آمدند. از زهرا خانم پرسیدم: «حاج آقا چرا به آشپزخانه آمده‌اند؟» و حق داشتم که تعجب کنم؛ زیرا وقت وضو نبود. امام رحمه‌الله آستین‌هایشان را بالا زدند و فرمودند: «چون ظرف‌های امروز زیاد است، آمده‌ام کمک‌تان کنم.» بدنم شروع به لرزیدن کرد؛ خدایا چه می‌بینم. به زهرا گفتم تو را به خدا از امام رحمه‌الله خواهش کنی تشریف ببرند. خود ما ظرف‌ها را می‌شوئیم.» ۸. خانم دباغ در این باره خاطره دیگری را به یاد می‌آورد که چنین است: «بهترین و زیباترین شب عمرم نیز همان شبی بود که وارد منزل حضرت امام شدم و مسئولیت اداره بیت (در فرانسه) را به من دادند. واقعا تا صبح خوابم نمی‌برد. تمام مدت با خود گفتم: «مرضیه! این تویی که خدا این همه به تو لطف کرده است که کنیزی خانه امام را به دوش داشته باشی؟» بعد از نماز همین‌طور نشسته بودم و فکر می‌کردم و فکر می‌کردم که دیدم صدای استکان و نعلبکی از آشپزخانه می‌آید. با عجله رفتم و دیدم که حضرت امام رحمه‌الله چای را دم کرده‌اند، استکان و نعلبکی را در سینی گذاشته‌اند و با دست مبارکشان آنها را به اتاق می‌برند. عرض کردم: «حاج آقا! شما چرا؟» فرمودند: «خواستم یک کمکی به خانم کرده باشم.» بلافاصله آنها را از دستشان گرفتم و خودم به اتاق بردم.» ۹. پیام زن، ش ۳، ص ۲۳. ۲. مجله ندا، ش ۱۲، ص ۱۳. ۳. پیام زن، ش ۳، ص ۲۶. (از خاطرات خانم فریده مصطفوی، دختر حضرت امام رحمه‌الله). ۴. مجله ندا، ش ۱۲، ص ۱۳. ۵. پا به پای آفتاب، ص ۱۷۰. ۶. مجله دانش، ص ۱۴. (مصاحبه با همسر گرامی حضرت امام رحمه‌الله). ۷. پا به پای آفتاب، ص ۱۲۲. ۸. پا به پای آفتاب، ص ۳۱۵. ۹. همان، ص ۳۳۹. ۶. احترام در برابر زحمات همسر حضرت امام خمینی رحمه‌الله کار کردن در منزل را وظیفه همسر نمی‌دانست و از آن جلوگیری می‌کرد. ایشان با این نگرش، هرگاه همسرشان کاری را انجام می‌داد، اگرچه به خوبی هم انجام نمی‌شد، از ایشان قدردانی می‌کرد. خانم فریده مصطفوی، دختر حضرت امام رحمه‌الله می‌گوید: «اگر



روزی خانم غذا را تهیه می‌کردند، هر چه قدر هم که بد می‌شد، کسی حق اعتراض نداشت و امام رحمه‌الله از آن غذا تعریف می‌کردند»<sup>۱</sup>. همان، ص ۹۷. ۷. آزادی همسر به شهادت همسر و تمام وابستگان حضرت امام رحمه‌الله، همسر ایشان با رعایت واجبات و محرمات، در تمام امور از آزادی کامل برخوردار بودند. بهترین گواه، سخن همسر گرامی ایشان است: «... اوایل زندگیمان، هفته اول یا ماه اول، یادم نیست، به من گفت: «من به کار تو کاری ندارم به هر صورت که میل داری لباس بخر و بپوش، اما آنچه از تو می‌خواهم این است که واجبات را انجام بدهی و محرمات را ترک کنی»؛ یعنی گناه نکنی و به مستحبات خیلی کاری نداشتند. به کارهای من کاری نداشتند. هر طور که دوست داشتم زندگی می‌کردم. به رفت و آمد با دوستانم خیلی کاری نداشتند، چه وقت بروم، چه وقت برگردم. ایشان به درس و تحصیل مشغول بودند و من هم سرم به کار خودم بود»<sup>۱</sup>. خانم فریده مصطفوی نیز با بیان خاطره‌ای از زبان مادر گرامی‌شان، بر این امر صحنه می‌گذارد: «جامع‌المقدمات را خواندم. البته سال اول هیئات خواندم و بعد از آن، جامع‌المقدمات. دو بچه داشتم که سیوطی را شروع کردم. وقتی سیوطی تمام شد، چهار بچه داشتم: بچه چهارم که فریده خانم است، وقتی به دنیا آمد، من دیگر وقت مطالعه و درس خواندن نداشتم، ولی شرح لمعه را شروع کردند. مقداری شرح لمعه خواندم که دیدم عاجزم و هیچ نمی‌توانم بخوانم. مجموعاً هشت سال طول کشید. بعداً که در انقلاب به عراق رفتیم، شروع کردم به یادگیری زبان عربی و چون معاشر نداشتم، زبان عربی را از روی کتب درسی آنها شروع کردم... اینکه خودشان قبول کردند که به من درس بدهند، برایم در حکم تشویق بود»<sup>۲</sup>. این سخنان، تنها بخشی بود از نمونه‌های رفتاری حضرت امام رحمه‌الله با همسر گرامی‌شان که در خلال خاطرات بستگان ایشان به صورت مختصر و گذرا به آنها اشاره شد. همین مقدار اندک کافی است تا مشخص کند که امام رحمه‌الله چگونه با پیروی از سیره معصومان علیهم‌السلام و رعایت احکام دینی توانسته است الگویی زیبا و کامل از روابط زناشویی را در مقابل دیدگان پویندگان این راه بگذارد و اهمیت این روش و منش، زمانی بیشتر آشکار می‌شود که شرایط زمانی ازدواج و زندگی زناشویی حضرت امام رحمه‌الله را نیز در نظر بگیریم. امام در زمانی چنین رفتار شایسته‌ای را با همسر خویش پیشه خود ساخته بود که در جامعه نوعی مردسالاری حاکم بود. در آن دوره و حتی تا همین اواخر، زن از جایگاه کم‌اهمیتی برخوردار بود، چه برسد به اینکه قابل احترام و تکریم فراوان باشد. زن در خانه بعضاً در حد یک کلفت زحمت کش بود که جز آوردن بچه و خدمت به شوهر و بچه‌ها، وظیفه دیگری نداشت و از سوی دیگر، امام رحمه‌الله زمانی با همسر خویش به گونه‌ای شایسته رفتار می‌کرد که دست کم در جامعه آن زمان ایران، هیچ کدام از مجامع و محافل کنونی حمایت از حقوق زنان نبود و هیچ ندا و سخنی در این باره به گوش نمی‌رسید و رفتار آن گونه امام رحمه‌الله در چنین شرایطی، حکایت از اصالت و استقلال اندیشه ایشان نسبت به زنان دارد؛ اندیشه اصیلی که نه در زمان رواج اندیشه مردسالاری ذره‌ای تحت تأثیر آن قرار گرفت و نه در این زمان و در جو پرهیاهوی حمایت از حقوق زن از ارزش‌های خویش برای همراهی با این جو دست کشید که این، همان عدالت و اعتدالی است که کلید رهایی زنان جامعه و نیز گمشده واقعی آنان است. «امام پس از قرن‌ها که حقوق زنان ضایع شده بود و آنها ملعبه دست صاحبان زر و زور قرار گرفته بودند، عظمت روحی، شخصیت، شرافت و عزت واقعی‌شان را به آنان نمایاندند. ایشان همواره آنها را به دخالت مستقیم در سرنوشت خویش و امور سیاسی اجتماعی مکلف می‌نمود. ایشان در عمل و بیان، رابطه سالم اسلامی با خانواده و همسر را آموختند و مصداق واقعی مساوات و عدالت و هم‌دلی در همکاری در خانه را چون جدشان، علی علیه‌السلام متحقق بخشیدند»<sup>۳</sup>. ۱. مجله ندا، ش ۱۲، ص ۱۵. ۲. همان، ص ۱۴. ۳. پا به پای آفتاب، ج ۱، ص ۱۲۲. (گفت‌وگو با خانم فریده مصطفوی، دختر گرامی حضرت امام رحمه‌الله) رفتار حضرت امام خمینی رحمه‌الله با فرزندان دختر ۱. تبعیض قائل نشدن میان دختر و پسر خانم فریده مصطفوی در این باره می‌گوید: «آنچه که اصلاً در منزل ما مطرح نبود، دختر و پسر بودن بچه‌ها بود. همه بچه‌ها برای امام عزیز بودند. ما هیچ وقت احساس نکردیم که حتی ایشان کدام یک از ما را بیشتر دوست دارند و کدام یک را کمتر. رفتارشان با همه یکسان بود»<sup>۱</sup>. با وجودی که امام رحمه‌الله در رفتار خود هیچ گونه تبعیضی میان فرزندان خود قائل نمی‌شد،

ولی در ظاهر نسبت به دختران لطف بیشتری داشت. در سخنی دیگر، خانم فریده مصطفوی در این زمینه می‌گوید: «البته ظاهراً نسبت به اولاد دختر اظهار محبت بیشتری می‌کردند. حضرت امام رحمه‌الله همیشه محبت و لطف خاصی نسبت به دختران خود داشتند. این امر شاید به خاطر آن باشد که می‌دانستند که اولاد دخترشان در جامعه آن طور که باید مورد لطف قرار نمی‌گیرند و جامعه آن طور که شایسته است به طبقه بانوان توجه ندارد. ما همیشه مورد محبت ایشان بودیم.»<sup>۲</sup> این رفتار محبت‌آمیز امام رحمه‌الله نسبت به دختران در همان ابتدای تولد فرزند دختر مشهود بوده است. برای روشن شدن این واقعیت به خاطرات آقای رحیمیان از اعضای دفتر بیت حضرت امام رحمه‌الله است، نظر می‌افکنیم. «در زمستان سال ۱۳۶۳ خداوند فرزند دختری به این جانب عطا فرمود. چند روز بعد از تولد، مادرش او را به بیت معظم له آورد. بعد از انجام کارهای معمول، از محضر امام خارج شدم و نوزاد را برای تشریف به خدمت حضرتشان آوردم. از پله‌های حیاط بالا- می‌آمدم که توجه حضرت امام به حقیر جلب شد. با تبسم و نشاط کم‌سابقه اذن دخول دادند. قبل از اینکه سخنی بگویم، فرمودند: «بچه خودتان است؟» عرض کردم، بله! بلافاصله دو دستشان را به علامت تحویل کودک جلو آوردند و هم‌زمان پرسیدند: «دختر است یا پسر؟» عرض کردم: دختر است. او را در آغوش گرفتند و صورت به صورت او گذاشتند و پیشانی او را بوسیدند و در این حال فرمودند: «دختر خیلی خوب است. دختر خیلی خوب است. دختر خیلی خوب است.» و در گوشش دعا خواندند. سپس از اسم او سؤال فرمودند، به عرض رساندم: آقا اسم برایش انتخاب نکرده‌ایم. گذاشته‌ایم حضرت عالی انتخاب بفرمایید و حضرت امام بدون تأمل فرمودند: «فاطمه خیلی خوب است، فاطمه خیلی خوب است، فاطمه خیلی خوب است.»<sup>۱</sup> همان. ۲. همان. ۲. تربیت آزادمنشانه امام رحمه‌الله در تربیت فرزندان از جمله دختران، می‌کوشید آنها را مستقل و آزادمنش بار آورد: «رفتار امام رحمه‌الله در زندگی ما تأثیر بسزایی داشت. ما امروز در خانواده امام آزادی کاملی را احساس می‌کنیم و مردها هم در نهایت آزادی به سر می‌برند. نه زن با مرد آن مقابله را دارد که به اختلاف و کشمکش برسد، نه مرد با زنان، بلکه هر کس در مورد کارهای خیر تصمیم‌گیرنده اصلی است و خودش هم مسئول و تصمیم‌گیرنده عملکردش است. این را من در اثر تربیت حضرت امام رحمه‌الله می‌دانم؛ زیرا ایشان مستقلاً در مورد کارهای خود تصمیم‌گیرنده بودند و مادر ما هم در تمام مسائل مربوط به خود تصمیم‌گیرنده بودند. این نعمت آزادی را ما مدیون تربیت امامیم.»<sup>۱</sup> همان، ج ۱، ص ۱۶۸. ۳. آزادی دختران در انتخاب همسر همان‌گونه که بیان شد، اصل آزادی و استقلال در تربیت فرزندان، همواره مورد تأکید امام عزیز بوده است و فرزندان ایشان در محیطی آزاد و با تربیتی آزادمنشانه، به گونه‌ای مستقل و متکی به خود بار می‌آمدند. شاید یکی از نمودهای این مسئله، آزادی عمل دختران در انتخاب همسر باشد. در این گونه موارد، امام رحمه‌الله در عین اینکه نقش نظارتی و هدایتی خود را به خوبی ایفا می‌کرد، ولی در نهایت، این دختری بود که آزادانه جواب مثبت و یا منفی می‌داد و به هیچ وجه تحمیلی در کار نبوده است. یکی از دختران حضرت امام در این باره می‌گوید: «... در مورد دخترها، هر خواستگاری که می‌آمد، نظر دختر شرط بود. به عنوان مثال می‌گفتند: این شخص فرد خوبی است و به صلاح شماست. دختر هم قبول می‌کرد، ولی اگر در بعضی موارد دختر می‌گفت نه، امام رد می‌کردند. در مواردی که خودشان نمی‌پسندیدند، اصلاً به دخترشان نمی‌گفتند.» خانم فاطمه طباطبایی، عروس امام نیز این مسئله را به گونه‌ای دیگر بیان می‌دارد: «در انتخاب همسر، موضوع را با دختران خود در میان می‌گذاشتند. البته درست است که در محیط‌های بسته و کوچک، دختر و پسر یکدیگر را نمی‌شناسند، اما خانواده‌ها نسبت به هم شناخت دارند. مثلاً- دختر امام خانواده داماد را کاملاً می‌شناخت. امام هم نظرشان را با دخترشان در میان می‌گذاشتند و مثلاً می‌گفتند که برداشت من از این پسر این است. این امتیازات و این نقاط ضعف را دارد، اما در نهایت، تصمیم‌گیری را به او واگذار می‌کردند؛ چون اساساً اگر غیر از این باشد، عقد شرعاً صحیح نیست.»<sup>۱</sup> همان. ۴. جدیت نسبت به حدود شرعی گفتیم که فرزندان حضرت امام رحمه‌الله از جمله دختران ایشان، در زندگی از آزادی لازم برخوردار بودند، ولی این بدان معنا نیست که این آزادی بدون قید و شرط باشد؛ چرا که آزادی مورد پذیرش امام رحمه‌الله، آن آزادی‌ای بود که در

چهارچوب موازین شرعی باشد. بنابراین، مشاهده می‌کنیم که امام رحمه‌الله نسبت به این حدود جدیت و حتی در صورت لزوم، سخت‌گیری نیز نشان می‌داد. پرهیز از هر نوع گناه، پرهیز از دروغ، غیبت، تهمت، اذیت و آزار مسلمانان و مواردی از این قبیل، همیشه مورد تأکید حضرت امام رحمه‌الله بوده است. «همیشه ما را مقید می‌کردند که معصیت نکنیم و مؤدب به آداب اسلامی باشیم. هر چه قدر در منزل بازی یا شلوغ می‌کردیم، هیچ ایرادی نمی‌گرفتند، ولی اگر می‌فهمیدند که کاری کرده‌ایم که همسایه اذیت شده، به شدت به ما اعتراض می‌کردند و ناراحت می‌شدند که «چرا این کار را کردید؟»... در منزل حق انجام هیچ‌گونه گناهی، از جمله غیبت، دروغ، بی‌احترامی به بزرگ‌تر و توهین به مسلمان را نداشتیم خصوصاً در مورد توهین به مسلمان، حساسیت زیادی داشتند». ۱. از جمله مواردی که ایشان همیشه بر آن تأکید داشت، حجاب دختران و حفظ حدود شرعی روابط با نامحرمان بوده است: «ایشان مقید بودند که ما از بچگی حجاب شرعی مان را حفظ کنیم». ۲. «و از مسائلی که امام بیشتر به آنها توجه داشتند، محدود بودن ارتباط بین زن و مرد بود. یادم است که ده سال بیشتر نداشتم و با برادرهایم و پسر خاله‌ام قایم باشک بازی می‌کردیم؛ حجاب هم داشتیم، اما امام یک روز مرا صدا کردند و گفتند: شما هیچ تفاوتی با خواهرتان ندارید، مگر او با پسرها بازی می‌کند که شما با پسرها بازی می‌کنید؟ از آن روز به بعد با پسرها بازی نکردم». ۳. به نمونه‌ای دیگر از جدیت حضرت امام رحمه‌الله در این زمینه از زبان دختر ایشان نظر می‌افکنیم: «... ایشان همیشه مقید بودند ما از مغازه چیزی نخریم. با اینکه ما بچه بودیم، می‌گفتند: «چیزی می‌خواهید، بگویید این کارگر بخرد.» من یک دختر ده یازده ساله بودم. رفته بودم زیر گذر کاغذ بخرم. همان طور که تند می‌آمدم و صورتم را خیلی خوب نگرفته بودم - البته مکلف بودم. تا مکلف نبودیم، هیچ تکلیفی بر ما بار نمی‌کردند - دیدم آقا دارند می‌آیند و مرا دیدند. چون هم صورتم تقریباً باز بود و هم تند می‌آمدم و با ایشان روبه‌رو شدم. به قدری که وحشت کردم و دو روز در منزل پنهان شدم؛ یعنی سر سفره حاضر نمی‌شدم. یک‌جوری بهانه می‌کردم و می‌رفتم با کارگر خانه نهار می‌خوردم و شب‌ها خودم را به خواب می‌زدم و نمی‌رفتم سر سفره. ایشان هم نمی‌گفتند: «چرا فریده سر سفره نمی‌آید»، در صورتی که اگر یکی از بچه‌ها یک روز سر سفره نبود، مقید بودند پرسند: «چطور نیست؟ چرا سر سفره نیست؟» اگر خانه بودیم، باید سر سفره حاضر می‌شدیم و اگر هم خانه نبودیم، می‌پرسیدند چرا نیستیم؟ چون ما اصلاً حق نداشتیم بدون خانم جایی برویم، ولی ایشان می‌دانستند من برای چه رو نشان نمی‌دهم، به این دلیل اصلاً هم به روی خود نیاوردند. برای اینکه قبح قضیه از بین نرود و این وحشت برای ما باقی بماند. این اثر خوبی هم داشت و آن، این بود که باعث می‌شد ما کار خلافی انجام ندهیم، نه اینکه دایماً انجام دهیم یا تنبیه شویم یا «ببخشید» بگوییم و باز دو مرتبه همان کار را انجام دهیم». ۴. البته ناگفته نماند: الف) این سخت‌گیری‌ها همان‌گونه که اشاره شد، مربوط به اصول بود و در مورد فروع و مستحبات و امور مکروه به هیچ وجه این‌گونه نبوده است: «البته ایشان نسبت به فروع ما را آزاد می‌گذاشتند. خیلی سخت نمی‌گرفتند، ولی راجع به اصول که خیلی به آنها مقید بودند، هیچ کس قدرت مخالفت نداشت». ۵. ب) امام رحمه‌الله در مورد مسائل تربیتی و حفظ حدود شرعی پیش از اینکه امر و نهی زبانی داشته باشد، به گونه‌ای عملی، اخلاق و احکام را آموزش می‌داد: «کارهای دینی به ما دیکته نمی‌شد. در خانواده وقتی ما رفتار امام را می‌دیدیم، خود به خود در ما تأثیر می‌گذاشت و همیشه سعی می‌کردیم مثل ایشان باشیم، ولو اینکه مثل ایشان نمی‌شدیم. از نظر تربیتی، خود ایشان برای ما یک الگو بودند. وقتی کاری را به ما می‌گفتند «انجام ندهید» و ما می‌دیدیم ایشان در عمرشان آن کار را نمی‌کنند، قهراً ما هم انجام نمی‌دادیم. مثلاً به ما می‌گفتند: «باید نماز بخوانید، خودشان از نیم ساعت به ظهر وضو می‌گرفتند و مشغول نماز خواندن می‌شدند و ما هم داخل حیاط مشغول بازی کردن بودیم. یک مرتبه هم نیامدند صدا کنند که: «دخترها! بایستید برای نماز. بیایید من ایستاده‌ام، پشت سر من یا خودتان نماز بخوانید.» ایشان تمام سال، اول اذان نماز می‌خواندند، ولی یک بار هم به ما نگفتند که: «الان دست از کارت‌ان بردارید، موقع اذان است. دست از بازی بردارید و بایستید برای نماز». ۶. ج) در مورد مسائلی همچون حجاب با وجود سخت‌گیری نسبت به آن، می‌کوشید در خانواده فشار کمتری بر روی دختران و زنان خانه باشد و

بیش از اینکه زنان را محدود کند، پسران و مردان خانواده را ملزم و محدود می‌کرد تا دختران و زنان در آسایش بیشتری باشند: «در خانه خودشان هم وقتی یکی از نوه‌هایشان مکلف می‌شد، دیگر با ما در یک اتاق نمی‌نشست؛ چون امام در این کار ضرورتی نمی‌دیدند. جالب اینجاست که وقتی ما نزدشان بودیم، به آنها می‌گفتند که بیرون بروند نه به ما یا اگر من نزد ایشان بودم و نوه مکلف شده‌شان که مثل پسر خود من است، می‌خواست وارد اتاق شود، می‌گفتند کسی اینجاست» (ص ۷۵) با وجود سخت‌گیری نسبت به مسائل شرعی و چشم‌پوشی نکردن نسبت به این قبیل امور، به رعایت حقوق فرزندان نیز بسیار تأکید می‌کرد: «یادم است در دوران کودکی، من و دو خواهر بزرگ‌ترم که نه و یازده ساله بودند، علی‌رغم تذکر قبلی امام رحمه‌الله در مورد نرفتن به خانه همسایه، به آنجا رفته بودیم. خبر به گوش ایشان رسید. ایشان برای تنبیه خواهر بزرگ‌ترم ترکه‌ای را برداشتند و برای ترساندن او آن را به دیوار زدند که ترکه شکست و چوب شکسته به پای خواهرم اصابت کرد و بعد از مدتی محل اصابت غیر عمدی ترکه کبود شد. ایشان از ماجرا خبردار شدند و مقدار کبودی را دیدند و در قبال آن، «دیه» لازم را به او دادند و با ملاطفت خاصی دوباره دستور خود را تکرار کردند» (ص ۵۸). حفظ حرمت و عزت دختران مراعات شخصیت و عزت فرزندان به ویژه دختران، جزو دستورهای اکید دینی و اخلاقی ماست که در هر مرحله از زندگی آنان، مصداق و نمود خاص خود را دارد. یکی از این نمونه‌ها که به زمان ازدواج مربوط می‌شود، تعیین مهریه برای دختر و نیز فراهم آوردن جهیزیه متناسب و لازم برای او است که رعایت آن البته در حد معقول و مشروع می‌تواند در حفظ عزت و تحکیم موقعیت دختر در خانواده شوهر، عامل تعیین‌کننده‌ای باشد. از این رو، شاهدیم که حضرت امام رحمه‌الله در این مورد نیز ضمن رعایت آداب شرعی و سنت‌های عرفی، در حفظ عزت و شخصیت دختران خویش اقدام لازم را به عمل آورده است و شاید در شرایطی که هر خواستگاری بدون هیچ‌گونه انتظاری در مورد این‌گونه مسائل و تنها به خاطر شخصیت حضرت امام رحمه‌الله و شرافت این خانواده، با کمال میل داوطلب ازدواج با این خانواده بود، ولی حضرت امام رحمه‌الله برخلاف بضاعت طلبگی، نسبت به این مسئله اقدام می‌کرد و حتی نسبت به برگزاری مراسم عقد و عروسی کوتاهی نمی‌کرد: «در مورد مراسم ازدواج فرزندان‌شان، هم عقد گرفتند، هم عروسی، البته خیلی مختصر و معمولی. نسبت به نوه‌هایشان چون بعد از انقلاب بود، خیلی ساده برگزار می‌کرد. البته جهیزیه (به دخترانشان می‌دادند، ولی جهیزیه‌ای به اندازه رفع حاجت و خیلی معمولی. جهیزیه‌ای که در زمان ما به آن رفع حاجت می‌گویند؛ یعنی یک فرش معمولی و دو دست رختخواب و مختصری وسایل دیگر. البته آن زمان هم این قدرها جهاز مرسوم نبود. مقید بودند که دختر باید مهریه داشته باشد، آن هم باز به حد متعارف یک خانواده معمولی. از این جهت همه دخترهایشان هم مهریه داشتند و هم مقداری جهیزیه» (ص ۱۰۱). همان، ج ۱، ص ۱۲۳. خانم فریده مصطفوی

## کتاب‌نامه

۱. تبيان. ۲. خمینی، روح‌الله جلوه‌های رحمانی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۷۱. ۳. در جست‌وجوی راه از کلام امام رحمه‌الله. ۴. ستوده، امیررضا، پا به پای آفتاب، تهران، نشر پنجره، ۱۳۷۷. ۵. صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰. ۶. مجموعه مقالات کنگره بررسی اندیشه و آثار تربیتی امام خمینی رحمه‌الله، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله، ۱۳۷۴. ۷. مطهری، مرتضی، پیرامون جمهوری اسلامی، تهران، صدرا، ۱۳۶۴. نشریات ۱. مجله ندا، شماره ۱۲. ۲. پیام زن، شماره ۳. ۳. مجله دانش. ۴. مجله حضور، شماره ۲۱.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و

جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صد ها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۱۸۰۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد

بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

